



پوهنتون سلام

پوهنځی شریعت و قانون  
پروگرام ماستری تفسیر و  
حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

# شهید و شهادت در روشنی سنت

(پایان نامه ماستری)

محصله: باصره بنت محمد یاسین

استاد رهنما: دکتور عبدالباری "حمیدی"

سال: ۱۴۰۱ ه.ش. ۱۴۴۳ ه.ق.



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری تفسیر و  
حدیث



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

# شهید و شهادت در روشنی سنت

(پایان نامه ماستری)

محصله: باصره بنت محمد یاسین

استاد رهنما: دکتور عبدالباری "حمیدی"

سال: ۱۴۰۱ ه.ش. ۱۴۴۳ ه.ق.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





# پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

## تصدیق نامه

محترمه باصره بنت محمد یاسین ID: SH-MST-99-752 محصله دور ششم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: شهادت و شهید در روشنی سنت به روز چهارشنبه تاریخ ۶/۲۳/۱۴۰۱ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۰ (نمره به عدد) پورکانون (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور فصیح الله عبدالباقی	عضو هیات	
۲	دکتور محمد عارف عطانی	عضو هیات	
۳	دکتور عبدالباری حمیدی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... امر بورده ماستری

## اهداء

رساله خویش را در قدم نخست برای والدین گرامی و برادران عزیزم که واقعاً در قسمت پرورش، تعلیم و تحصیل بنده لحظه‌ی تغافل ننموده‌اند، همچنان برای تمام اساتید عالی‌قدرم، که در حقیقت هر یک شان حیثیت پدر معنوی و آب حیات روحی بنده در زندگی بوده‌اند، و همچنان برای تمام دعوت‌گران و بیدارگران که لحظه به لحظه در فکر رشد روحی و معنوی جوانان این سرزمین بشکل حقیقی و واقعی هستند و عملاً در این قسمت سعی و تلاش دارند، به تماماً شهداء اسلام که جانهای عزیز شان را فدا و قربانی کلمة الله نمودند، اهداء می‌نمایم.

## سپاسگزاری

در اول شکر و سپاس پروردگاری را ادا می‌کنم، که برایم توفیق عنایت فرمود تا این رساله ماستری خود را به پایان برسانم.

در قدم دوم از وزارت محترم تحصیلات عالی ابراز تشکر و امتنان می‌نمایم، که از یک طرف زمینه تحصیل را مساعد ساخته است و از طرف دیگر بزرگترین حامی برای مراکز تحصیلی می‌باشند.

در قدم سوم سپاس و تشکری خویش را خدمت تمام کسانی که مرا در این راه یاری نمودند، تقدیم می‌کنم و از پوهنتون سلام و مسئولین شان، مخصوصاً از پوهنچی شرعیات، دبیرتمنت تفسیر و حدیث، اظهاری سپاس می‌نمایم که در مدت تحصیل ام، برایم هر نوع کمک نمودند.

در قدم چهارم از تمام اساتید معظم و گرانقدرم به ویژه از استاد گرامی ام، دکتور عبدالباری "حمیدی" که رهنمایی بنده را به عهده گرفتند و وقت گرانبهای خویش را در این راستا صرف کردند، اظهاری امتنان نموده که ما را رهین منت خود ساختند، فجزاه الله خیراً!

## خلاصه بحث

شهید شدن و شهادت در راه الله متعال، همان حالتی است که شخص مسلمان با اخلاص و بخاطر رضایت الله متعال در جنگ بدست کافران کشته می شود و از بزرگ ترین وسایل قرب با الله محسوب می گردد. همچنان تمام گناهان شهید به جز از دین (قرض) عفو می گردد. اهمیت این موضوع، عدم آگاهی کامل روی آن و پاسخ به حل سوالات مردم راجع به این موضوع از جمله اسباب اختیار این موضوع گردیده. گرچند قبل از این تحقیق، تحقیقات دیگر هم صورت گرفته بود، ولی تحقیقات قبلی به زبان عربی بیشتر اند و مردم افغانستان با زبان عربی آشنایی ندارند، و نیاز مبرم دیده می شد تا روی این موضوع تحقیق صورت گیرد. روش بکارگیری در این تحقیق کتابخانه ای بوده.

شهداء سه قسم اند، شهید در دنیا و آخرت و آن عبارت از شخص که در جنگ با کفار کشته شده است در آخرت برایش اجر شهید و در دنیا احکام میت شهید را دارد و شهید در آخرت نه در احکام دنیاست اما در آخرت اجر شهید را دارد و شروط شهادت: اسلام، اخلاص برای الله متعال، صبر و عدم فرار در میدان جنگ می باشند.

اسباب شهادت: سبب بزرگ شهادت، شهادت بسبب مرض طاعون، مبطون، غرق شدن در آب، زیر دیوار شدن، بسبب مرض ذات الجنب، مرگ بر اثر مرض سل، سوختن در آتش، زایمان و نفاس، مرگ در راه الله، بسبب دفاع از دین، نفس، اهل و مال، بسبب افتیدن از کوه و یا به سبب خوردن حیوانات درنده، مرگ بسبب سرطان و یا به سبب کرونا می باشند. موانع قبولیت شهادت: غلول، دین، عدم اجازه والدین، معصیت و گناه می باشند.

ثمرات شهادت: شهید درد قتل و سكرات موت را احساس نمی کند، گناهان شهید بجز از قرض بخشیده می شود، شهید از عذاب قبر در امان است، شهید از اهل بیتش شفاعت می کند، دخول جنت، نجات از جهنم، بهترین خانه در جنت می باشد.

**کلید واژه:** شهید و شهادت، اسباب و موانع شهادت.

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱

### فصل اول

**مبحث اول: معنی و مفهوم شهید و شهادت فضیلت آن ..... ۷**

مطلب اول: معرفی شهید و شهادت ..... ۷

الف: تعریف لغوی شهید و شهادت ..... ۷

ب: معانی شهید، شهادت و مشتقات آن ..... ۸

ج: تعریف اصطلاحی شهید و شهادت ..... ۱۳

هـ: وجه تسمیه شهید به شهید ..... ۱۶

مطلب دوم: فضیلت و مناقب شهید و شهادت ..... ۱۷

**مبحث دوم: اقسام شهید و شروط آن ..... ۲۴**

مطلب اول: اقسام شهید و شهادت ..... ۲۴

الف: شهید دنیا و آخرت ..... ۲۴

ب: شهید دنیا ..... ۲۶

ج: شهید آخرت ..... ۲۷

مطلب دوم: شروط شهادت ..... ۲۸

الف: شرط عام برای تمام شهداء (به جزء شهید دنیا) ..... ۲۸

ب: شروط خاص برای شهداء (شهید دنیا و آخرت، شهید دنیا) ..... ۳۱

### فصل دوم

#### اسباب، آرزو و موانع قبولیت شهادت

**مبحث اول: اسباب شهادت ..... ۳۸**

مطلب اول: سبب بزرگ شهادت ..... ۳۹

مطلب دوم: شهادت بسبب مرض طاعون ..... ۴۳

مطلب سوم: شهادت بسبب بطن (درد شکم) ..... ۴۷



- مطلب چهارم: شهادت بسبب غرق (غرق شدن در آب)..... ۵۰
- مطلب پنجم: شهادت بسبب هدم (زیر آوار شدن)..... ۵۲
- مطلب ششم: شهادت بسبب دانه های که در پهلوی سینه پیدا میشود (ذات الجنب)..... ۵۵
- مطلب هفتم: شهادت بسبب حرق (سوختن در آتش)..... ۵۷
- مطلب هشتم: شهادت زن به سبب زایمان و نفاس..... ۵۹
- مطلب نهم: شهادت بسبب مرگ در راه الله..... ۶۰
- مطلب دهم: شهادت بسبب دفاع از دین، نفس، اهل و مال..... ۶۲
- مطلب یازدهم: شهادت بسبب مرض «سِل»..... ۶۵
- مطلب دوازدهم: شهادت بسبب افتیدن از کوه و یا به سبب خوردن حیوانات درنده..... ۶۶
- مبحث دوم: آرزوی شهادت و موانع قبولیت آن**..... ۶۷
- مطلب اول: آرزوی شهادت و طلب آن..... ۶۷
- مطلب دوم: شرایط آرزوی شهادت و مرگ..... ۶۹
- مطلب سوم: موانع قبولیت شهادت..... ۷۱
- الف: غلول..... ۷۱
- ب: دین (قرض)..... ۷۳
- ج: عدم اجازه والدین..... ۷۵
- د: معصیت و گناه..... ۷۷

## فصل سوم

### یک عده از اسباب معاصر شهادت و ثمرات آن

- مبحث اول: یک عده از اسباب معاصر شهادت**..... ۸۴
- مطلب اول: شهادت بسبب سرطان..... ۸۴
- مطلب دوم: شهادت بسبب کرونا..... ۹۱
- مبحث دوم: ثمرات شهادت**..... ۹۷
- مطلب اول: ثمرات شهادت در دنیا..... ۹۷
- مطلب دوم: ثمرات شهادت در عالم برزخ (قبر)..... ۹۸
- مطلب سوم: ثمرات شهادت در آخرت..... ۱۰۲

۱۰۸.....	نتیجه گیری.....
۱۰۹.....	پیشنهادات.....
۱۱۰.....	فهرست آیات قرآن کریم.....
۱۱۳.....	فهرست احادیث نبوی.....
۱۱۷.....	فهرست اعلام.....
۱۱۹.....	فهرست منابع مأخذ.....

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد المرسلين وعلى آله وصحبه أجمعين ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين. قال الله تعالى: { فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا }<sup>(۱)</sup>

اما بعد: یکی از موضوعاتی مهم و اساسی که نصوص به عظمت و بزرگی یاد نموده و در جامعه ای اسلامی نیز مطرح بوده و سعادت و نیک بختی مسلمان به آن وابسته بوده است، شهادت در راه اعلاى کلمة الله است، که دارای اهمیت و ارزش خاصی بوده است، لذا نصوص زیادی را روی جایگاه شهید، شهادت، اهمیت آن و اسباب آن دیده میشود.

خلاصه: شهید شدن و شهادت در راه الله متعال، همان حالتی است که شخص مسلمان با اخلاص و بخاطر رضایت الله متعال در جنگ بدست کافران کشته می شود، به همین شکل اشخاص مسلمانی که بوسیله درد شکم، غرق شدن در آب، چپه شدن دیوار بر بالایش، سوختن، مرض طاعون، دفاع از دین، مال و اهل و غیره جان خود را از دست می دهد، شهید است، ولی شهادت در راه اعلاى کلمة الله بالاترین جایگاه خود را نزد الله متعال دارد.

لذا این رساله که راجع به شهید و شهادت در روشنی سنت است، سعی می کنم تا معلومات مفید شهید و شهادت را با استفاده از نصوص بیان نموده و مسلمانان را در این عرصه آگاهی کامل دهم.

## اهمیت و ضرورت تحقیق:

تحقیق روی شهید و شهادت در روشنی سنت، از مسایل و موضوعات بسیار مهم و ارزنده به شمار می رود، زیرا شهید شدن و شهادت از موضوعاتی است که در اسلام بسیار مورد تاکید قرار گرفته است؛ در نصوص متعددی به جایگاه شهید و شهادت یاد آوری شده است، که می توان شهادت در راه الله متعال را از بزرگ ترین وسایل قرب با خدا، از بهترین عبادت ها و آن را از بهترین صفات یک مؤمن موفق و کامیاب در دنیا و آخرت دانست، که حتی تمام گناهان شهید به جز از دین و قرض بخشیده می شود، با این اهمیت که دارد، ولی امروزه در جامعه ما دیده می شود، که اکثریت مردم به جایگاه شهید و شهادت توجه نمی کنند و این کلمه مقدس شهید را بر هر شخص که در تحت هر نام و هر فعل که کشته می شود، استفاده

۱ - {النساء، آیه ۷۴}.

می کنند، و مردم از شهید و شهادت و اینکه شهید کیست؟ و به کدام شخص و با کدام معیارات اطلاق می گردد، آگاهی کامل ندارند، بر این اساس ضرورت دیده می شد تا روی این عنوان تحقیق نمایم و بعداً آن را در خدمت مردم خود قرار دهم، تا مردم ما از اهمیت، انواع و ثمرات آن آگاه شده و شهید و شهادت را به شکل واقعی آن و مطابق نصوص بشناسند، تا در آرزوی مرگ با عزت و با شهادت باشند و در شناسای شهید و شهادت غافل نباشند.

## اسباب اختیار موضوع

- ۱- اهمیت این موضوع که شهادت در راه الله متعال از بزرگ ترین وسایل قرب با خدا و از بهترین عبادت است.
- ۲- تحقیقات موجود پیرامون این موضوع به زبان فارسی بسیار کم و خلاصه بود، که نمی توانست معلومات زیادی این مسئله را دربر می گرفت، بنابراین، ایجاب می کرد تا تحقیقات بیشتر صورت گیرد.
- ۳- همچنان تحقیقات پراکنده روی این مسئله بزبان عربی موجود بود، که دسترسی به آنها برای عام مردم مشکل بود.
- ۴- پاسخ به حل سوالاتی که امروزه مردم در این عرصه دارند، از قبیل شهید کیست؟ شهید و شهادت در روشنی سنت چگونه است؟ و امثال آن.

## سوالات تحقیق

برای هر تحقیق دو گونه سوال وجود دارد، سوال اصلی و سوالات فرعی، که سوالات اصلی و فرعی این تحقیق قرار ذیل اند:

### الف: سوال اصلی:

شهید و شهادت در روشنی سنت چگونه است؟

### ب: سوالات فرعی:

۱- شهید کیست؟

۲- فضیلت شهید و شهادت چگونه است؟

۳- اسباب شهادت کدام ها اند؟

#### ۴- شهادت به چند نوع است؟

از این رو در این رساله می‌کوشم، برای پاسخگویی به این سوالها با روش کتابخانه‌ای و با استفاده از آیات، احادیث، کتب تفسیر و شروح حدیث مورد بحث و بررسی قرار دهم.

#### **پیشینه تحقیق**

از آنجایی که رساله‌ها در مورد « شهید و شهادت در روشنی سنت » است، باید گفت: قبل از تحقیق من، کتاب‌های به زبان عربی، هم بشکل مستقل در این قسمت بحث نموده و یا هم نوشته شده است که تعداد از این کتاب‌ها قرار ذیل اند:

۱. منزلة الشهيد في القرآن و السنة: از زراقت محمد.
  ۲. الشهيد و الشهادة في ضوء القرآن و السنة: از زکریا احمد.
  ۳. الشهيد في السنة النبوية من واقع الكتب الستة: از جاسم صالح المسبحی.
  ۴. أصح الأنباء عن فضل الشهداء: عبدالله الغامدی.
  ۵. تذكرة الشهيد – بحوث فقهية - : ضياء الدين زنگی.
  ۶. شهداء من غير قتال: أسعد الطيب.
  ۷. الشهيد مثوبة و مكانة: از محمد عبدالله القولی.
  ۸. منزلة الشهداء عند ربهم: از خالد بدیر.
  ۹. فلسفة الشهادة: از أكرم برکات.
- ولی از آنجا که کتابهای فوق‌الذکر به زبان عربی هستند و مردم و ملت افغانستان به زبان عربی تسلط ندارند، و از طرف هم فضای عدم آگاهی کامل و بی‌خبری از شهید و شهادت بالای ملت مان‌سایه افکنده است، مناسب دیده میشد تا روی این موضوع تحقیق صورت گیرد، بنابراین، لازم دیدم تا روی این عنوان به زبان فارسی که یکی از زبانهای ملی کشورمان است، تحقیق نمایم.

#### **اهداف تحقیق:**

هر تحقیق وقتی که نوشته می‌شود، دارای اهداف اند، تحقیق حاضر نیز دارای اهداف مشخص است که قرار ذیل اند:

## الف: اهداف عام:

- ۱- از اینکه شهادت در راه الله متعال افتخار هر مسلمان است، بنابراین، خواستم تا راجع به این موضوع یک تحقیق نمایم.
- ۲- حل مشکل آن عده از افرادی که بر این مسئله رو به رو می شوند.
- ۳- آسان ساختن فهم مسئله برای خوانندگان.
- ۴- خدمت در پخش و نشر یک مسئله مهم دینی که کمتر به زبان فارسی تحقیق صورت گرفته است.

## ب: اهداف خاص

- ۱- حصول ثواب دنیا و آخرت، ان شاء الله.
- ۲- ادای مسئولیت است، زیرا وقتی که یک محصل از دوره ماستری می خواهد فارغ شود، لازم دانسته شده است تا قبل از آن تحقیق را ارائه نماید و من این عنوان را به این هدف انتخاب نمودم.
- ۳- برجا گذاشتن یک صدقه جاریه از خود.

## روش تحقیق:

تحقیق حاضر از جمله تحقیق کتابخانه ای محسوب می گردد، که تفصیل آن قرار ذیل است:

الف: کوشش استفاده از نصوص صریح و واضح.

ب: جمع و تخریح احادیث که در رابطه با شهید و شهادت اند، از کتاب های حدیث، با ذکر نام نویسنده کتاب، خود کتاب، محل چاپ، نام ناشر، طبع و سال طبع، همراهی جلد و صفحه آن.

د: بیان کردن صورت مسئله و ذکر اقوال مفسرین از کتاب های شان.

ه: از منابع تفسیری و حدیثی اهل سنت والجماعة استفاده نموده ام.

و: به کتب تخریح احادیث مراجعه نموده، صحت و سقم احادیث را تخریح نموده و حکم آن را واضح ساخته ام و در پهلوی آن وجه استدلال حدیث را نیز در وقت ضرورت ذکر کرده ام.

ز: قواعد دستوری زبان فارسی مانند کامه(ء)، شارحه(:)، نداییه(!)، سوالیه(?)، قوس ها() و نقطه (.) را تا حدی توان مراعات نموده ام.

ح: اعلام را تا حدی توان معرفی کرده ام.

## پلان اجمالی تحقیق:

تحقیق حاضر دارای یک مقدمه و سه فصل می باشد:

**فصل اول:** معنی و مفهوم شهید و شهادت و فضیلت آن، که شامل دو مبحث می باشد:

مبحث اول: معرفی شهید و شهادت و فضیلت آن، بحث شده است که شامل تعریف شهید و شهادت، وجه تسمیه شهید و فضیلت آن می گردد.

مبحث دوم: اقسام شهید و شروط آن بحث گردیده است، که شامل اقسام شهید و شهادت و شروط آن می گردد.

**فصل دوم:** اسباب، آرزو و موانع قبولیت شهادت صحبت شده است، که دارای دو مبحث است:

مبحث اول: اسباب شهادت بحث گردیده است، که شامل سبب بزرگ شهادت، شهادت به سبب مرض طاعون و امثال آن می گردد.

مبحث دوم: آرزوی شهادت و موانع قبولیت آن بحث گردیده است، که شامل آرزوی شهادت و طلب آن، شرایط آرزوی شهادت و موانع قبولیت شهادت می گردد.

**فصل سوم:** اسباب معاصر شهادت و ثمرات شهادت است، که شامل دو مبحث می گردد:

مبحث اول: یک عده اسباب معاصر شهادت بحث شده است.

مبحث دوم: ثمرات شهادت بحث گردیده است.

و در اخیر با نتیجه گیری، پیشنهادات، فهرست آیات قرآن کریم، احادیث نبوی، اعلام و منابع ختم گردیده است.



## فصل اول

در این فصل مباحث ذیل بحث می گردد:

مبحث اول: معنی و مفهوم شهید، شهادت و فضیلت آن

مبحث دوم: اقسام شهید و شروط آن

## مبحث اول

### معنی و مفهوم شهید و شهادت

در این مبحث مطالب ذیل بحث می گردد:

مطلب اول: معرفی شهید و شهادت

مطلب دوم: فضیلت و مناقب شهید و شهادت

#### مطلب اول: معرفی شهید و شهادت

در این مطلب نخست شهید و شهادت در لغت تعریف گردیده، سپس در اصطلاح تعریف نموده و در اخیر وجه تسمیه شهید به شهید را بیان می نمایم، که تفصیل هرکدام آنها قرار ذیل است:

#### الف: تعریف لغوی شهید و شهادت

شهید مفرد است و جمع آن شهداء می باشد، در لغت به معنای حاضر، شاهد و عالم که علمش را برای مردم بیان می کند، طور که ابن منظور افریقی<sup>۱</sup> رحمه الله می نویسد: (الشهید: الحاضر وَقَعِيلٌ مِنْ أبنیة المبالغة في فاعل فإذا اعتبر العلم مطلقاً فهو العليم وإذا أُضيف في الأمور الباطنة فهو الخبير وإذا أُضيف إلى الأمور الظاهرة فهو الشهيد)<sup>۲</sup>.

ترجمه: شهید به معنای حاضر و بر وزن فعیل از صیغه های مبالغه در فاعل است، وقت که منظور از کلمه «شهید» مطلق علم اعتبار داده شود، شهید به معنای علیم (دانشمند) است و وقت که در امور باطنی

---

۱ - ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور أنصاري، روفعی، افریقی (۶۳۰ - ۷۱۱ هـ = ۱۲۳۲ - ۱۳۱۱ م)، یکی از امامان و دانشمندان نحو، صرف و لغت بود، تولد و وفاتش در مصر شده است، در زمانش منشی دیوان قضاء در قاهره بود و در طرابلس بحیث قاضی ایفای وظیفه نموده است، از جمله تألیفاتش: لسان العرب و معانی القرآن می باشد. محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي، شمس الدین أبو عبد الله (المتوفی: ۷۴۸ هـ)، تاریخ الإسلام وَوَفیات المشاهیر وَالْأعلام، المحقق: بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي، الطبعة: الأولى، ۲۰۰۳ م، ج ۵ ص ۱۴۱.

۲ - محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین الأنصاري الروفعی، ابن منظور الإفريقي (المتوفی: ۷۱۱ هـ)، لسان العرب، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الثالثة - ۱۴۱۴ هـ، ج ۳ ص ۲۳۸.

نسبت داده شود، شهید در آن صورت به معنای خبیر (خبر دهنده و آگاهی دهنده) است و در صورت که به امور ظاهری نسبت داده شود، به معنای شهید (کسی که در راه الله متعال کشته شده باشد) است.

اما لفظ «شهادت» مصدر است، به معنای خبر قاطع، حضور، معاینه کردن، مشاهده نمودن، آشکار نمودن، قسم، اقرار، کلمه توحید و مرگ در راه الله متعال است.<sup>(۱)</sup>

در اینجا منظور از شهید همانا شخص است که در راه الله متعال جانفش را از دست می دهد.

## ب: معانی شهید، شهادت و مشتقات آنها در قرآن و سنت

الفاظ شهید، شهادت و مشتقات آنها در قرآن کریم و سنت نبوی به چندین معنا آمده است، که قرار ذیل اند:

اول: به معنای حاضر آمده است، طور که الله متعال می فرماید: **{ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ }**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: پس کسی که گواهی داده از میان شما ماه (رمضان) را پس آنرا (رمضان) روزه بگیرد.

قرطبی<sup>(۳)</sup> رحمه الله در تفسیر «شَهِدَ» می گوید: (وَشَهِدَ بِمَعْنَى حَضَرَ).<sup>(۴)</sup> ترجمه:

معنای شهد، حضر (حاضر باشد) است.

دوم: به معنای معاینه کردن آمده است، طور که الله متعال می فرماید: **{ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ**

**الرَّحْمَنِ إِنَانَا أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ }**.<sup>(۵)</sup>

۱ - أحمد بن محمد بن علي المقرئ الفيومي، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت، ج ۱ ص ۳۲۴ - ۳۲۵. محمد بن أبي بكر بن عبد القادر الرازي، مختار الصحاح، تحقيق: محمود خاطر، الناشر: مكتبة لبنان ناشرون - بيروت، الطبعة طبعة جديدة، ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵، ج ۱ ص ۴۶۷.

۲ - {البقرة، آیه ۱۸۵}.

۳ - قرطبی: (۶۷۱ هـ = ۱۲۷۳ م)، محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح، أنصاري، خزرجي، أندلسي، أبو عبد الله، قرطبي، یکی از بزرگان مفسرین در زمانش بود، تولدش در قرطبه شده است، سپس به شرق اسپوط که قریه از قریه های مصر است، مسکن گزید و در همانجا وفات یافت، دارای تالیفات زیاد است از جمله: الجامع لأحكام القرآن که در حدود ۲۰ جزء است، التقریب لکتاب التمهید، قمع الحرص بالزهد والقناعة وغيره است. عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: ۹۱۱ هـ)، طبقات الحفاظ، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۳، ۶۳۴.

۴ - محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي القرطبي، أبو عبد الله، شمس الدين (المتوفى: ۶۷۱ هـ)، الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبي، تحقيق: أحمد اليردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، ۱۳۸۴ هـ - ۱۹۶۴ م، ج ۲ ص ۲۹۳.

۵ - {الزخرف، آیه ۱۹}.

ترجمه: آنها فرشتگان را که بندگان خداوند مؤنث پنداشتند، آیا به هنگام آفرینش آنها شاهد و حاضر بودند؟ این گواهی آنها نوشته می شود و از آن بازخواست خواهند شد!

طبرانی<sup>(۱)</sup> رحمه الله در تفسیر این آیه می گوید: (أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ) ... علی معنی أَحْضَرُوا وَعَائِنُوا خَلْقَهُمْ حتی عَلِمُوا أَنَّهُمْ أَنَاثٌ<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: آیا به هنگام آفرینش آنها شاهد و حاضر بودند؟ براین معنا که آیا آنها حاضر بودند و مخلوقات الله متعال را معاینه کردند؟، تا اینکه دانستند ملائیکه مؤنث می باشند.

سوم: شهادت به معنای قسم و یمین آمده است، طور که الله متعال می فرماید: { فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ }<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: هر يك از آنها باید چهار مرتبه به نام خدا شهادت دهد که از راستگویان است.

ابن عاشور<sup>(۴)</sup> رحمه الله در تفسیر این آیه می گوید: (أَنَّ صِغَةَ الشَّهَادَةِ تُسْتَعْمَلُ فِي الْحَلْفِ كَثِيرًا وَهَذَا جُعِلَتْ بَدَلًا مِنَ الشَّهَادَةِ فَكَأَنَّ الْمُدَّعِيَّ أَخْرَجَ مِنْ نَفْسِهِ أَرْبَعَةَ شُهُودٍ هِيَ تِلْكَ الْأَيْمَانِ الْأَرْبَعِ)<sup>(۵)</sup>.

<sup>۱</sup> - طبرانی: أبو القاسم سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير، لخمى، طبرانى، یکی از مفسرین، محدثین و فقیه زمانش بود، در سال ۲۶۰ هجری قمری در طبریه شام متولد گردید، سپس به اصفهان آمد و در آنجا مسکن گزید تا این که در سال ۳۶۰ هجری به عمر ۱۰۰ سالگی وفات یافت، دارای تالیفات کثیره بود، از جمله: المعجم الكبير، المعجم الأوسط، المعجم الصغير، تفسیر القرآن العظيم وغيره. أبو العباس شمس الدين أحمد بن محمد بن إبراهيم بن أبي بكر ابن خلکان البرمكي الإربلي (المتوفى: ۶۸۱هـ)، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: ۰، ۱۹۰۰م، ج ۲ ص ۴۰۷.

<sup>۲</sup> - سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ۳۶۰هـ)، تفسیر القرآن العظيم المنسوب للإمام الطبراني، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة، ج ۷ ص ۳۳۵.

<sup>۳</sup> - {النور، آیه ۶}.

<sup>۴</sup> - ابن عاشور (۱۲۸۴ هـ = ۱۸۶۸ م)، محمد الطاهر بن محمد الشاذلي بن عبد القادر بن محمد بن عاشور، یکی از علماء تفسیر، ادیب، لغت دان و نحوی معاصر و از اهل تونس بود، مدت زیادی را در تونس بحیث قاضی ایفای وظیفه نمود، سپس در تونس وفات نمود، دارای تالیفات کثیره ب.د، از جمله التحرير و التنوير، شفاء القلب الجريح في شرح البردة، هدية الأريب وغيره. عادل نويهض، معجم المفسرين «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، الناشر: مؤسسة نويهض الثقافية للتأليف والترجمة والنشر، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۸۸ م، ج ۲ ص ۵۴۱.

<sup>۵</sup> - محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي (المتوفى: ۱۳۹۳هـ)، التحرير والتنوير، الناشر: الدار التونسية للنشر - تونس، ۱۹۸۴ هـ، ج ۱۸ ص ۱۶۴.

ترجمه: صیغه شهادت در قسم بسیار زیاد استعمال می گردد و در اینجا صیغه شهادت بدل از شهادت است، گویا مدعی از نفسش چهار بار شاهد بیرون می کند، که آن چهار بار قسم است.

چهارم: شهادت به معنای خبر قاطع آمده است، طور که الله متعال می فرماید: **{وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا}**.<sup>(۱)</sup>  
ترجمه: و ما جز به آنچه می دانستیم گواهی ندادیم.

امام آلوسی<sup>(۱)</sup> رحمه الله در تفسیر این آیه می گوید: (معنی ما شَهِدْنَا إلخ ما كانت شهادتنا في عمرنا على شيء إلا بما علمنا وليست هذه شهادة منا إنما هي خبر عن صنيع ابنك بزعمهم... وفي الكشف الذي يشهد له الذوق أنهم كانوا جازمين).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: معنای «ما شَهِدْنَا» تا آخرش: شهادت دادن ما در عمر ما بر یک چیز نیست، مگر به آنچه می دانستیم و نیست این شهادت از جانب ما و یقین آن خبر است که فرزندت ساخته است به گمان آنها... و در تشخیص نمودن چیزی که ذوق و طبیعت برایش شهادت می دهد، آنها قاطعانه بودند.

پنجم: شهادت به معنای اقرار آمده است، طور که الله متعال می فرماید: **{ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِم بِالْكَفْرِ }**.<sup>(۱)</sup>  
ترجمه: در حالی که به کفر خویش گواهی می دهند.

<sup>۱</sup> - {یوسف، آیه ۸۱}.

<sup>۲</sup> - آلوسی: (۱۲۱۷ - ۱۲۷۰ هـ = ۱۸۰۲ - ۱۸۵۴ م) محمود بن عبد الله، حسینی، آلوسی، شهاب الدین، أبوالتناء: یکی از بزرگترین مفسر و محدث در زمانش بود، تولد و وفاتش در بغداد صورت گرفته است، دارای تالیفات زیاد است، از جمله: تفسیر روح المعانی، دقائق التفسیر، مقامات و غیره می باشد. خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، الزرکلی دمشقی (المتوفی: ۱۳۹۶ هـ)، الأعلام، الناشر: دار العلم للملایین، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو ۲۰۰۲ م، ج ۷ ص ۱۷۶ - ۱۷۷.

<sup>۳</sup> - محمود بن عبد الله الحسيني، شهاب الدين الأوسي (المتوفى: ۱۲۷۰ هـ)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، المحقق: علي عبد الباري عطية، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵ هـ، ج ۷ ص ۳۶.

<sup>۴</sup> - {التوبة، آیه ۱۷}.

ابوالفرج الجوزی<sup>۱</sup> رحمه الله در تفسیر این آیه می گوید: { شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ } أي مقرین علیها<sup>۲</sup>.

ترجمه: بر نفس های شان شاهی می دادند، یعنی بر نفس های شان اقرار می کردند.

ششم: شهادت بر کلمه توحید اطلاق می گردد، و کلمه توحید عبارت از ( أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ) است، پس معنای شهادت در اینجا عبارت از اعلام و بیان برای امری است که دانسته شده است و اقرار کردن و اعتراف کردن به آن است، از همین جهت ابن الانباری<sup>۳</sup> رحمه الله در معنای این کلمه چنین می گوید: ( أَعْلَمُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. وَأُبَيِّنُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ... وَأَعْلَمُ وَأُبَيِّنُ أَنَّ مُحَمَّدًا مُبَلِّغٌ لِلْأَخْبَارِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ )<sup>۴</sup>.

ترجمه: می دانم که جز خدای بر حق معبودی نیست و بیان می دارم که جز خدای بر حق معبودی نیست... و می دانم و بیان می کنم که محمد (صلی الله علیه وسلم) تبلیغ کننده برای اخبار از جانب الله عز و جل است.

هفتم: شهادت به معنای آشکار کردن آمده است، طور که الله متعال می فرماید: { عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ }<sup>۵</sup>.

ترجمه: خداوند غیب و شهود (پنهان و آشکار) را می داند.

<sup>۱</sup> - ابوالفرج الجوزی: (۵۰۸ - ۵۹۷ هـ = ۱۱۱۴ - ۱۲۰۱ م)، عبد الرحمن بن علی بن محمد، الجوزی، قرشی، بغدادی، أبو الفرج، علامه عصر در تفسیر، حدیث و تاریخ بود، تولد و وفاتش در بغداد صورت گرفته است، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: تلخیص فہوم أهل الآثار فی مختصر السیر والأخبار، تذکرة الأریب فی تفسیر الغریب، مناقب عمر بن عبد العزیز، روح الأرواح، شذور العقود فی تاریخ العہود، المدہش فی المواعظ و غرائب الأخبار، الموضوعات و غیره. أحمد بن محمد بن إبراهیم بن أبی بکر، أبو العباس شمس الدین ابن خلکان البرمکی الإربلی (المتوفی: ۶۸۱ هـ)، وفيات الأعیان وأنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بیروت، الجزء: ۲ - الطبعة: ۱۹۰۰، ج ۱ ص ۲۷۹.

<sup>۲</sup> - عبد الرحمن بن علی بن محمد، جمال الدین أبو الفرج الجوزی (المتوفی: ۵۹۷ هـ)، تذکرة الأریب فی تفسیر الغریب (غریب القرآن الکریم)، تحقیق: طارق فتحي السيد، الناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۵ هـ - ۲۰۰۴ م، ج ۱ ص ۱۳۵.

<sup>۳</sup> - ابن الأنباری: (۲۷۱ - ۳۲۸ هـ = ۸۸۴ - ۹۴۰ م)، محمد بن القاسم بن محمد بن بشار، أبو بکر الأنباری، یکی از اعلام در علم ادب و لغت بود، تولدش در انبار فرات و وفاتش در بغداد صورت گرفته است، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: إیضاح الوقف والابتداء فی کتاب الله عزوجل، الزاهر فی معانی کلمات الناس، عجائب علوم القرآن و غیره، در سن ۶۸ سالگی وفات نمود. محمد بن محمد بن یوسف، شمس الدین أبو الخیر ابن الجزری، (المتوفی: ۸۳۳ هـ)، غایة النہایة فی طبقات القراء، الناشر: مکتبة ابن تیمیة، الطبعة: عني بنشره لأول مرة عام ۱۳۵۱ هـ. ج. برجستراسر، ج ۲ ص ۲۳۰.

<sup>۴</sup> - محمد بن القاسم بن محمد بن بشار، أبو بکر الأنباری (المتوفی: ۳۲۸ هـ)، الزاهر فی معانی کلمات الناس، المحقق: حاتم صالح الضامن، الناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۲، ج ۱ ص ۳۲ - ۳۴.

<sup>۵</sup> - {الانعام، آیه ۷۳}.

امام سیوطی<sup>(۱)</sup> رحمه الله به نقل از ابن عباس رضی الله عنهما در تفسیر این آیه می گوید: (السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ)<sup>(۲)</sup>. ترجمه: معنای غیب و شهادت، همانا پنهان و آشکار است.

هشتم: یکی دیگر از معانی شهادت، همانا مرگ در راه الله متعال است، الله متعال می فرماید: { وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ }<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز) همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنها تمام کرده، از پیامبران و صدیقان و شهداء و صالحان، و آنها رفیقهای خوبی هستند. امام طبری<sup>(۴)</sup> رحمه الله در تفسیر (وَالشُّهَدَاءِ) می نویسد: ("والشهداء"، وهم جمع "شهيد"، وهو المقتول في سبيل الله)<sup>(۵)</sup>.

ترجمه: شهداء جمع شهيد است و شهيد شخص است که در راه الله متعال کشته شده است.

خلاصه: مشخص گردید که الفاظ شهيد، شهادت و مشتقات شان در قرآن کریم به معانی خبر قاطع، حضور، معاینه کردن، مشاهده نمودن، آشکار نمودن، قسم، اقرار، کلمه توحید و مرگ در راه الله متعال است.

۱ - سِيُوطِي، (٨٤٩ - ٩١١ هـ = ١٤٤٥ - ١٥٠٥ م)، عبد الرحمن بن أبي بكر بن محمد ابن سابق الدين الخضيرى السيوطي، جلال الدين: إمام، حافظ، مؤرخ، أديب و از فقهاء مذهب شافعی بود، تولد، پرورش و وفات سیوطی در قاهره شده است، تألیفات سیوطی به ٦٠٠ کتاب می رسد، از جمله تألیفات اش: الكتاب الكبير، الرسالة الصغيرة، الدر المنثور، تفسیر جلالین، الإقتان في علوم القرآن، وغيره بود. محمد بن محمد، نجم الدين الغزي (المتوفى: ١٠٦١هـ)، الكواكب السائرة بأعيان المئة العاشرة، المحقق: خليل المنصور، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م، ج ١ ص ٢٢٧ - ٢٣٢.

۲ - عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: ٩١١هـ)، الدر المنثور، الناشر: دار الفكر - بيروت، ج ٣ ص ٢٩٩.

۳ - {النساء، آیه ٦٩}.

۴ - امام طبری: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير، أملي، طبري، أبو جعفر، یکی از بزرگترین و مشهورترین مفسر قرآن است، در بغداد وفات یافته است، از جمله تألیفات او: تاریخ الأمم والملوك، جامع البيان في تأويل القرآن، الجامع، الغرائب، التنزيل، العدد وغيره می باشد. محمد بن علي بن أحمد، شمس الدين الداودي المالكي (المتوفى: ٩٤٥هـ)، طبقات المفسرين للداودي، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ج ٢ ص ١١٢ - ١١٥.

۵ - محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: ٣١٠هـ)، جامع البيان في تأويل القرآن، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م، ج ٨ ص ٥٣٢.



## ج: تعریف اصطلاحی شهید و شهادت

شهید در اصطلاح: شهید را در اصل: مفسرین از جمله طبری و فخر رازی<sup>(۱)</sup> رحمهما الله و محدثین از

جمله ابن حجر<sup>(۲)</sup> و مناوی<sup>(۳)</sup> رحمهما الله چنین تعریف نموده اند: (وَهُوَ الْمَقْتُولُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: شهید عبارت از شخص است که در راه الله متعال کشته شده است.

این تعریف را از این آیه قرآن استدلال نموده اند: {وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا...}.<sup>(۵)</sup>

ترجمه: (ای پیامبر) هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شده اند مردگانند.

۱ - فخر رازی: (۵۴۴ - ۶۰۶ هـ = ۱۱۵۰ - ۱۲۱۰ م)، محمد بن عمر بن الحسن بن الحسین، تیمی، بکری، أبو عبد الله، فخر الدین، رازی، یکی از امامان مفسرین در زمانش بود، اصلش از طبرستان و تولدش در ری شده است، از همین جهت برایش ابن خطیب الری گفته می شد، در هرات وفات نمود، دارای تالیفات زیاد است از جمله: مفاتیح الغیب، لوامع البینات فی شرح أسماء الله تعالی والصفات، معالم أصول الدین وغیره. عبد الرحیم بن الحسن بن علی الإسفغانی الشافعی، أبو محمد، جمال الدین (المتوفی: ۷۷۲ هـ)، طبقات الشافعیة، تحقیق: کمال یوسف الحوت، بیروت، الناشر: دار الکتب العلمیة، الطبعة: الأولى ۲۰۰۲ م، ج ۵ ص ۳۳.

۲ - ابن حجر عسقلانی، (۷۷۳ - ۸۵۲ هـ = ۱۳۷۲ - ۱۴۴۹ م)، أحمد بن علی بن محمد الکنانی العسقلانی، أبو الفضل، شهاب الدین، مشهور به ابن حجر، یکی از علماء حدیث، فقه، جرح و تعدیل، تاریخ و اصول بود، در عسقلان فلسطین تولد گردیده است، پرورش و وفاتش در قاهره شده است، تألیفات زیادی از خود بجا گذاشته است، از جمله: الدرر الكامنة فی أعیان المئة الثامنة، الإحکام لبیان ما فی القرآن من الأحکام، فتح الباری شرح صحیح البخاری و غیره. محمد بن علی بن محمد بن عبد الله الشوکانی الیمنی (المتوفی: ۱۲۵۰ هـ)، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ج ۱ ص ۸۷.

۳ - مناوی: (۹۵۲ - ۱۰۳۱ هـ = ۱۵۴۵ - ۱۶۲۲ م)، محمد عبد الرؤوف بن تاج العارفین ابن علی بن زین العابدین الحدادی ثم المناوی القاهری، زین الدین: یکی از بزرگان علماء حدیث و فنون بود، تولد و وفات او در قاهره بوده است، مجموعه تالیفات او به هشتاد کتاب می رسد، از جمله کنوز الحقائق فی الحدیث، التیسیر فی شرح الجامع الصغیر، فیض القدیر شرح الجامع الصغیر و غیره. محمد عبد الحی بن عبد الکبیر ابن محمد الحسنی الإدریسی، المعروف بعبد الحی الکنانی (المتوفی: ۱۳۸۲ هـ)، فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمشیخات والمسلسلات، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار الغرب الإسلامی - بیروت، الطبعة: ۲، ۱۹۸۲ م، ج ۲ ص ۲.

۴ - جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۸ ص ۵۳۲. محمد بن عمر بن الحسن بن الحسین، أبو عبد الله التیمی الرازی الملقب بفخر الدین الرازی خطیب الری (المتوفی: ۶۰۶ هـ)، مفاتیح الغیب، الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، الطبعة: الثالثة - ۱۴۲۰ هـ، ج ۹ ص ۳۷۴. أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ۱۳۷۹، ج ۶ ص ۴۴. زین الدین محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفین بن علی بن زین العابدین الحدادی ثم المناوی القاهری (المتوفی: ۱۰۳۱ هـ)، فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، الناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة: الأولى، ۱۳۵۶، ج ۴ ص ۱۸۳.

۵ - {آل عمران، آیه ۱۶۹}.

ابن رجب<sup>(۱)</sup> رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: (والآیة نصُّ في المقتولِ في سبيلِ الله).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: این آیه نص است در مورد شخص که در راه الله متعال کشته شده است.

ولی باید گفت در احادیث شریف به بعض اشخاص دیگر هم که بسبب درد شکم، طاعون، دفاع از مال و غیره کشته می شوند، اسم شهید اطلاق گردیده است، از جمله در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْمَبْتُونُ شَهِيدٌ، وَالْمَطْعُونُ شَهِيدٌ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: کسی که به درد شکم و اسهال فوت کند، شهید است و کسی که به طاعون و وبا فوت کرده است، شهید است.

در این حدیث مشخص گردیده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم اسم شهید را بالای اشخاص که به درد شکم و مرض طاعون وفات کرده اند، بکار برده است.

از همین جهت بعض از محدثین از جمله امام نووی<sup>(۴)</sup> رحمه الله شهداء را بر اساس اسباب شهادت به سه قسم تقسیم نموده و چنین تصریح نموده است: (أَنَّ الشُّهَدَاءَ ثَلَاثَةٌ أَقْسَامٍ شَهِيدٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَهُوَ الْمَقْتُولُ فِي حَرْبِ الْكُفَّارِ وَشَهِيدٌ فِي الْآخِرَةِ دُونَ أَحْكَامِ الدُّنْيَا وَهُمْ هَؤُلَاءِ الْمَذْكُورُونَ هُنَا وَشَهِيدٌ فِي الدُّنْيَا دُونَ الْآخِرَةِ وَهُوَ مَنْ غَلَّ فِي الْغَنِيمَةِ أَوْ قُتِلَ مُدْبِرًا).<sup>(۵)</sup>

۱ - ابن رجب: (۷۳۶ - ۷۹۵ هـ = ۱۳۳۵ - ۱۳۹۳ م) عبد الرحمن بن أحمد بن رجب، سلامی، بغدادی، دمشقی، أبو الفرج، زین الدین، یکی از فقهاء و علماء حدیث است، تولدش در بغداد، پرورش و وفات او در دمشق شده است، از جمله تألیفاتش: روائع التفسیر، فتح الباری شرح صحیح البخاری و قواعد الفقهیه می باشد. أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر، أبو الفضل العسقلانی (متوفی: ۸۵۲ هـ)، الدرر الكامنة فی أعیان المائة الثامنة، المحقق: محمد عبد المعید ضان، الناشر: مجلس دائرة المعارف العثمانية - صیدر اباد الهند، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۲ هـ / ۱۹۷۲ م، ج ۱۱ ص ۱۵۱.

۲ - عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، زین الدین، السلامی، البغدادی، ثم الدمشقی، الحنبلی (متوفی: ۷۹۵ هـ)، روائع التفسیر، الناشر: دار العاصمة - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى ۱۴۲۲ - ۲۰۰۱ م، ج ۱ ص ۲۳۲.

۳ - محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، صحیح البخاری، المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، الناشر: دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲ هـ، رقم الحدیث ۵۷۳۳.

۴ - نووی، أبو زکریا، محیی الدین، یحیی بن شرف (متوفی: ۶۷۶ هـ)، یکی از محدثین و علام اسلام و فقیه مذهب شافعی است، تألیفات زیاد دارد از جمله: المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ریاض الصالحین، الاذکار و غیره. السبکی، تاج الدین عبد الوهاب بن تقی الدین (متوفی: ۷۷۱ هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، المحقق: محمود محمد الطناحي و عبد الفتاح محمد الحلو، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۳ هـ، ج ۵ ص ۱۶۵.

۵ - یحیی بن شرف، أبو زکریا محیی الدین النووی (متوفی: ۶۷۶ هـ)، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۲، ج ۱۳ ص ۶۳.

ترجمه: شهداء سه قسم اند، شهید در دنیا و آخرت و آن عبارت از شخص که در جنگ با کفار کشته شده است و شهید در آخرت نه در احکام دنیا و آن عبارت از این گروه (اشخاص که به درد شکم و مرض طاعون و غیره) که در اینجا تذکر رفتند و شهید در دنیا نه در آخرت و آن عبارت از شخص که از غنایم چیزی بردارد و بدزدد و یا در حال فرار از کافران کشته شود.

خلاصه می توان گفت: شهید واقعی عبارت از شخص است که در راه الله متعال و در جنگ با کفار کشته شده است و بقیه اشخاص که در احادیث بالای شان اسم شهید گذاشته شده اند، آنها یا تنها شهداء آخرت و یا هم تنها شهداء دنیا محسوب می گردند.

اما شهادت در اصطلاح: عبارت از کشته شدن در راه الله متعال است، طور که ابن الاثیر<sup>(۱)</sup> رحمه الله می نویسد: (الشهید: هو القتل فی سبیل الله مجاهدًا، والشهادة القتل فیها)<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: شهید عبارت از شخص مجاهد است که در راه الله متعال کشته شده است و شهادت عبارت از کشته شدن در راه الله متعال است.

---

۱ - ابن الاثیر: (۵۴۴ - ۶۰۶ هـ = ۱۱۵۰ - ۱۲۱۰ م)، مبارک بن محمد بن محمد بن محمد بن عبد الکریم الشیبانی الجزری، أبو السعادات، مجد الدین، ابن الاثیر، یکی از علماء مشهور حدیث، لغت، ادب و اصول بود، در جزیره ابن عمر از جزایر موصل تولد و نشأت کرد، سپس در موصل مسکن گزید و در همانجا وفات یافت، وی برادر ابن الاثیر المؤرخ و ابن الاثیر کاتب است، از جمله تالیفاتش: جامع الأصول فی احادیث الرسول، النهاية فی غریب الحدیث والأثر، الإنصاف فی الجمع بین الكشف والكشاف و غیره می باشد. أبو العباس شمس الدین أحمد بن محمد بن ابراهیم بن ابي بکر ابن خلکان البرمکی الإربلی (المتوفی: ۶۸۱ هـ)، وفيات الأعیان وأنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بیروت، الطبعة: ۱، ۱۹۹۴ م، ج ۱ ص ۴۴۱.

۲ - المبارک بن محمد بن محمد بن محمد بن عبد الکریم، مجد الدین أبو السعادات الشیبانی الجزری ابن الاثیر (المتوفی: ۶۰۶ هـ)، الشافی فی شرح مُسنَد الشافی لابن الاثیر، المحقق: أحمد بن سلیمان - ابي تمیم یاسر بن ابراهیم، الناشر: مکتبة الرشد، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م، ج ۵ ص ۲۴۸.

## هـ: وجه تسمیه شهید به شهید

در قسمت وجه تسمیه شهید به شهید باید گفت که کلمه «شهید» یا از «شهادت» اشتقاق شده است، یا از مشاهده، یا بر وزن فعیل به معنای مفعول است و یا بر وزن فعیل به معنای فاعل است.<sup>۱)</sup>

در صورت که از لفظ شهادت مشتق شده باشد، در این صورت شهید یا بر وزن فعیل به معنای مفعول است، یعنی مشهود، زیرا شهید به جنت شهادت داده شده است، یا شهید بر وزن فعیل به معنای فاعل است، یعنی شهید، شهادت دهنده بر دیگران است، طور که الله متعال می فرماید: **{وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ}**.<sup>۲)</sup> ترجمه: و شما گواهان بر مردم باشید.

این آیه گرچند عام است و تمام امت محمد صلی الله علیه وسلم را شامل می گردد، ولی شهداء با این اسم اولی می باشد.

به همین شکل طبری رحمه الله می فرماید: («والشهداء»، وهم جمع "شهید"، وهو المقتول في سبيل الله، سمي بذلك لقيامه بشهادة الحق في جنب الله حتى قتل).<sup>۳)</sup>

ترجمه: شهداء جمع شهید است و شهید شخص است که در راه الله متعال کشته شده است، با این نام از آن جهت مسمی شده است، بخاطر برخواستن و قیامش به شهادت حق در قرب و اطاعت الله متعال تا اینکه کشته شده است.

در صورت که شهید از کلمه «مشاهده» اشتقاق شده باشد، در این صورت یا شهید بر وزن فعیل به معنای فاعل است، یعنی شهید سلطه و سلطنت الهی را مشاهده می کند، یا شهید بر وزن فعیل به معنای مفعول است، یعنی ملائکه قبض روح و عروج روح او را مشاهده می کنند.<sup>۴)</sup>

<sup>۱</sup> - تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۸ ص ۲۵۴.

<sup>۲</sup> - {الحج، آیه ۷۸}.

<sup>۳</sup> - جامع البيان في تأويل القرآن، ج ۸ ص ۵۳۲.

<sup>۴</sup> - عبد الرحمن بن عبد الله بن أحمد، أبو القاسم السهيلي (المتوفى: ۵۸۱هـ)، الروض الأنف في شرح السيرة النبوية لابن هشام، المحقق: عمر عبد السلام السلامي، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، الطبعة: الطبعة الأولى، ۱۴۲۱هـ/ ۲۰۰۰م، ج ۳ ص ۱۹۵.

بعد از تحقیق و بررسی به نظر می رسد که نزدیکترین و صحیح ترین قول در وجه تسمیه شهید، قول امام سهیلی<sup>۱</sup> رحمه الله است، که فرموده است: (وَأُولَىٰ هَذِهِ الْوَجْوهُ كُلُّهَا بِالصَّحَّةِ: أَنْ يَكُونَ فَعِيلًا بِمَعْنَى مَفْعُولٍ، وَيَكُونُ مَعْنَاهُ: مَشْهُودًا لَهُ بِالْجَنَّةِ).<sup>۲</sup>

ترجمه: اولی ترین تمام این وجوهات به صحت آن است که شهید بر وزن فعیل به معنای مفعول باشد و معنایش: برایش جنت شهادت داده شده است.

## مطلب دوم: فضیلت و مناقب شهید و شهادت

شهید و شهادت در قرآن کریم از فضیلت و مناقب خاص برخوردار است، که تعداد از این فضیلت قرار ذیل اند:

<sup>۱-</sup> شهید گرچند در این دنیا کشته شده است، ولی روح شان در دارالقرار زنده و برایش روزی داده می شود، طور که الله متعال می فرماید: **{وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنَّ لَّا تَشْعُرُونَ}**.<sup>۳</sup>

ترجمه: و به آنها که در راه الله کشته می شوند مرده مگوئید، بلکه آنها زندگانند ولی شما نمی فهمید. همچنان الله متعال می فرماید: **{وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ} \* فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ}**.<sup>۴</sup>

ترجمه: (ای پیامبر) هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شده اند مردگانند، بلکه آنها زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. آنها بخاطر نعمتهای فراوانی که خداوند از فضل خود به آنها بخشیده است خوشحالند و بخاطر کسانی که (مجاهدانی که) بعد از آنها به آنان ملحق نشدند

<sup>۱</sup> - سهیلی: عبد الرحمن بن خطیب ابی محمد بن عبد الله بن خطیب ابی عمر أحمد بن ابی الحسن، أبو القاسم، خثعمی، سهیلی، یکی از مفسرین، فقیه، حافظ، ادیب، عالم به لغت و قراءات بود، در سال ۵۰۸ هجری تولد گردید، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: الروض الأنف فی شرح السیرة النبویة لابن هشام، نتائج الفکر فی النحو و غیره. محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز، شمس الدین أبو عبد الله الذهبی (المتوفی: ۷۴۸هـ)، تذکرة الحفاظ، الناشر: دار الکتب العلمیة بیروت-لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹هـ-۱۹۹۸م، ج ۴ ص ۱۳۴۸ - ۱۳۴۹.

<sup>۲</sup> - عبد الرحمن بن عبد الله بن أحمد، أبو القاسم السهیلی (المتوفی: ۵۸۱هـ)، الروض الأنف فی شرح السیرة النبویة، الناشر: دار إحياء التراث العربی، بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲هـ، ج ۳ ص ۱۹۵.

<sup>۳</sup> - {البقرة، آیه ۱۵۴}.

<sup>۴</sup> - {آل عمران، آیات ۱۶۹ - ۱۷۱}.

(نیز) خوشوقتند (زیرا مقامات برجسته آنها را در آن جهان می بینند و می دانند) که نه ترسی بر آنها است و نه غمی خواهند داشت. و (نیز) از نعمت خدا و فضل او (نسبت به خودشان خوشحال و مسرور می شوند و (می بینند که) خداوند پاداش مؤمنان را ضایع نمی کند (نه پاداش شهیدان و نه پاداش مجاهدانی که شهید نشدند).

امام بغوی<sup>۱</sup>) رحمه الله در تفسیر این آیات می فرماید: (إِنَّ الشُّهَدَاءَ أَحْيَاءٌ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى تُعْرَضُ أَرْزَاقُهُمْ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ فَيَصِلُ إِلَيْهِمُ الرُّوحُ وَالْفَرْحُ كَمَا تُعْرَضُ النَّارُ عَلَى أَرْوَاحِ آلِ فِرْعَوْنَ غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً فَيَصِلُ إِلَيْهِمُ الْوَجَعُ).<sup>۲</sup>

ترجمه: شهداء نزد الله متعال زنده هستند، رزق و روزی به ارواح شان پیش کرده می شود، سپس برای شان روح و خوشحالی می رسد، همان طور که آتش دوزخ به ارواح خانواده فرعون در صبحگاه و شامگاه پیش کرده می شود، سپس به خانواده فرعون درد و ألم می رسد.

۲- الله متعال برای شهید در بدل شهادتش، جنت را وعده نموده است، طور که می فرماید: {إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ}.<sup>۳</sup>

ترجمه: خداوند جان و مال مؤمنان را در برابر بهشت خریده است. آنان در راه الله جهاد می کنند، می کشند و کشته می شوند، این وعده به حق خداوند است در تورات، انجیل و قرآن، چه کسی بهتر از خداوند به وعده خود وفا می کند؟ پس خوشحال و شادمان باشید بخاطر معامله ای که با خدا انجام داده اید. آری، این است پیروزی بزرگ.

۱ - بَغْوِي: (٤٣٦ - ٥١٠ هـ = ١٠٤٤ - ١١١٧ م)، حسين بن مسعود بن محمد، فراء، يا ابن الفراء، أبو محمد، ملقب به محيي السنة، بغوي: امام در تفسير، حديث و فقه و در مذهب شافعي بود، نسبش به بغوي است و آن قريه است ميان هرات و مرو، تاليفات زياد دارد از جمله: التهذيب في فقه الشافعية، شرح السنة في الحديث، لباب التأويل في معالم التنزيل في التفسير، مصابيح السنة و الجمع بين الصحيحين وغيره، وفاتش به مرو رود شده است. طبقات الشافعيين، ج ١ ص ٥٤٨. طبقات المفسرين للداودي، ج ١ ص ١٦١.

۲ - الحسين بن مسعود، محيي السنة، أبو محمد البغوي (المتوفى: ٥١٠ هـ)، معالم التنزيل في تفسير القرآن، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، بيروت، الطبعة: الرابعة، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م، ج ١ ص ١٦٨.

۳ - {التوبة، آيه ١١١}.

ابن کثیر<sup>(۱)</sup> رحمه الله در تفسیر این آیه می فرماید: (يُخْبِرُ تَعَالَى أَنَّهُ عَاوَضَ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ عَنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ إِذْ بَدَّلُوا فِي سَبِيلِهِ بِالْجَنَّةِ، وَهَذَا مِنْ فَضْلِهِ وَكَرَمِهِ وَإِحْسَانِهِ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: الله متعال در این آیه خبر داده است، که برای بنده های مؤمنینش بخاطر نفس ها و اموال شان وقت که در راه الله متعال مصرف نمایند، جنت را معاوضه کرده است و این از فضل، بخشش و احسان الله متعال است.

۳- الله متعال ذکر شهداء را همراه پیامبران پیوست نموده است و این نشاندهنده مقام و منزلت شهید نزد الله متعال است و اینکه الله متعال نعمت های خود را به آنها تمام کرده است، طور که فرموده است: ﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز) همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنها تمام کرده، از پیامبران و صدیقان و شهداء و صالحان، و آنها رفیقهای خوبی هستند.

در این آیه الله متعال تصریح نموده است، که برای پیامبران، صدیقان، شهداء و صالحان، نعمت های خود را تمام نموده است و هم ذکر شهداء در پهلوی پیامبران، بیان گر مقام و منزلت شهید است.

همچنان شهید و شهادت از فضایل و مناقب خاص در سنت نبوی برخوردار است، تعداد از احادیث که این فضایل و مناقب را بیان می کنند، قرار ذیل اند:

---

<sup>۱</sup> - ابن کثیر: إسماعيل بن عمر بن كثير بن ضوء بن كثير بن درع، قرشي، أموي، بصروي، شافعي، شيخ عماد الدين، معروف به ابن كثير صاحب تفسير القرآن العظيم وتاريخ البدايه والنهائيه می باشد، در سال ۷۰۱ هـ متولد گردید و در سال ۷۷۴ هـ در دمشق وفات یافت. أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر بن قاضي شهبة، طبقات الشافعية - لابن قاضي شهبة، دار النشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷ هـ، ج ۳ ص ۸۵.

<sup>۲</sup> - إسماعيل بن عمر بن كثير، أبو الفداء القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ۷۷۴ هـ)، تفسير القرآن العظيم، المحقق: سامي بن محمد سلامة، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، بيروت، الطبعة: الثانية ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ م، ج ۴ ص ۲۱۸.

<sup>۳</sup> - {النساء، آیه ۶۹}.



۱- شهید درد و ألم مرگ را جز به اندازه که یکی از شما دیگری را با ناخن بگیرد (بگزد) حس نمی نماید، طور که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: «مَا يَجِدُ الشَّهِيدُ مَسَّ الْقَتْلِ إِلَّا كَمَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ مَسَّ الْقَرْصَةِ».<sup>۱)</sup>

ترجمه: از ابو هریره رضي الله عنه روایت شده که: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: شهید درد مرگ را جز به اندازه که یکی از شما دیگری را با ناخن بگیرد (بگزد) حس نمی نماید. در این حدیث مشخص گردیده است که شخص شهید در وقت کشته شدن، درد و ألم مرگ را جز به اندازه که یکی از شما دیگری را با ناخن بگیرد (بگزد) حس نمی نماید.

۲- شهید بواسطه کرامتی که از شهادت می بیند، آرزو می کند که دنیا بازگشته و ده بار کشته شود، طور که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَنَسٍ، رضي الله عنه، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا أَحَدٌ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يُحِبُّ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الدُّنْيَا وَلَهُ مَا عَلَى الْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا الشَّهِيدُ يَتَمَنَّى أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الدُّنْيَا فَيُقْتَلَ عَشْرَ مَرَّاتٍ لِمَا يَرَى مِنَ الْكِرَامَةِ».<sup>۲)</sup>

ترجمه: از انس رضي الله عنه روایت است که: پیامبر صلي الله عليه وسلم فرمود: هیچکدام از آنانی که به بهشت درآید، دوست ندارد که به دنیا بازگردد هر چند همه آنچه بر زمین است از او باشد، جز شهید، زیرا بواسطه کرامتی که می بیند، آرزو می کند که دنیا بازگشته و ده بار کشته شود.

---

<sup>۱</sup> - محمد بن یزید ابن ماجه - وماجة اسم أبيه يزيد - أبو عبد الله القزويني (المتوفى: ۲۷۳هـ)، سنن ابن ماجه، المحقق: شعيب الأرنؤوط...، الناشر: دار الرسالة العالمية، بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۰ هـ - ۲۰۰۹ م، رقم الحديث ۲۸۰۲. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث حسن و صحیح است. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، صحیح وضعیف سنن النسائي، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، رقم الحديث ۳۱۶۱.

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، رقم الحديث ۲۸۱۷.

ابن بطلال<sup>(۱)</sup> رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (هذا الحديث أجل ما جاء في فضل الشهادة والحض عليها والترغيب فيها، وإنما يتمنى أن يقتل عشر مرات والله أعلم لعلمه بأن ذلك مما يرضى الله ويقرب منه).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: این حدیث از احادیث که در باره فضیلت شهادت، تشویق کردن بر آن و به رغبت در آرویدن آن آمده اند، دقیق تر است و اینکه شهید آرزو می کند تا بدنیا بازگشته و ده بار کشته شود - الله متعال بهتر می داند - از جهت علم شهید بر اینکه شهادت از جمله اموری است، که الله متعال را راضی می سازد و به الله متعال بنده را نزدیک می سازد.

۳- تمام گناهان شهید به جز از قرض بخشیده می شود، طور که در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ «يُعْفَرُ لِلشَّهِيدِ كُلُّ ذَنْبٍ إِلَّا الدَّيْنَ».<sup>(۳)</sup> ترجمه: از عبدالله بن عمرو بن عاص رضي الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: تمام گناهان شهید، جز قرض (او)، بخشیده می شود. امام نووی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (هَذِهِ الْفَضِيلَةُ الْعَظِيمَةُ لِلْمُجَاهِدِ وَهِيَ تَكْفِيرُ خَطَايَاهُ كُلِّهَا إِلَّا الْحَقُوقَ الْأَدْمِيَّةِينَ).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: این فضیلت بزرگ برای مجاهد است و آن عبارت از اینکه تمام گناهانش بخشیده می شود، مگر حقوق انسانها.

۴- جسد شهید را خاک نمی خورد، طور که در حدیث جابر بن عبد الله رضي الله عنهما آمده است: وقت که پدرش را همراه شخص دیگر دفن می کردند و پدرش در غزوه احد شهید شده بود، جابر

۱ - ابن بَطَّال: (۴۴۹ هـ = ۱۰۵۷ م)، علي بن خلف بن عبد الملك بن بطلال، أبو الحسن، یکی از علمای حدیث، شارح بخاری و از اهل قرطبه بود، دارای تالیفات زیاد بود از جمله: شرح صحیح البخاری لابن بطلال وغيره. عبد الحي بن أحمد بن محمد ابن العماد العكري الحنبلي، أبو الفلاح (المتوفى: ۱۰۸۹ هـ)، شذرات الذهب في أخبار من ذهب، حققه: محمود الأرناؤوط، الناشر: دار ابن كثير، دمشق - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م، ج ۳ ص ۲۸۳.

۲ - علي بن خلف بن عبد الملك، ابن بطلال أبو الحسن (المتوفى: ۴۴۹ هـ)، شرح صحیح البخاری لابن بطلال، تحقيق: أبو تميم ياسر بن إبراهيم، دار النشر: مكتبة الرشد - السعودية، الرياض، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۳ م، ج ۵ ص ۳۰.

۳ - مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: ۲۶۱ هـ)، صحيح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، رقم الحديث ۱۸۸۶.

۴ - المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ج ۱۳ ص ۲۹.

رضی الله عنه فرمود: «...ثُمَّ لَمْ تَطِبْ نَفْسِي أَنْ أَتْرُكُهُ مَعَ الْآخِرِ فَاسْتَحْرَجْتُهُ بَعْدَ سِنَّةٍ أَشْهُرٍ فَإِذَا هُوَ كَيَوْمٍ وَضَعْتُهُ هُنَيْئَةً، غَيْرَ أَذْنِهِ»<sup>١)</sup>.

ترجمه: سپس نفس من قرار نگرفت از اینکه پدر خود را همراه شخص دیگر بگذارم، بناءً بعد از شش ماه جسد او را خارج نمودم، پس ناگهان دیدم که جسد او مانند آن روزی است که گذاشته بودم، غیر از اینکه گوشش تغییر یافته بود.

سهیلی رحمه الله بعد از نقل این حدیث، چنین می نویسد: (...وما وجد في صدر هذه الأمة من شهداء أحد، وغيرهم على هذه الصورة لم يتغيروا بعد الدهور الطويلة كحمزة بن عبد المطلب رضي الله عنه...)<sup>٢)</sup>.

ترجمه: و آنچه که در آغاز و صدر این امت از شهداء احد وغيره موجود گردیده است، بر همین صورت بوده اند، اجسادشان بعد از زمان های طولانی تغییر نخورده اند، مثل حمزه رضی الله عنه.

٥- شهید هفتاد تن از اعضاء خانواده اش را شفاعت می کند، در حدیث شریف آمده است: عَنْ الْمُقَدِّمِ بْنِ مَعْدِي كَرِبَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لِلشَّهِيدِ عِنْدَ اللَّهِ سِتُّ خِصَالٍ يُعْفَرُ لَهُ فِي أَوَّلِ دَفْعَةٍ، وَيَرَى مَفْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَيُجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَيَأْمَنُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ، وَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْوَقَارِ، الْيَأْفُوتُهُ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، وَيُرْوَجُ اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ رَوْجَةً مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ، وَيُسْفَعُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَقَارِبِهِ»<sup>٣)</sup>.

ترجمه: از مقدم بن معدی کرب رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: شهید در نزد خداوند از شش (جایزه) ویژگی برخوردار می گردد. در همان اولین وهله (حضور در محضر الهی) گناهانش آمرزیده می شود، جایگاه خود را در بهشت (الهی) به وضوح می بیند، از عذاب قبر رهاشده شده از عذاب «فزع اکبر» (روز قیامت و محشر) نیز نجات می یابد، تاج

١ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ١٣٥١.

٢ - الروض الأنف فی شرح السیرة النبویة، ج ١ ص ٥٢.

٣ - محمد بن عیسی بن سؤره بن موسی بن الضحاک، الترمذی، أبو عیسی (المتوفی: ٢٧٩هـ)، سنن الترمذی، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، الطبعة: الثانية، ١٣٩٥ هـ - ١٩٧٥ م، رقم الحدیث ١٦٦٣. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفی: ١٤٢٠هـ)، صحیح وضعیف سنن الترمذی، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، رقم الحدیث ١٦٦٣.

افتخار بر سر او نهاده می شود که هر یاقوت آن از دنیا و هر آنچه در دنیاست قیمتی تر (و بهتر) است، هفتاد و دو حور بهشتی به عنوان همسر بدو ارزانی می شود، به او اجازه داده می شود تا هفتاد تن از نزدیکان خویش را شفاعت کند.

در این حدیث مشخص گردید که که الله متعال برای شهید ویژگی های می دهد، یکی از آنها برای شهید اجازه داده می شود تا هفتاد تن از نزدیکان خویش را شفاعت کند و این بیان گر جایگاه و مقام شهید است.

خلاصه شهید دارای فضایل و مناقب زیاد است، که تعداد از این فضایل را از نگاه قرآن کریم و احادیث شریف بیان گردید.

## مبحث دوم

### اقسام شهید و شروط آن

در این مبحث مطالب ذیل بحث می گردد:

مطلب اول: اقسام شهید و شهادت

مطلب دوم: شروط شهادت

#### مطلب اول: اقسام شهید

در این مطلب اقسام شهید معرفی می گردد، بنابراین، شهید سه گونه است: اول: شهید دنیا و آخرت. دوم:

شهید دنیا و سوم: شهید آخرت.<sup>(۱)</sup>

تفصیل هر کدام از اینها قرار ذیل است:

#### الف: شهید دنیا و آخرت

شهید دنیا و آخرت عبارت از شخص است که در جنگ با کفار کشته شده است، در حال پیش روی و بدون فرار، تا دین الله متعال بلند گردیده و دین آنانیکه کافر هستند پایان گردد، این جنگ با کفار بدون کدام غرض و هدف دنیوی صورت گرفته باشد.<sup>(۲)</sup>

الله متعال در مورد می فرماید: **{فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا}**.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: آنها که زندگی دنیا را به آخرت فروخته اند باید در راه خدا پیکار کنند، و آن کس که در راه خدا پیکار کند و کشته شود یا پیروز گردد پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

<sup>۱</sup> - عمر بن علی بن احمد، ابن الملقن سراج الدین أبو حفص الشافعی المصري (المتوفی: ۸۰۴هـ)، التوضیح لشرح الجامع الصحیح، المحقق: دار الفلاح للبحث العلمي وتحقیق التراث، الناشر: دار النوادر، دمشق - سوريا، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۹ هـ - ۲۰۰۸ م، ج ۱۷ ص ۴۶۱.

<sup>۲</sup> - زکریا بن محمد بن أحمد بن زکریا الأنصاري، زين الدين أبو يحيى السنيكي المصري الشافعي (المتوفی: ۹۲۶ هـ)، منحة الباري بشرح صحیح البخاري، الناشر: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م، ج ۵ ص ۶۴۴.

<sup>۳</sup> - {النساء، آیه ۷۴}.

امام بیضاوی<sup>۱</sup> رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: (وإنما قال فَيُقْتَلُ أَوْ يَغْلِبُ تنبيهاً على أن المجاهد ينبغي أن يثبت في المعركة حتى يعز نفسه بالشهادة أو الدين، بالظفر والغلبة وأن لا يكون قصده بالذات إلى القتل، بل إلى إعلاء الحق وإعزاز الدين).<sup>۲</sup>

ترجمه: و اینکه الله متعال فرمود: و کشته شود یا پیروز گردد. آگاهی است بر اینکه برای شخص مجاهد مناسب است تا در میدان جنگ ثابت بماند تا نفسش را بوسیله شهادت یا دین را بوسیله پیروزی و غلبه عزت بدهد و اینکه قصد و نیت مجاهد مستقیم کشتن نباشد، بلکه بلند بردن حق و عزت دادن دین باشد.

پس در این آیه مشخص گردید که شهید دنیا و آخرت به شخص گفته می شود که در راه شهادت با نیت درست حرکت کرده باشد و هم در میدان جنگ از خود ثبات و پایداری نشان دهد، یعنی فرار نکند.

همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي مُوسَى قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْقِتَالُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَدَنَا يُفَاتِلُ غَضَبًا وَيُفَاتِلُ حَمِيَّةً فَرَفَعَ إِلَيْهِ رَأْسَهُ. قَالَ وَمَا رَفَعَ إِلَيْهِ رَأْسَهُ إِلَّا أَنَّهُ كَانَ قَائِمًا - فَقَالَ: «مَنْ قَاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».<sup>۳</sup>

ترجمه: از ابو موسی عبد الله بن قیس اشعری رضی الله عنهما روایت است که گفت: از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد مردی پرسش بعمل آمد، که برای اظهار شجاعت و دلیری، یا روی عصیبت قومی و یا بخاطر ریاء می رزمد، که کدام یک از اینها فی سبیل الله به حساب می آید؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: آنکه بخاطر اعلائی کلمة الله بجنگد، آن فی سبیل الله به حساب می آید.

۱ - بیضاوی: (۶۰۰ - ۶۸۵ هـ = ۱۲۸۶ - ۰۰۰ م)، عبد الله بن عمر بن محمد بن علی، شیرازی، أبو سعید، یا أبو الخیر، ناصر الدین بیضاوی، شافعی: قاضی، مفسر و علامه بود، در شهر بیضاوی شیراز متولد گردید و در تبریز وفات یافت، از جمله تالیفات او: أنوار التنزیل وأسرار التأویل، منهاج الوصول إلى علم الأصول، الغایة القصوی فی درایة الفتوی وغیره می باشد. عادل نویهض، معجم المفسرین «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، الناشر: مؤسسة نویهض الثقافية للتألیف والترجمة والنشر، بیروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۸۸ م، ج ۱ ص ۳۱۸ - ۳۱۹. عبد الرحیم بن الحسن بن علی الإنسوی الشافعی، أبو محمد، جمال الدین (المتوفی: ۷۷۲هـ)، طبقات الشافعیة، تحقیق: کمال یوسف الحوت، الناشر: دار الکتب العلمیة، الطبعة: الأولى ۲۰۰۲م، ج ۱ ص ۱۳۶.

۲ - عبد الله بن عمر بن محمد، ناصر الدین أبو سعید الشیرازی البیضاوی (المتوفی: ۶۸۵هـ)، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، المحقق: محمد عبد الرحمن المرعشلی، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت، الطبعة: الأولى - ۱۴۱۸ هـ، ج ۲ ص ۸۴.

۳ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۲۳. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۴۹۵.

در این حدیث مشخص شده است که شهید فی سبیل الله عبارت از شهید است که بخاطر اعلائی کلمه الله بجنگد، از همین جهت ابن علان<sup>۱)</sup> رحمه الله می گوید: (والحاصل أن المثاب من قاتل الكفار إيماناً واحتساباً، لا المقاتل لغرض دنيوي أو عرض دني).<sup>۲)</sup>

ترجمه: حاصل از حدیث: به حق رسیده است شخص که با کفار از جهت ایمان و طلب ثواب می جنگد، نه به غرض دنیوی یا متاع ناچیز.

### ب: شهید دنیا

نوع دوم از انواع شهید، شهید دنیا است، و آن عبارت از شخص است که در جنگ با کفار و در حال که در غنیمت خیانت کرده است، کشته شده است، یا از جهت ریا و یا به غرض از اغراض دنیا جنگنده باشد، طور که بدرالدین عینی<sup>۳)</sup> رحمه الله می فرماید: (وشهيد الدُّنْيَا دون الآخِرَةِ، وَهُوَ من قتل مُدْبِرًا أو غل في العَنِيْمَةِ أو قاتل لغرض دنيوي لا لإعلاء كلمة الله تَعَالَى).<sup>۴)</sup>

ترجمه: شهید دنیا نه آخرت و آن عبارت از شخص که در حال فرار از کفار کشته شده است، یا در غنیمت خیانت کرده است یا بخاطر غرض دنیوی بجنگد، نه بخاطر اعلائی کلمه الله.

۱ - ابن علان: (۹۶۶ - ۱۰۵۷ هـ = ۱۵۸۸ - ۱۶۴۷ م)، محمد علی بن محمد علان بن ابراهیم، بکری، صدیقی، شافعی، یکی از مفسرین مشهور، عالم حدیث و از اهل مکه بود، دارای تالیفات کثیره بود، از جمله: ضیاء السبیل فی التفسیر، دلیل الفالحین لطرق ریاض الصالحین، الفتوحات الربانیة علی الأذکار النوویة و غیره. محمد امین بن فضل الله بن محب الدین بن محمد المحبی الحموی الأصل، الدمشقی (المتوفی: ۱۱۱۱ هـ)، خلاصة الأثر فی أعیان القرن الحادي عشر، الناشر: دار صادر - بیروت، ج ۴ ص ۱۸۴ - ۱۸۵.

۲ - محمد علی بن محمد بن علان بن ابراهیم البکری الصدیقی الشافعی (المتوفی: ۱۰۵۷ هـ)، دلیل الفالحین لطرق ریاض الصالحین، الناشر: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت - لبنان، الطبعة: الرابعة، ۱۴۲۵ هـ - ۲۰۰۴ م، ج ۷ ص ۱۳۸.

۳ - بدر الدین العینی، (۷۶۲ - ۸۵۵ هـ = ۱۳۶۱ - ۱۴۵۱ م)، محمود بن أحمد بن موسی بن أحمد، أبو محمد، بدر الدین العینی الحنفی: مؤرخ، علامة و از کبار محدثین بود، اصلش از حلب بود و در عینتاب تولد گردید، مدتی را در قاهره قاضی بود، و در قاهره وفات نمود، از جمله تالیفات اش: عمدة القاري في شرح البخاري، مغاني الأخيار في رجال معاني الآثار، البنایة في شرح الهدایة، رمز الحقائق شرح الكنز و غیره. عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدین السیوطی (المتوفی: ۹۱۱ هـ)، حسن المحاضرة في تاريخ مصر والقاهرة، المحقق: محمد أبو الفضل ابراهیم، الناشر: دار إحياء الكتب العربية - عيسى البابي الحلبي وشركاه - مصر، الطبعة: الأولى ۱۳۸۷ هـ - ۱۹۶۷ م، ج ۱ ص ۴۷۳.

۴ - محمود بن أحمد بن موسی بن أحمد بن حسین، أبو محمد الغنایي الحنفی بدر الدین العینی (المتوفی: ۸۵۵ هـ)، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۵ ص ۱۷۲.



## ج: شهید آخرت

شهید آخرت عبارت از شخص است که بدون جنگ و بشکل ظلم کشته شده است، همچنان شخص که به درد شکم، یا طاعون، یا غرق شدن در دریا، یا طالب علم وقت که در طلب علم وفات نماید و غیره، طور که کرمانی<sup>(۱)</sup> رحمه الله می نویسد: (وشهید الآخرة فيغسل ويصلى عليه وله الثواب في الآخرة كالمطعون).<sup>(۲)</sup> ترجمه: شهید آخرت را غسل داده شود و نماز بر بالایش خوانده شود و برایش ثواب در آخرت است، مثل شخص که به درد شکم از بین می رود.

در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الشُّهَدَاءُ خَمْسَةٌ الْمَطْعُونُ وَالْمَبْطُونُ وَالْعَرَقُ وَصَاحِبُ الْأَهْدَمِ وَالشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: شهداء پنج گروه هستند: آنکه بطاعون بمیرد و آنکه در بیماری شکم (اسهال) بمیرد و آنکه غرق شود و آنکه زیر ویرانی بمیرد و شهید که در راه خدا (جهاد) بشهادت می رسد.

<sup>۱</sup> - کرمانی: (۷۱۷ - ۷۸۶ هـ = ۱۳۱۷ - ۱۳۸۴ م)، محمد بن یوسف بن علی بن سعید، شمس الدین کرمانی، یکی از علماء حدیث به شمار می رود، اصلش از کرمان و شهرتش در بغداد شده است، مدت ۳۰ سال در بغداد برای نشر علم کار کرد، مدتی هم در مکه اقامت گزید، دارای تایفات است، از جمله: الکواکب الدراری فی شرح صحیح البخاری، ضمان القرآن، شرح لمختصر ابن الحاجب و غیره، بعد از بازگشت از حج در راه بغداد وفات کرد و در بغداد دفن گردید. أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر، أبو الفضل العسقلانی (المتوفی: ۸۵۲ هـ)، الدرر الكامنة فی أعيان المائة الثامنة، الناشر: مجلس دائرة المعارف العثمانية - صیدر اباد/ الهند، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۲ هـ / ۱۹۷۲ م، ج ۶ ص ۶۶ - ۶۷.

<sup>۲</sup> - محمد بن یوسف بن علی بن سعید، شمس الدین کرمانی (المتوفی: ۷۸۶ هـ)، الکواکب الدراری فی شرح صحیح البخاری، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بیروت-لبنان، طبعة ثانية: ۱۴۰۱ هـ - ۱۹۸۱ م، ج ۲۱ ص ۱۸.

<sup>۳</sup> - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۲۸۲۹. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۴۹۷۵.

شاه انورشاه کشمیری<sup>(۱)</sup> رحمه الله در شرح این حدیث می فرماید: (أَنْ كُلَّ مَنْ مَاتَ فِي عِلَّةٍ مُؤَلَّمَةٍ مَتَمَادِيَةٍ، أَوْ مَرَضٍ هَائِلٍ، أَوْ بَلَاءٍ مَفْاجِئٍ فَلَهُ أَجْرُ الشَّهِيدِ. فَمِنْ النُّوعِ الْأَوَّلِ: الْمَبْطُونُ، وَمِنْ النُّوعِ الثَّانِي: الْمَطْعُونُ، وَمِنْ الثَّلَاثِ: الْغَرِيقُ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: هر شخص که به علت درد دوام دار، یا به مرض هولناک و ترساننده و یا به مصیبت و بلائی ناگهانی وفات کند، برایش اجر شهید (در آخرت) است، از جمله نوع اول (به علت درد دوام دار بمیرد) بیماری شکم (اسهال) است. از نوع دوم (به مرض هولناک و ترساننده بمیرد) آنکه بطاعون بمیرد. و از نوع سوم (به مصیبت و بلائی ناگهانی وفات کند) آنکه زیر ویرانی بمیرد.

خلاصه مشخص شد که شهید سه نوع است و بهترین نوع شهادت، شهادت در راه اعلائی دین الله متعال است، که هم قرآن کریم و هم احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم آن را واضح ساخته و بر انجام آن تاکید نموده است. شهید دنیا و آخرت، و شهید دنیا دارای احکام و مسائل خاص اند که با دیگر میت ها تفاوت دارند از قبیل غسل، جنازه، تکفین و غیره اما شهید آخرت در احکام با دیگر میت تفاوت ندارند.

### مطلب دوم: شروط شهادت

مفسرین و محدثین اسلام برای شهید تعداد از شرایط را یاد نموده اند، که این شرایط نظر به اقسام شهدا مختلف می باشند، یکی از این شرایط عام است و شامل تمام اقسام شهداء می گردد و بعضی دیگر شان خاص و مربوط یک قسم از شهداء می گردد، که تفصیل شان قرار ذیل اند:

#### الف: شرط عام برای تمام شهداء (به جزء شهید دنیا)

برای تمام شهداء برابر است شهید دنیا و آخرت باشد، و یا هم شهید آخرت، شرط است که مسلمان باشند، پس کافر نه شهید دنیا است و نه هم شهید آخرت، گرچند در حالت مظلومیت هم کشته شود، زیرا اسلام در

<sup>۱</sup> - شاه انورشاه کشمیری: (۱۲۹۲ - ۱۳۵۳ هـ = ۱۸۷۵ - ۱۹۳۳ م) انور شاه بن معظم شاه، حسینی، حنفی، کشمیری، یکی از محدثین و فقهای مذهب احناف در قرن ۱۴ هجری بحساب می آید، در منطقه بوده از مناطق کشمیر تولد گردید و در شهر دیوبند وفات نمود، مدت ۱۳ سال در دیوبند هندوستان مشغول فتوا و ریاست حدیث بود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله فیض الباری علی صحیح البخاری و غیره. محمود الجیزی و فریق من الباحثین مذکوره أسماؤهم فی خانه المؤلف، معجم البابطين للشعراء العرب المعاصرين، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة، ص ۱۴۰۲ - ۱۴۰۳.

<sup>۲</sup> - محمد انور شاه بن معظم شاه کشمیری الهندی ثم الادیوبندی (المتوفی: ۱۳۵۳ هـ)، فیض الباری علی صحیح البخاری، المحقق: محمد بدر عالم المیرتهی، الناشر: دار الکتب العلمیة بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م، ج ۲ ص ۲۴۸.

قبولیت تمام اعمال و عبادات یک شرط عام است، از همین جهت الله متعال می فرماید: **{لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ}**.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: اگر مشرک شوی تمام اعمالت نابود می شود، و از زیانکاران خواهی بود!

امام طبری رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: (لئن أشركت بالله شيئاً يا محمد، ليبطلنَّ عملك، ولا تنال به ثواباً، ولا تدرک جزاء إلا جزاء من أشرك بالله).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: ای محمد صلی الله علیه وسلم! اگر به الله متعال چیزی را شریک بیآوری، هر آینه عمل تو باطل می گردد و به آن عمل ثواب بدست آورده نمی توانی و هم جزائی را پیدا کرده نمی توانی، مگر جزائی شخص را که به الله متعال شرک آورده است.

همچنان الله متعال می فرماید: **{إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَى بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ}**.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر چه در روی زمین پر از طلا باشد، و آن را به عنوان فدیة (و کفاره اعمال بد خویش) بپردازند، هرگز از هیچ يك آنها قبول نخواهد شد، و برای آنان، مجازات دردناک است، و یاورانی ندارند.

در این آیه هم دیده شد که اگر شخص کافر در حالت کفر تمام روی زمین را که پر از طلا داشته باشد و آن طلا را به عنوان فدیة و کفاره اعمال بد خویش بپردازد، این فدیة او قبول نمی گردد، زیرا کفر مانع قبول آن می گردد، پس کفر شهادت را هم مانع می گردد.

اما در صورت که شخص کافر اسلام را اظهار می کند و کفر را در قلبش مثل منافقین پنهان می دارد، به این شخص احکام شهید دنیا اجرا می گردد، اما در آخرت، الله متعال در موردش می فرماید: **{إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا}**.<sup>(۴)</sup>

۱ - {الزمر، آیه ۶۵}.

۲ - جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۲۱ ص ۳۲۲.

۳ - {آل عمران، آیه ۹۱}.

۴ - {النساء، آیه ۱۴۵}.

ترجمه: منافقان در پائین ترین مرحله دوزخ قرار دارند و هرگز یابوری برای آنها نخواهی یافت.

در این آیه مشخص گردید که شخص منافق در هر حالت که بمیرد، در پائین ترین مرحله دوزخ قرار می گیرد، یعنی از عذاب الهی نجات پیدا نمی کند.

همچنان در حدیث شریف آمده است: «الْقَتْلُ ثَلَاثَةٌ... وَرَجُلٌ مُنَافِقٌ جَاهِدَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ، حَتَّى إِذَا لَقِيَ الْعَدُوَّ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى يُقْتَلَ، فَإِنَّ ذَلِكَ فِي النَّارِ، السَّيْفُ لَا يَمْحُو النِّفَاقَ».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: قتل سه گونه است... و شخص منافق که به همراه نفس و مالش جهاد می کند، تا اینکه وقت با دشمن ملاقات می کند، در راه الله می جنگد تا اینکه کشته می شود، این شخص منافق با آن هم در جهنم است، شمشیر (کنایه از جهاد و کشته شدن در راه الله متعال) نفاق را محو نمی تواند.

البانی<sup>(۲)</sup> رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (والحقیقة أنه إنما یقاتل نفاقاً كما يدل عليه قوله: "إن السيف لا یمحو النفاق"، أي النفاق القلبي الذي هو إظهار الإسلام، وإبطان الكفر، ولذلك كان مثله [في الدرك الأسفل من النار]. أعادنا الله منه).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: حقیقت این موضوع آن است، که شخص منافق بشکل نفاق جنگیده است، طور که این قول پیامبر صلی الله علیه وسلم به آن دلالت می کند: شمشیر (کنایه از جهاد و کشته شدن در راه الله متعال) نفاق را محو نمی تواند. یعنی نفاق قلبی که عبارت از اظهار اسلام و پوشاندن کفر است، از همین جهت مثل آن

۱ - أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد، أبو عبد الله الشيباني (المتوفى: ۲۴۱هـ)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م، رقم الحديث ۱۷۶۵۷. ألباني رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، أبو عبد الرحمن الأشقودري الألباني (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، التعليقات الحسان على صحيح ابن حبان وتمييز سقيمه من صحيحه، وشاذه من محفوظه، الناشر: دار با وزير للنشر والتوزيع، جدة - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م، رقم الحديث ۴۶۴۴.

۲ - ألباني: (۱۳۳۲ هـ - ۱۹۱۴ م، ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ م)، محمد ناصر الدين أبو عبد الرحمن، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، أشقودري، ألباني، أرنؤوطي، یکی از مشهورترین محدثان، فقیه و عالم جرح و تعدیل حدیث در عصر معاصر محسوب می گردد، تولدش در اشقودره آلبانیا شده است، تعلیمات و تحصیلاتش در دمشق سوریه صورت گرفته است و در کشور عمان وفات یافت، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل، سلسلة الأحادیث الصحیحة و غیره. محمد بن عبد الرحمن، أبو سهل المغراوي، موسوعة مواقف السلف فی العقیدة والمنهج والتربیة، الناشر: المكتبة الإسلامية للنشر والتوزيع، القاهرة - مصر، النبلاء للكتاب، مراکش - المغرب، الطبعة: الأولى، ج ۱۰ ص ۳۶۸ - ۳۷۰.

۳ - محمد ناصر الدين الألباني، صحيح الترغيب والترهيب، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م، ج ۲ ص ۱۳۷.

است، که الله متعال فرموده است: منافقان در پائین ترین مرحله دوزخ قرار دارند. از منافق به الله متعال پناه می برم.

خلاصه مشخص گردید که کفر و نفاق مانع قبولیت طاعت و عبادت، از جمله مانع ثواب و ارزش شهادت می گردد، پس برای شخص شهید شرط است که باید شخص مسلمان باشد.

### **ب: شروط خاص برای شهداء (شهید دنیا و آخرت، شهید دنیا)**

مقصود از این شرایط همان شرایط اند که ثواب اخروی بر آنها مرتب می گردد، این شرایط قرار ذیل اند:

۱- اخلاص برای الله متعال: این شرط عام است در تمام عبادات، طور که الله متعال می فرماید: ﴿وَمَا

أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً﴾.<sup>۱)</sup>

ترجمه: در حالی که به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را پرستش کنند با کمال اخلاص. از این آیه دانسته می شود که اخلاص در عبادت شرط است، پس جهاد و شهادت هم یک نوع عبادت اند و باید در آن اخلاص برای الله متعال رعایت گردد.

همچنان در حدیث شریف آمده است: «إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُفْضَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْهِ رَجُلٌ اسْتَشْهَدَ، فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَفَهُ نِعْمَهُ فَعَرَفَهَا، قَالَ: فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا؟ قَالَ: قَاتَلْتُ فِيكَ حَتَّى اسْتَشْهَدْتُ، قَالَ: كَذَبْتَ، وَلَكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِأَنْ يُقَالَ: جَرِيءٌ، فَقَدْ قِيلَ، ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُجِبَ عَلَى وَجْهِهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ».<sup>۲)</sup>

ترجمه: اولین کسی که روز قیامت مورد محاکمه قرار می گیرد، فردی است که شهیده شده و [برای محاکمه] آورده می شود، سپس خداوند نعمت هایش را به او نشان می دهد و او نیز آن ها را می شناسد (به همه ی نعمت ها اعتراف می کند)، سپس خداوند می فرماید: در قبال آن ها چه کردی (عملکرد تو در برابر نعمت هایم چگونه بود)؟ جواب می دهد: در راه تو مبارزه کردم تا به شهادت رسیدم، خداوند می فرماید: دروغ گفتی، تو مبارزه کردی تا گفته شود: فردی شجاع است و [آنچه خواستی] گفته شد، سپس در مورد او دستور صادر می شود و وی بر رویش کشانده می شود تا این که به دوزخ انداخته می شود.

<sup>۱</sup> - {البیتة، آیه ۵}.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۹۰۵.

امام نووی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (دَلِيلٌ عَلَى تَغْلِيظِ تَحْرِيمِ الرِّيَاءِ وَشِدَّةِ عُقُوبَتِهِ وَعَلَى الْحَثِّ عَلَى وُجُوبِ الْإِخْلَاصِ فِي الْأَعْمَالِ... وفيه أن العمومات الْوَارِدَةَ فِي فَضْلِ الْجِهَادِ إِنَّمَا هِيَ لِمَنْ أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى بِذَلِكَ مُخْلِصًا).<sup>۱</sup>

ترجمه: این حدیث دلیل بر سخت و بزرگ بودن حرمت ریا و شدت عذاب آن است و هم دلیل است بر تشویق کردن به وجوب اخلاص در تمام اعمال... و در همین مورد عموم آیات و احادیث که در فضیلت جهاد وارد شده است، این عموم های وارده برای شخص است که الله متعال را در این جهادش با اخلاص اراده نموده است.

آیا اراده نمودن غنیمت با اخلاص منافات دارد؟ طور که واضح گردید شخص مجاهد که در نیت و اراده اش امر غیر مشروع مثل ریا را داشته باشد، این جهاد با این اراده باطل می گردد، ولی اگر شخص مجاهد در جریان جهاد و مبارزه اش همراه رضای الله متعال، غنیمت را اراده کند، این اراده و نیت او با اخلاص منافات ندارد، طور که الله متعال می فرماید: ﴿وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا﴾.<sup>۲</sup>

ترجمه: خداوند غنائم فراوانی به شما وعده داده که آنها را به چنگ می آورید.  
ابن نحاس<sup>۳</sup> رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: (ففي هذه الآية دليل على جواز تشريك إرادة الغنيمة...)<sup>۴</sup>

ترجمه: پس این آیه دلیل است بر جواز اراده غنیمت همراه رضایت الله متعال.

۱ - المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ج ۱۳ ص ۵۱.

۲ - {الفتح، آیه ۲۰}.

۳ - ابن نحاس: أحمد بن إبراهيم بن محمد، أبو زكريا محيي الدين، دمشقي، دمياطي، مشهور به ابن نحاس مجاهد، یکی از مفسرين و فقيه شافعي بود، در شهر دمشق متولد گردید، سپس به دمياط رفت و در آنجا شهيد شد و در همانجا در سال ۸۱۴ هـ بخاک سپرده شد، از جمله تالیفات او: مشارع الأشواق إلي مصارع العشاق ومثير الغرام إلى دار السلام في فضائل الجهاد وتفنيذ حجج القاعدین، تنبيه الغافلین عن أعمال الجاهلین وتحذير السالکین من أفعال الهالکین و غیره. محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن أبي بكر بن عثمان بن محمد، شمس الدين أبو الخير السخاوي (المتوفى: ۹۰۲ هـ)، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، الناشر: منشورات دار مكتبة الحياة - بيروت، ج ۱ ص ۲۰۳.

۴ - أحمد بن إبراهيم بن النحاس الدمشقي دمياطي، مشارع الأشواق إلى مصارع العشاق ومثير الغرام إلى دار السلام، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة، ج ۲ ص ۶۲۶.

همچنان در حدیث کعب بن مالک رضی الله عنه که قصه تخلف خود را از غزوه تبوک و احد می کند، چنین آمده است: «أَنَا خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُرِيدُ عِيرَ قُرَيْشٍ حَتَّى جَمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ عَدُوِّهِمْ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ».<sup>۱)</sup>

ترجمه: در این غزوه (بدر) رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - به قصد کاروان قریش، بیرون رفت تا اینکه خداوند، او و دشمنانش را بدون اینکه با یکدیگر وعده ای کرده باشند، در برابر هم قرار داد.

امام قرطبی رحمه الله پیرامون این حدیث چنین می نویسد: (ودل خروج النبي - صلی الله علیه وسلم - ليتلقى العير على جواز النفير للغنيمة، لأنها كسب حلال).<sup>۲)</sup>

ترجمه: برآمدن پیامبر صلی الله علیه وسلم به قصد کاروان قریش، دلالت بر جواز برآمدن مردم و گروه مسلمانان برای گرفتن غنیمت است، زیرا غنیمت کسب حلال است.

خلاصه: در این نصوص واضح گردید که شریک بودن نیت و اراده غنیمت همراه اخلاص، در شرط بودن اخلاص تاثیر منفی کامل نمی داشته باشد، وقت که هدف اصلی جهاد در راه الله متعال باشد، ولی با آن هم کوشش صورت گیرد، تا نیت و اراده رضای الله متعال باشد، طور که ابن رجب رحمه الله می نویسد: (فإن خالط نية الجهاد مثلاً نية غير الرياء، مثل أخذ أجره للخدمة، أو أخذ شيء من الغنيمة، أو التجارة، نقص بذلك أجر جهادهم، ولم يبطل بالكلية...)<sup>۳)</sup>

ترجمه: پس اگر نیت جهاد مثلاً با نیت غیر از ریا خلط گردید، مثل گرفتن اجرت برای خدمه، یا گرفتن چیزی از غنیمت، یا تجارت، با این کار اجر جهاد شان کم می شود، ولی جهاد شان بشکل کلی باطل نمی گردد.

۲- شرط دوم برای شهید دنیا و آخرت عبارت از صبر و عدم فرار در میدان جنگ است، یعنی برای صحت شهادت در راه الله متعال حبس و ثابت نمودن نفس بر جنگ و عدم فرار، بی صبری و ناخشنود بودن از مرگ است، به همراه نیت ثواب در تمام اینها، نصوص شرعی بر این شرط و منع کردن از ضد آن از قبیل فرار از میدان جنگ زیاد اند، که تعداد از این نصوص قرار ذیل اند:

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۳۹۵۱.

۲ - الجامع لأحكام القرآن، ج ۷ ص ۲۳۹.

۳ - عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، زين الدين، السّلامی، البغدادي، ثمّ الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: ۷۹۵هـ)، جامع العلوم والحكم في شرح خمسين حديثاً من جوامع الكلم، المحقق: شعيب الأرنؤوط - إبراهيم باجس، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: السابعة، ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۱م، ج ۱ ص ۲۸.

اول: الله متعال می فرماید: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ}**.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که با گروهی (در میدان نبرد) روبرو می شوید ثابت قدم باشید و خدا را فراوان یاد کنید تا رستگار شوید.

ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیه چنین می نویسد: (فَأَمَرَ تَعَالَى بِالثَّبَاتِ عِنْدَ قِتَالِ الْأَعْدَاءِ وَالصَّبْرِ عَلَى مُبَارَزَتِهِمْ، فَلَا يَفِرُّوا وَلَا يَنْكَلُوا وَلَا يَجْبُنُوا...).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: الله متعال به ثابت ماندن در وقت جنگیدن با دشمنان و صبر بر مبارزه شان امر نموده است، بنابراین، نباید فرار کنند، یا خود داری نمایند و یا بزدل شوند.

دوم: همچنان الله متعال از بی صبری و فرار از میدان جنگ منع نموده است، طور که فرموده است: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمْ الْأَدْبَارَ وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ}**.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد روبرو شوید به آنها پشت نکنید. و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند- مگر در صورتی که هدفش کناره گیری از میدان برای حمله مجدد و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد- (چنین کسی) گرفتار غضب پروردگار خواهد شد و ماوای او جهنم و چه بد جایگاهی است.

سعدی<sup>(۴)</sup> رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: (يَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ بِالشَّجَاعَةِ الْإِيمَانِيَّةِ، وَالقُوَّةِ فِي أَمْرِهِ، وَالسَّعْيِ فِي جَلْبِ الْأَسْبَابِ الْمُقْوِيَةِ لِلْقُلُوبِ وَالْأَبْدَانِ، وَنَهَاهُمْ عَنِ الْفِرَارِ إِذَا التَّقَى الزَّحْفَانَ... بَلِ اثْبَتُوا لِقِتَالِهِمْ، وَاصْبِرُوا عَلَى جَلَادِهِمْ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ نَصْرَةَ لِدِينِ اللَّهِ، وَقُوَّةَ لِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْهَابًا لِلْكَافِرِينَ).<sup>(۵)</sup>

۱ - {الأنفال، آیه ۴۵}.

۲ - تفسیر القرآن العظيم، ج ۴ ص ۷۲.

۳ - {الأنفال، آیات ۱۵ - ۱۶}.

۴ - سعدی: (۱۳۰۷ - ۱۳۷۶ هـ = ۱۸۹۰ - ۱۹۵۶ م)، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله، سعدی، تمیمی، مفسر، از علمای حنابله و از اهل نجد بود، تولد و وفات او در عنیزه (قصیم) صورت گرفته است، دارای تالیفات زیاد بود، از جمله این تالیفات: تفسیر تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، تیسیر اللطیف المنان فی خلاصة مقاصد القرآن، القواعد الحسان فی تفسیر القرآن وغیره می باشد. عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبد الغنی کحالة دمشق (المتوفی: ۱۴۰۸ هـ)، معجم المؤلفین، الناشر: مكتبة المثنی - بیروت، دار إحياء التراث العربي بیروت، ج ۱۳ ص ۳۹۶.

۵ - عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدی (المتوفی: ۱۳۷۶ هـ)، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، المحقق: عبد الرحمن بن معلا اللویح، الناشر: مؤسسة الرسالة، بیروت، الطبعة: الأولى ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م، ج ۱ ص ۳۱۷.



ترجمه: الله متعال بندگان مؤمنش را به داشتن شجاعت و جسارت ایمانی و قوت در برپا داشتن فرمان او، تلاش برای جلب اسباب تقویت دلها و بدن ها فرمان داده است، و آنان را از فرار کردن به هنگام رویارویی با دشمن نهی کرده، بلکه در پیکار با آنها ثابت قدم باشید، و در برابر سختی های این کار شکیبایی ورزید، زیرا این امر باعث نصرت و پیروزی در دین خدا و قوت قلبی مومنان و ترس و وحشت کافران می شود.

سوم: همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُؤْبَقَاتِ» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا هُنَّ قَالَ: «الشِّرْكُ بِاللَّهِ وَالسِّحْرُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَكْلُ الرِّبَا وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَالتَّوَلَّى يَوْمَ الرَّحْفِ وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْعَافِيَاتِ» (۱)

ترجمه: از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت است که نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: از هفت گناه ناپود کننده اجتناب کنید. گفتند: ای رسول خدا! آن ها کدامند؟ فرمود: شریک به خدا، سحر، کشتن انسان بی گناه، خوردن ربا، خوردن مال یتیم، فرار از جهاد و تهمت زنا به زنان پاکدامن و بی خبر از فساد.

در این حدیث مشخص گردیده است که یکی از گناه ناپود کننده، فرار از میدان جهاد است و این دلالت بر بزرگ بودن گناه این کار است.

چهارم: به همین شکل در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي قَتَادَةَ، أَنَّهُ سَمِعَهُ، يُحَدِّثُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَنَّهُ قَامَ فِيهِمْ فَذَكَرَ لَهُمْ أَنَّ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَالْإِيمَانَ بِاللَّهِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ، فَقَامَ رَجُلٌ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْتَ إِنْ قُتِلْتُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، تُكْفَرُ عَنِّي خَطَايَايَ؟ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «نَعَمْ، إِنْ قُتِلْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَأَنْتَ صَابِرٌ مُحْتَسِبٌ، مُقْبِلٌ غَيْرٌ مُدْبِرٍ» (۲)

ترجمه: از ابو قتاده حارث بن ربیع رضي الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان ایشان ایستاده و بر ایشان بیان نمود که جهاد در راه خدا و ایمان به خدا برترین اعمال است. سپس مردی برخاسته و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم آگاهم کن که هرگاه در راه خدا کشته شوم، آیا گناهانم بخشیده می شود؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم برایش فرمود: بلی اگر

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۲۷۶۶.

۲ - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۸۸۵.

در راه خدا کشته شوي در حالیکه صبر نموده و از خدا مردي طلبي و با دشمن روبرو شده به وي پشت ندهي.

در این حدیث هم مشخص گردیده است که گناهان شهید وقت بخشیده می شود که در میدان جنگ با کفار از خود صبر نشان داده و با دشمن رو برو شده به وی پشت ندهد.

خلاصه: از شرایط اساسی برای شهید دنیا و آخرت همانا اخلاص، صبر و عدم فرار از دشمن در میدان جنگ است، که بشکل خلاصه تذکر رفتند.

## فصل دوم

اسباب، آرزو و موانع قبولیت شهادت

در این فصل مباحث ذیل بحث می گردد:

مبحث اول: اسباب شهادت

مبحث دوم: آرزوی شهادت و موانع قبولیت شهادت

## مبحث اول

### اسباب شهادت

در این مبحث مطالب ذیل بحث می گردد:

مطلب اول: سبب بزرگ شهادت

مطلب دوم: شهادت بسبب مرض طاعون

مطلب سوم: شهادت بسبب درد شکم.

مطلب چهارم: شهادت بسبب غرق شدن در دریا

مطلب پنجم: شهادت بسبب زیر دیوار شدن

مطلب ششم: شهادت بسبب ذات الجنب

مطلب هفتم: شهادت بسبب سوختن در آتش

مطلب هشتم: شهادت زن بسبب زایمان و نفاس

مطلب نهم: شهادت بسبب مرگ در راه الله

مطلب دهم: شهادت بسبب دفاع از دین، نفس، اهل و مال

مطلب یازدهم: شهادت بسبب مرض سل

مطلب دوازدهم: شهادت بسبب افتیدن از کوه و خوردن حیوانات درنده

## مطلب اول سبب بزرگ شهادت

در قرآن کریم تنها از شهادت در راه الله متعال بحث شده است، ولی در احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم نصوص زیاد در باره اسباب شهادت آمده است، از جمله اینکه شهادت بسبب مرض طاعون، شهادت بسبب درد شکم و غیره و این از فضل و رحمت الله متعال بر این امت است، از همین جهت ابن حجر<sup>(۱)</sup> رحمه الله بعد از ذکر تعداد از اسباب شهادت، می فرماید: (هَذِهِ كُلُّهَا مِيتَاتٌ فِيهَا شِدَّةٌ تَفَضَّلَ اللَّهُ عَلَى أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِأَنْ جَعَلَهَا تَمَحِيصًا لِذُنُوبِهِمْ وَزِيَادَةً فِي أَجْرِهِمْ يُبَلِّغُهُمْ بِهَا مَرَاتِبَ الشُّهَدَاءِ...)<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: تمام این ها مرده های اند، که در مرگ شان شدت و سختی بوده است، الله متعال آنها را بالای امت محمد صلی الله علیه وسلم فضیلت داده است، بشکل که مرگ آنها سبب پاک گردیدن گناهان شان و زیاد گردیدن پاداش شان و میرساند آنها را به درجه شهداء.

بنابراین، در این مطلب اولین و بزرگترین سبب شهادت را تذکر می دهم که شهادت در راه الله متعال است، طور که الله متعال می فرماید: {إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ}.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: خداوند از مومنان جانها و اموالشان را خریداری می کند که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد (به این گونه که) در راه خدا بیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند، این وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده، و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است، اکنون بشارت باد بر شما به معامله که با خدا کرده اید و این پیروزی بزرگی (برای شما) است.

<sup>۱</sup> - ابن حجر عسقلانی، (۷۷۳ - ۸۵۲ هـ = ۱۳۷۲ - ۱۴۴۹ م)، أحمد بن علي بن محمد، كناني، عسقلاني، أبو الفضل، شهاب الدين، مشهور به ابن حجر، یکی از علماء فقه، حدیث، جرح و تعدیل، تاریخ و اصول بود، در عسقلان فلسطین تولد گردیده است، پرورش و وفاتش در قاهره شده است، تألیفات زیادی از خود بجا گذاشته است، از جمله: الدرر الكامنة في أعيان المئة الثامنة، لسان الميزان، الإحكام لبيان ما في القرآن من الأحكام، بلوغ المرام من أدلة الأحكام، فتح الباری شرح صحیح البخاری و غیره. محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني (المتوفى: ۱۲۵۰ هـ)، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ج ۱ ص ۸۷. آداب اللغة، ص ۱۶۵. أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ۸۵۲، لسان الميزان، المحقق: دائرة المعارف النظامية - الهند، الناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۰ هـ/ ۱۹۷۱ م، ص ۶-۷.

<sup>۲</sup> - أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، فتح الباري شرح صحیح البخاري، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ۱۳۷۹، ج ۶ ص ۴۴.

<sup>۳</sup> - التوبة، آیه ۱۱۱.

این آیه کریمه زیباترین تصویر از معامله به همراه الله متعال را برملا و تبارز داده است و آن اینکه شخص مجاهد نفس و مال خود را بخاطر تقرب بسوی الله متعال پیش رویش می گذارد و در این کار هراس، بخل و بزدلی نمی کند، پس الله متعال هم بهترین و بزرگترین جزا و پاداش برایش می دهد، پس این یک معامله مملو از فایده برای شهید است که به همراه الله متعال انجام داده است و این شهادت کبری است، پس شهادت کبری عبارت از شهادت است که شخص در جنگ با کفار کشته شده است، در حال پیش روی و بدون فرار، تا دین الله متعال بلند گردیده و دین آنانیکه کافر هستند پایان گردد، این جنگ با کفار بدون کدام غرض و هدف دنیوی صورت گرفته باشد.<sup>(۱)</sup>

پس این شهادت از بزرگترین و بهترین شهادت نامیده شده است و بر این شهادت صلحاء امت تشویق و ترغیب نموده اند، طور که ابویعلی<sup>(۲)</sup> رحمه الله در مسندش به روایت از انس بن مالک رضی الله عنه چنین آورده است: عَنْ أَنَسٍ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ فِي عُمَرَةَ الْقَضَاءِ وَابْنُ رَوَاحَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُوَ يَقُولُ: «خَلُّوا بَنِي الْكُفَّارِ عَنْ سَبِيلِهِ ... قَدْ أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ فِي تَنْزِيلِهِ... بِأَنَّ خَيْرَ الْقَتْلِ فِي سَبِيلِهِ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: از انس رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم در عمره قضاء داخل گردید و عبدالله بن رواحه رضی الله عنه پیش رویش قرار داشت و چنین می گفت: دور کنید و بیرون کنید اولاد کفار را از راه رسول الله صلی الله علیه وسلم... یقینن الله متعال نازل کرده در قرآن کریم... که بهترین مرگ (کشته شدن) در راه الله متعال است.

در این حدیث مشخص شده است، که عبدالله بن رواحه رضی الله عنه در حضور پیامبر صلی الله علیه وسلم بهترین کشته شدن، کشته شدن در راه الله متعال را خوانده است، پس این دلالت

۱ - منحة الباري بشرح صحيح البخاري، ج ۵ ص ۶۴۴.

۲ - أبو يعلى، (۲۱۱ - ۳۰۷ هـ، ۸۲۶ - ۹۲۰ م)، أحمد بن علي بن مثنى بن يحيى بن عيسى بن هلال، تميمي، موصلي، ابويعلی، امام، حافظ، محدث، شيخ الاسلام در زمانش بود. تولد و وفاتش در موصل شده است، دارای تالیفات کثیره است از جمله: مسند أبي يعلى، المعجم في الحديث وغيره. مصطفى بن عبد الله القسطنطيني العثماني المعروف بـ «كاتب جلبي» وبـ «حاجي خليفة» (المتوفى ۱۰۶۷ هـ)، سلم الوصول إلى طبقات الفحول، المحقق: محمود عبد القادر الأرنؤوط، الناشر: مكتبة إرسیکا، إستانبول - تركيا، ۲۰۱۰ م، ج ۱ ص ۱۷۹ - ۱۸۰. نايف بن صلاح بن علي، أبو الطيب المنصوري، إرشاد القاضي والداني إلى تراجم شيوخ الطبراني، الناشر: دار الكيان - الرياض، مكتبة ابن تيمية - الإمارات، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.

۳ - أحمد بن علي بن مثنى بن يحيى بن عيسى بن هلال التميمي، أبو يعلى الموصلي (المتوفى: ۳۰۷ هـ)، مسند أبي يعلى، المحقق: حسين سليم أسد، الناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، رقم الحديث ۳۵۷۱. هيثمي رحمه الله می گوید: رجال این حدیث صحیح است. نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان، أبو الحسن الهيتمي (المتوفى: ۸۰۷ هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، المحقق: حسام الدين القدسي، الناشر: مكتبة القدسي، القاهرة، عام النشر: ۱۴۱۴ هـ، ۱۹۹۴ م، ج ۸ ص ۱۳۰ رقم الحديث ۱۳۳۵۳.

بر بزرگ بودن این شهادت می نماید.

همچنان برای مرگ در راه الله متعال صحابه کرام با پیامبر صلی الله علیه وسلم بیعت نمودند، طور که در حدیث شریف آمده است: عَنْ يَزِيدَ بْنِ أَبِي عُبَيْدٍ، قَالَ: قُلْتُ لِسَلْمَةَ بِنِ الْأَكْوَعِ عَلَىٰ أَيِّ شَيْءٍ بَايَعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ الْحُدَيْبِيَّةِ قَالَ: عَلَى الْمَوْتِ.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از یزید بن ابی عبید رحمه الله روایت است، که فرمود: برای سلمه بن اکوع رضی الله عنه گفتیم: بر چه چیز با رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز حدیبیه، شما (صحابه) بیعت کردیند، در پاسخ فرمود: بر مرگ.

در این حدیث دیده شد که در صلح حدیبیه صحابه کرام رضوان الله علیهم با رسول الله صلی الله علیه وسلم بیعت بر این نمودند که فرار نمی کنیم، بلکه می جنگیم تا کشته شویم، طور که بدرالدین عینی<sup>(۲)</sup> رحمه الله در شرح این جمله از حدیث «عَلَى الْمَوْتِ» می نویسد: (على الموت یعنی: لا نفر وإن قتلنا).<sup>(۳)</sup> ترجمه: بر مرگ، یعنی فرار نمی کنیم، گرچند کشته شویم. این دلالت بر عظمت و بزرگی شهادت و مرگ در راه الله متعال می کند.

همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حُبَيْشٍ الْخَنَعَمِيِّ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُئِلَ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «إِيمَانٌ لَا شَكَّ فِيهِ، وَجِهَادٌ لَا غُلُولَ فِيهِ، وَحَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ»... قِيلَ: فَأَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «مَنْ جَاهَدَ الْمُشْرِكِينَ بِمَالِهِ، وَنَفْسِهِ» قِيلَ: فَأَيُّ الْقَتْلِ أَشْرَفُ؟ قَالَ: «مَنْ أَهْرَيْقَ دَمَهُ، وَعَقَرَ جَوَادُهُ».<sup>(۴)</sup>

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۴۱۶۹.

۲ - بدر الدین العینی، (۷۶۲ - ۸۵۵ هـ = ۱۳۶۱ - ۱۴۵۱ م)، محمود بن أحمد بن موسی بن أحمد، أبو محمد، بدر الدین العینی الحنفی: مؤرخ، علامة و از کبار محدثین بود، اصلش از حلب بود و در عینتاب تولد گردید، مدتی را در قاهره قاضی بود، و در قاهره وفات نمود، از جمله تألیفات اش: عمدة القاری فی شرح البخاری، مغانی الأخبار فی رجال معانی الآثار، العلم الهیب فی شرح الکلم الطیب لابن تیمیة، عقد الجمال فی تاریخ أهل الزمان، تاریخ البدر فی أوصاف أهل العصر، مبانی الأخبار فی شرح معانی الآثار، نخب الأفكار فی تنقیح مبانی الأخبار، البنایة فی شرح الهدایة، رمز الحقائق شرح الكنز و غیره. عبد الرحمن بن أبی بکر، جلال الدین السیوطی (المتوفی: ۹۱۱ هـ)، حسن المحاضرة فی تاریخ مصر والقاهرة، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهیم، الناشر: دار إحياء الكتب العربية - عیسی البابی الحلبي وشركاه - مصر، الطبعة: الأولى ۱۳۸۷ هـ - ۱۹۶۷ م، ج ۱ ص ۴۷۳.

۳ - محمود بن أحمد بن موسی بن أحمد بن حسین، أبو محمد الغیثابی الحنفی بدر الدین العینی (المتوفی: ۸۵۵ هـ)، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت، ج ۲۴ ص ۲۷۲.

۴ - سلیمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشیر بن شداد بن عمرو، أبو داود الأزدي السجستانی (المتوفی: ۲۷۵ هـ)، سنن أبی داود، المحقق: شعيب الأرنؤوط - محمّد کامل قره بللي، الناشر: دار الرسالة العالمية، بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۰ هـ - ۲۰۰۹ م، رقم الحدیث ۱۴۴۹. آلبانی رحمه الله می گوید:

این حدیث صحیح است. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفی: ۱۴۲۰ هـ)، صحیح وضعیف سنن أبی داود، برنامج منظومة التحقیقات الحدیثیة - المجانی - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، رقم الحدیث ۱۴۴۹.

ترجمه: از عبدالله بن حبشي خثعمي روايت است که از پیامبر صلی الله عليه وآله وسلم سوال شد: چه عملي ثوابش بیش از ديگر اعمال است؟ فرمود: ايمان که شک و تردید در آن نباشد، جهاد که در آن خیانت نباشد و حج آمرزیده شده. گفته شد: کدام جهاد بهتر است؟ پیامبر صلی الله عليه وسلم فرمود: کسی که با جان و مال با مشرکان جهاد کند، گفته شد: کدام شهادت شریفتر است؟ پیامبر صلی الله عليه وسلم فرمود: کسی که خونس ریخته شود و دست و پای اسبش قطع گردد (يعني در جهاد).

ملا علی القاری<sup>(۱)</sup> رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (إِنَّمَا كَانَ لَاهْتِمَامَ هَذِهِ الْخَصَلَةِ، لِأَنَّ مَعْنَى الشَّرَفِ هُوَ الْقَدْرُ وَالْقِيَمَةُ وَالرِّفْعَةُ، وَذَلِكَ أَنَّ مَنْزِلَةَ دَرَجَةِ الشَّهِيدِ الَّذِي نَالَ مِنْ دَرَجَاتِ الشَّهَادَةِ أَفْصَاهَا وَغَايَتَهَا هُوَ الْفِرْدَوْسُ الْأَعْلَى، وَهَذَا الشَّهِيدُ هُوَ الَّذِي بَدَلَ نَفْسَهُ وَمَالَهُ وَجَوَادَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: اینکه بهترین مرگ، مرگ کسی است که خونس ریخته شود و دست و پای اسبش قطع گردد، از جهت اهتمام و مهم بودن این خصلت است، زیرا معنای شرف عبارت از قدر، قیمت و منزلت است و این بدین معنا است که انتها و آخرین منزلت و مقام درجه شهید که از درجات شهادت بدان نایل می گردد، عبارت از جنت الفردوس اعلی است و این شهید عبارت از شخص است که نفس، مال و اسب خود را در راه الله متعال مصرف نموده است (بنابراین، این مقام نصیب او می گردد).

پس معلوم گردید که شهادت درجات دارد و اعلی ترین درجه آن، شهادت با این صفات است، که تذکر رفت.

خلاصه: با استفاده از آیات و احادیث معلوم گردید که شهادت کبری، یعنی اعلی ترین و بزرگ ترین شهادت، شهادت در راه الله متعال است، که شخص شهید به سبب اعلای کلمه الله و نابودی کفر با جان و مالش در این راه حرکت می کند و جان و مالش را در این راه به مصرف می رساند.

<sup>۱</sup> - ملا علی القاری: علی بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدین الملا الهروی القاری (المتوفی: ۱۰۱۴هـ)، یکی از محدثین و علماء قرن یازدهم هجری بود، در هرات متولد گردید، سپس به مکه هجرت نمود و نزد ابن حجر مکی که یکی از فقهای حنفی بود درس آموخت، سپس به تالیفات مشغول گردید، از جمله تالیفات او المرقاة فی شرح المشکاة، شرح الشفا للقاضي عیاض، الحزب الأعظم فی الأدعیة، الناموس فی مختصر القاموس وغیره بود. أبو الطیب محمد صدیق خان بن حسن بن علی ابن لطف الله الحسینی البخاری القنوجی (المتوفی: ۱۳۰۷هـ)، التاج المکمل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، قطر، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۸هـ - ۲۰۰۷م، ص ۳۹۰.

<sup>۲</sup> - علی بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدین الملا الهروی القاری (المتوفی: ۱۰۱۴هـ)، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، الناشر: دار الفکر، بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۲م، ج ۶ ص ۲۴۸۲.



## مطلب دوم: شهادت بسبب مرض طاعون

یکی دیگر از اسباب شهادت، شهادت به سبب مرض طاعون است، اینکه طاعون چیست؟ و بکدام دلیل طاعون یک سبب از اسباب شهادت است؟ قرار ذیل بحث می گردد:

### الف: تعریف طاعون

طاعون در لغت به معنای مرض عام و ساری است، طور که ابن منظور رحمه الله می فرماید: (الطَّاعُونُ لُغَةً: الْمَرَضُ الْعَامُّ وَالْوَبَاءُ الَّذِي يَفْسُدُ لَهُ الْهَوَاءُ فَتَفْسُدُ لَهُ الْأَمْزِجَةُ وَالْأَبْدَانُ).<sup>۱</sup>

ترجمه: طاعون در لغت مرض عام و همه گیر است که بوسیله اش هوا فاسد می شود، با فاسد شدن هوا، طبیعت ها و بدن ها فاسد و بیمار می گردد.

و در کتاب «الْمُعْجَمُ الْوَسِيطُ» آمده است: (الطَّاعُونُ دَاءٌ وَرَمِيٌّ وَبَائِيٌّ سَبَبُهُ مَكْرُوبٌ يُصِيبُ الْفِرَانَ، وَتَنْقُلُهُ الْبَرَاعِيَةُ إِلَى فِرَانٍ أُخْرَى وَإِلَى الْإِنْسَانِ).<sup>۲</sup>

ترجمه: طاعون درد و تیر همه گیر است، سبب آن مکروب است، که به موش ها می رسد و این مکروب را حشره ها (کیک ها) از موش ها به موش های دیگر و به انسان انتقال می دهند.

طاعون در اصطلاح: بدرالدین عینی و نووی رحمهما الله طاعون را در اصطلاح چنین تعریف نموده اند: (الطَّاعُونُ قُرُوحٌ تَخْرُجُ فِي الْجَسَدِ فَتَكُونُ فِي الْأَبْاطِ أَوْ الْمَرَافِقِ أَوْ الْأَيْدِي أَوْ الْأَصَابِعِ وَسَائِرِ الْبَدَنِ، وَيَكُونُ مَعَهُ وَرَمٌ وَأَلْمٌ شَدِيدٌ، وَتَخْرُجُ تِلْكَ الْقُرُوحُ مَعَ لَهْيَبٍ وَيَسْوَدُ مَا حَوْلَيْهِ أَوْ يَخْضُرُ أَوْ يَحْمَرُّ حُمْرَةً بِنَفْسَجِيَّةٍ كَثِيرَةٍ وَيَحْصُلُ مَعَهُ حَقَقَانُ الْقَلْبِ وَالْقَيْءُ).<sup>۳</sup>

ترجمه: طاعون عبارت از آبله های اند که در بدن بیرون می شوند، پس این آبله ها در زیرهای بغل، یا آرنجها، یا دستها، یا انگشتان و سایر بدن می باشند و همراه شان آماس گرفتگی و درد شدید است و این

۱ - لسان العرب، ج ۴ ص ۲۶۷۷.

۲ - مجمع اللغة العربية بالقاهرة (إبراهيم مصطفى / أحمد الزيات / حامد عبد القادر / محمد النجار)، المعجم الوسيط، الناشر: دار الدعوة، القاهرة، ج ۲ ص ۵۰۸.

۳ - عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج ۲۱ ص ۲۵۶. المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ج ۱۴ ص ۲۰۴.

آبله ها همراه سوزش خارج می گردند و اطراف شان را سیاه، یا سبز، یا سرخ بنفشه تیره می گردانند و همراه مرض طاعون تپش قلب و قی حاصل می گردد.

در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - أَنَّهَا قَالَتْ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الطَّعْنُ قَدَعَرَفْنَاهُ فَمَا الطَّاعُونُ؟ قَالَ: «عُدَّةٌ كَعُدَّةِ الْبَعِيرِ، الْمُقِيمُ بِهَا كَالشَّهِيدِ، وَالْفَارُّ مِنْهَا كَالْفَارِّ مِنَ الزَّخْفِ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: از عایشه رضی الله عنها روایت است، که برای پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: طعن (زخم نیزه) را ما شناختیم، پس طاعون چیست؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: دانه یا پاره گوشتی سخت که میان پوست و گوشت بدن انسان پدید آید و باعث بیماری شود مثل بیماری طاعون که در شتران پدید آید، شخص مقیم در آن سرزمین که این مرض آمده است مثل شهید است (اجرش مثل اجر شهید است) و فرار کننده از این مرض، مثل فرار کننده از میدان جنگ است.

در این حدیث طاعون تعریف شده است و آن اینکه دانه یا پاره گوشتی سخت که میان پوست و گوشت بدن انسان پدید آید و باعث بیماری شود مثل بیماری طاعون که در شتران پدید آید، شخص که از مسلمانان در این مرض از بین برود، شهید است.

### **ب: حکم منع دخول و خروج از شهر که این مرض در آنجا پدید آمده است**

در شهر که مرض طاعون پدید آمده است، باشندگان آن نباید از آن شهر بیرون و خارج شوند و در صورت که بیرون از شهر هستند، نباید داخل آن شهر شوند، طور که در حدیث شریف آمده است: «إِذَا سَمِعْتُمْ بِأَرْضٍ فَلَا تَقْدُمُوا عَلَيْهَا، وَإِذَا وَقَعَ بِأَرْضٍ وَأَنْتُمْ بِهَا فَلَا تَخْرُجُوا فِرَارًا مِنْهَا»<sup>۲</sup>.

ترجمه: هرگاه، شنیدید که در سرزمینی، طاعون وجود دارد، بدانجا نروید و اگر در سرزمینی که شما در آنجا بسر می برید، طاعون، شیوع پیدا کرد، از ترس آن، فرار نکنید.

<sup>۱</sup> - مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۲۰۱۱۸. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفى : ۱۴۲۰هـ)، إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل، الناشر: المکتب الإسلامی - بیروت، الطبعة: الثانية ۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۵ م، رقم الحدیث ۱۶۳۸.

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۶۹۷۳.

صنعانی رحمہ اللہ در شرح این حدیث می نویسد: (و هذا نهی یقتضی تحریم الخروج... قيل: والحكمة في ذلك أنه لو خرج الأصحاء ضاعت المرضى عن يقوم بها ويغسل جنائزها ويصلي عليها، وإذا وقع بأرض ولستم بها فلا تهبطوا عليها وذلك للتوقی من المرض والبعد عن المضر).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: این نهی تقاضای حرمت بیرون شدن را می کند، گفته شده است: حکمت در منع از خروج، اینست که اگر اشخاص صحت مند از شهر طاعون خارج شوند، مرض طاعون را از اینکه در آن شهر مقیم بودند، جنازه های مریضان طاعون را غسل دادند و بر بالای شان نماز جنازه خواندند، گسترش می دهند (از اینکه مشغول تداوی، غسل و تدفین مریضان طاعون بودند، گرچند فعلاً صحت دارند، ولی ممکن این مرض را داشته باشند که با خروج شان این مرض را به دیگر مناطق انتقال می دهند)، در صورتی که در سرزمین این مرض پدید آمد و شما در آن سرزمین نبودید، در آن سرزمین داخل نشویند و این بخاطر نگاه کردن از مرض و دوری از ضرر آن است.

خلاصه مشخص گردید که طاعون یک مرض ساری است، بنابراین، در سرزمین که این مرض صورت می گیرد، اشخاص آن سرزمین نباید از آن سرزمین بیرون شوند، زیرا این کار سبب جلوگیری از گسترش آن مرض می گردد و در صورتی که شخص بیرون از آن شهر است، نباید وارد آن شهر گردد، زیرا این کار سبب عدم مصاب شدن وی به مرض طاعون می گردد.

### ج: مرگ بسبب طاعون شهادت است

شخصی که بسبب مرض طاعون وفات می نماید، شهید است و برایش اجر شهادت داده می شود، طور که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الطَّاعُونَ شَهَادَةٌ لِكُلِّ مُسْلِمٍ».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: انس بن مالک رضی اللہ عنہ روایت می کند که نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: هر مسلمانی که در اثر بیماری طاعون بمیرد، شهید است.

<sup>۱</sup> - محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد الحسني، الكلاني ثم الصنعاني، أبو إبراهيم، عز الدين، المعروف كأسلافه بالأمير (المتوفى: ۱۱۸۲هـ)، التَّنْوِيزُ شَرْحُ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ، المحقق: محمد إسحاق محمد إبراهيم، الناشر: مكتبة دار السلام، الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۲ هـ - ۲۰۱۱ م، ج ۷ ص ۱۷۳.

<sup>۲</sup> - صحيح البخاري، رقم الحديث ۲۸۳۰. صحيح مسلم، رقم الحديث ۱۹۱۶.

در این بوضوح معلوم گردیده است که مرگ بوسیله طاعون، برای شخص مسلمان شهادت است.

همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَائِشَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَتْ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، عَنِ الطَّاعُونِ فَأَخْبَرَنِي «أَنَّهُ عَذَابٌ يَبْعَثُهُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ، وَأَنَّ اللَّهَ جَعَلَهُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ يَقَعُ الطَّاعُونُ فَيَمُوتُ فِي بَلَدِهِ صَابِرًا مُحْتَسِبًا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يُصِيبُهُ إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ إِلَّا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ شَهِيدٍ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: عایشه رضی الله عنها؛ همسر گرامی نبی اکرم صلی الله علیه وسلم می گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره طاعون پرسیدم. فرمود: همانا طاعون، عذابی است که خداوند بر هر کس که بخواهد، می فرستد و باید دانست که خداوند آنرا برای مؤمنین، رحمت قرار داده است، بنابراین، هنگام شیوع طاعون، هر کس که با شکیبایی و نیت ثواب و این اعتقاد که هیچ ضرری بدون تقدیر خداوند به او نمی رسد، در شهر خود بماند، اجری همانند اجر شهید، به او عنایت می شود.

وجه استدلال از حدیث: از سیاق این حدیث معلوم می گردد، که حصول اجر شهید برای شخص که بسبب مرض طاعون وفات نموده است، مقید به چند چیز است:

- ۱- اینکه شخص مصاب به این مرض، صبر را بدون ناراحتی، پریشانی و بی آرامی پیشه خود نماید.
- ۲- به شخص که این مرض پدید آمده است، باید در آنجا بماند و نباید از آن سرزمین فرار نماید.
- ۳- این اعتقاد را داشته باشد که هیچ ضرری بدون تقدیر خداوند متعال به او نمی رسد.

از همین جهت ابن حجر رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (قَلَّوْ مَكَثٌ وَهُوَ قَلْبٌ أَوْ نَادِمٌ عَلَى عَدَمِ الْخُرُوجِ ظَانًّا أَنَّهُ لَوْ خَرَجَ لَمَا وَقَعَ بِهِ، وَأَنَّهُ بِإِقَامَتِهِ يَقَعُ بِهِ، فَهَذَا لَا يَحْصُلُ لَهُ أَجْرُ الشَّهِيدِ وَلَوْ مَاتَ بِالطَّاعُونِ، هَذَا الَّذِي يَقْتَضِيهِ مَفْهُومُ هَذَا الْحَدِيثِ)<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: اگر شخص مصاب به این مرض در آن شهر درنگ نمود، در حال که از عدم خروجش ناراحت و پشیمان است، با این گمان که اگر خارج می گردید، هرگز به این مرض واقع و دچار نمی گردید و اینکه با اقامت در این سرزمین مصاب گردید، برای این شخص اجر شهید حاصل نمی گردد، گرچند به مرض طاعون بمیرد، این چیزی است که مفهوم این حدیث تقاضا می کند.

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۳۴۷۴.

۲ - فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱۰ ص ۱۹۳ - ۱۹۴.

## د: مراد از شهادت بسبب مرض طاعون

مراد از شهادت بوسیله مرض طاعون، آن است که برای آن شخص که بسبب این مرض وفات نموده است، شهید آخرت است، اما در دنیا، این شخص را باید غسل داده و بربالایش نماز جنازه خوانده شود.<sup>(۱)</sup>

طور که بدرالدین عینی رحمه الله می نویسد: (مَنْ مَاتَ بِالطَّاعُونِ، أَوْ بَوَجَعِ الْبَطْنِ مُلْحَقٌ بِمَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لِمُشَارَكَةِ إِيَّاهُ فِي بَعْضِ مَا يَنَالُهُ مِنَ الْكِرَامَةِ بِسَبَبِ مَا كَابَدَهُ، لَا فِي جُمْلَةِ الْأَحْكَامِ وَالْفَضَائِلِ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: شخص که بسبب طاعون یا درد شکم وفات کرد، با شخص که در راه الله متعال کشته شده است، ملحق کرده می شود، از جهت مشارکت شخص که بسبب طاعون وفات نموده است، با شخص که در راه الله متعال کشته شده است، که در بعضی از چیزها نایل می شوند از قبیل کرامت، بسبب آنچه از سختی ها هردو می بینند، نه در جمله احکام و فضایل (یعنی شخص که بسبب طاعون وفات نموده است با شخص که در راه الله متعال کشته شده است، در فضایل و احکام برابر نیستند، یعنی شخص که بسبب طاعون وفات نموده است، باید غسل داده شود، ولی شخص که در راه الله متعال کشته شده است، غسل داده نمی شود و غیره).

## مطلب سوم: شهادت بسبب بطن (درد شکم).

یکی دیگر از اسباب شهادت، شهادت بسبب مبطون است، بنابراین، در این مطلب نخست مبطون را تعریف نموده، سپس شهادت بسبب آن را در روشنی نصوص وارده بیان می نمایم، که تفصیل شان قرار ذیل است:

### الف: تعریف مبطون

مبطن در لغت از کلمه «بَطْن» با فتحه حرف «ط» یا «بَطْن» با کسره حرف «ط» گرفته شده است، به معنای مریض مبتلاء به مرض شکم است، طور که مرتضی زبیدی<sup>(۳)</sup> رحمه الله می نویسد: (و رَجُلٌ

۱ - المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ج ۱۳ ص ۶۳.

۲ - عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج ۲۱ ص ۲۶۱.

۳ - مُرْتَضَى زَبِيدِي: (۱۱۴۵ - ۱۲۰۵ هـ = ۱۷۳۲ - ۱۷۹۰ م)، محمد بن محمد بن محمد بن عبد الرزاق، حسيني، زبيدي، أبو الفيض، ملقب به مرتضی زبیدی، یکی از علمای لغت، حدیث، رجال و انساب است، اصلش از واسط عراق، تولدش در بلگرام هند، پرورش در زبید یمن و توسط مرض طاعون در مصر وفات نمود، دارای تالیفات زیاد می باشد، از جمله: تاج العروس فی شرح القاموس، إتحاف السادة المتقين فی شرح إحياء العلوم للغزالي، أسانيد الكتب الستة وغيره. محمد عَبدُ الحَيِّ بن عبد الكبير ابن محمد الحسني الإدريسي، المعروف بعبد الحي الكتاني (المتوفى: ۱۳۸۲ هـ)،

مَبْطُونٌ: يَشْتَكِيهِ... وَالْبَطْنُ: دَاءُ الْبَطْنِ(١).

ترجمه: مرد مبطون است، یعنی از درد شکم شکایت می کند. و بطن: درد شکم است.

مبطون در اصطلاح: بدرالدین عینی رحمه الله مبطون را چنین تعریف نموده است: (والمبطون)، هُوَ صَاحِبُ الْإِسْهَالِ، وَقِيلَ: هُوَ الَّذِي بِهِ الْإِسْتِسْقَاءُ، وَقِيلَ: هُوَ الَّذِي يَشْتَكِي بَطْنَهُ. وَقِيلَ: مِنْ مَاتَ بِدَاءِ بَطْنِهِ مُطْلَقًا(٢).

ترجمه: مبطون عبارت از صاحب اسهال است، گفته شده است: مبطون عبارت از شخص است که به آن بیماری استسقا (یعنی قی کردن) و نفخ شکم صورت می گیرد. و گفته شده است: مبطون عبارت از شخص که از شکم خود شکایت می کند. و گفته شده است: عبارت از شخص که بسبب درد شکم بشکل مطلق (شامل تمام امراض شکم) وفات نموده باشد.

خلاصه: مبطون همان شخص است که بسبب مرض شکم وفات نموده باشد، زیرا اسم مبطون شامل تمام امراض بطنی می گردد، از همین جهت بدرالدین عینی رحمه الله همین تعریف را ترجیح داده است و در جاهای این تعریف را برای مبطون تذکر داده است، طور که فرموده است: (والمبطون) الَّذِي مَاتَ بِمَرَضِ الْبَطْنِ(٣). ترجمه: مبطون عبارت از شخص است که بسبب درد شکم وفات نموده باشد.

## ب: مبطون شهید است

شخص که بسبب مرض شکم وفات نماید، شهید است، طور که در احادیث شریف آمده است، از جمله: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْمَبْطُونُ شَهِيدٌ وَالْمَطْعُونُ شَهِيدٌ»(٤).

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: هر کس که بر اثر درد شکم و مرض طاعون بمیرد، شهید است.

فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمشیخات والمسلسلات، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: ٢، ١٩٨٢م، ج ١ ص ٣٩٨ - ٤١٣.

١ - محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، أبو الفيض، الملقب بمرتضى، الرّبيدي (المتوفى: ١٢٠٥هـ)، تاج العروس من جواهر القاموس، المحقق: مجموعة من المحققين، الناشر: دار الهداية، بيروت، ج ٣٤ ص ٢٦٢.

٢ - عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج ٥ ص ١٧١.

٣ - عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج ٢١ ص ٢٦١.

٤ - صحيح البخاري، رقم الحديث ٥٧٣٣.

بدرالدین عینی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (والمبطنون) الَّذِي مَاتَ بِمَرَضِ الْبَطْنِ، (والمطعون) الَّذِي مَاتَ بِالطَّاعُونِ. أَي: لَهْمَا تَوَابِ الشَّهَادَةِ).<sup>۱)</sup>

ترجمه: مبطنون شخص که بسبب مرض شکم وفات نموده است و مطعون شخص که بسبب طاعون وفات نموده است، یعنی برای هر دو ثواب شهادت است.

### ج: مبطنون از جمله شهداء آخرت است

شخص که بسبب مرض شکم از بین می رود، از جمله شهداء آخرت محسوب می گردد، طور که امام نووی رحمه الله می نویسد: (وَاعْلَمَنَّ أَنَّ الشَّهِيدَ ثَلَاثَةٌ أَقْسَامٌ... وَالثَّانِي شَهِيدٌ فِي الثَّوَابِ دُونَ أَحْكَامِ الدُّنْيَا وَهُوَ الْمَبْطُونُ...)<sup>۲)</sup>

ترجمه: بدان! شهید سه قسم است، قسم دوم شهید در ثواب است نه در احکام دنیا و آن عبارت از مبطنون است.

از همین جهت که مبطنون از جمله شهداء آخرت محسوب می گردد، در دنیا همان احکام را بالای او انجام می دهد، که به دیگر مرده های اهل اسلام انجام می دهد، از قبیل غسل دادن، طور که شوکانی<sup>۳)</sup> رحمه الله می نویسد: (وَأَمَّا سَائِرُ مَنْ يُطَلَّقُ عَلَيْهِ اسْمُ الشَّهِيدِ كَالطَّعِينِ وَالْمَبْطُونِ وَالنَّفْسَاءِ وَنَحْوِهِمْ فَيُغَسَّلُونَ إِجْمَاعًا).<sup>۴)</sup>

ترجمه: اما سایر اشخاص که بر بالای شان اسم شهید اطلاق شده اند، مثل شخص که بسبب مرض طاعون، مرض شکم، نفاس و امثال شان وفات نموده اند، نظر به اجماع امت، آنها غسل داده شوند.

۱ - عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج ۲۱ ص ۲۶۱.

۲ - المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ج ۲ ص ۱۶۴.

۳ - شوکانی (۱۱۷۳ - ۱۲۵۰ هـ = ۱۷۶۰ - ۱۸۳۴ م)، محمد بن علي بن محمد بن عبد الله شوکانی، یکی از محدثین، فقیه و مجتهد در یمن بود، تولدش در شوکان که یکی از قریه های خولان یمن است صورت گرفته است و نشأت و وفات او در صنعاء شده است، او تقلید را حرام می دانست، دارای تالیفات زیاد است از جمله: نیل الأوطار من أسرار منتقى الأخبار، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن، الأبحاث العرضية، وفي الكلام على حديث حب الدنيا رأس كل خطية وغيره. محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوکانی الیمنی (المتوفى: ۱۲۵۰ هـ)، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ج ۲ ص ۲۱۴ - ۲۲۵.

۴ - محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوکانی الیمنی (المتوفى: ۱۲۵۰ هـ)، نیل الأوطار، تحقیق: عصام الدین الصیابطی، الناشر: دار الحديث، مصر، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۳ م، ج ۴ ص ۳۷.

## مطلب چهارم: شهادت بسبب غرق (غرق شدن در آب)

یکی دیگر از اسباب شهادت، غرق است، در این مطلب نخست غرق را معرفی نموده، سپس شهادت بسبب غرق را در روشنی نصوص بیان می نمایم:

### الف: تعریف غرق

غرق در لغت به معنای فرو رفتن در آب است، طور که مرتضی زبیدی رحمه الله می نویسد: (الغَرَقُ:

الراسبُ فِي الْمَاءِ. وَالغَرِيقُ: الْمَيِّتُ فِيهِ).<sup>۱</sup>

ترجمه: غرق: فرو رفتن در آب است و غریق: مردن در آب است.

در اصطلاح: ابن عبدالبر<sup>۲</sup> رحمه الله چنین تعریف نموده است: (وَهُوَ الَّذِي يَمُوتُ غَرَقًا فِي الْمَاءِ).<sup>۳</sup>

ترجمه: غریق عبارت از شخص است که بسبب غرق شدن در آب می میرد.

### ب: شهادت بسبب غرق شدن در آب

غرق شدن یکی از اسباب شهادت است، پس شخص که در حالت غرق شدن وفات می نماید، شهید است، طور که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الشُّهَدَاءُ خَمْسَةٌ: الْمَطْعُونُ، وَالْمَبْطُونُ، وَالغَرَقُ، وَصَاحِبُ الْهَدْمِ، وَالشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».<sup>۴</sup>

ترجمه: از ابو هریره رضي الله عنه روایت است که: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: شهداء پنج گروه هستند: آنکه بطاعون بمیرد، آنکه در بیماری شکم بمیرد، آنکه غرق شود، آنکه زیر ویرانی بمیرد و

<sup>۱</sup> - تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۲۶ ص ۲۳۸.

<sup>۲</sup> - ابن عبد البر: (۳۶۸ - ۴۶۳ هـ = ۹۷۸ - ۱۰۷۱ م)، يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، نمري، قرطبي، مالكي، أبو عمر، یکی از بزرگان حفاظ حدیث، ادیب، تاریخ دان، حافظ مغرب بود، در قرطبه تولد شد و با رحلت زیاد از جمله اندلس، سپس در قاطبه وفات نمود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: الدرر في اختصار المغازي والسير، العقل والعقلاء، الاستيعاب في تراجم الصحابة، جامع بيان العلم وفضله و غیره. أحمد بن محمد بن إبراهيم بن أبي بكر، أبو العباس شمس الدين ابن خلكان البرمكي الإربلي (المتوفى: ۶۸۱ هـ)، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بيروت، الجزء: ۲ - الطبعة: ۰، ۱۹۰۰، ج ۲ ص ۳۴۸.

<sup>۳</sup> - يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم، أبو عمر النمري القرطبي (المتوفى: ۴۶۳ هـ)، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، تحقيق: مصطفى بن أحمد العلوي، محمد عبد الكبير البكري، الناشر: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية - المغرب، ۱۳۸۷ هـ، ج ۱۹ ص ۲۰۶.

<sup>۴</sup> - صحيح البخاري، رقم الحديث ۲۸۲۹.



شهید که در راه الله (جهاد) بشهادت می رسد.

در این حدیث معلوم شده است، که یکی از اسباب شهادت، غرق شدن در آب است.

در روایت دیگر آمده است: «الشُّهَدَاءُ سَبْعَةٌ سِوَى الْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: الْمَطْعُونُ شَهِيدٌ، وَالْغَرِيقُ شَهِيدٌ، وَصَاحِبُ ذَاتِ الْجَنْبِ شَهِيدٌ، وَالْمَبْطُونُ شَهِيدٌ، وَالَّذِي يَمُوتُ تَحْتَ الْهَدْمِ شَهِيدٌ، وَالْمَرْأَةُ تَمُوتُ بِجُمُعِ شَهِيدٌ، وَصَاحِبُ الْحَرِيقِ شَهِيدٌ».<sup>۱)</sup>

ترجمه: شهداء ثوابی که اجر و مزد شهید را دارند، بغیر از شهید واقعی که در راه خدا در جنگ بشهادت می رسد، هفت گروه هستند: کسی که به بیماری طاعون بمیرد، کسی که غرق شود، کسی که در اثر بیماری ذات الجنب (دانه های که در پهلوی سینه پیدا میشود) بمیرد، کسی که در اثر بیماری شکم درد بمیرد، کسی که در اثر حریق بمیرد، کسی که در زیر آوار بمیرد، زنی که بر اثر زایمان بمیرد و کسی که دچار آتش سوختگی گردد.

در این حدیث هم یکی از شهداء، شخص که در آب غرق می گردد، خوانده شده است.

باید گفت که در حدیث اول، شهداء پنج گروه و در حدیث دوم هفت گروه خوانده شده است، در این مورد بدرالدین عینی رحمه الله چنین می نویسد: (ذكر العدد المُخْتَلَفِ فَلَيْسَ عَلَى مَعْنَى التَّحْدِيدِ، بَلْ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْ ذَلِكَ بِحَسَبِ الْحَالِ وَبِحَسَبِ السُّؤَالِ وَبِحَسَبِ مَا تَجَدَّدَ الْعِلْمُ فِي ذَلِكَ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، عَلَى أَنْ التَّنْصِيفِ عَلَى الْعَدَدِ الْمَعِينِ لَا يُنَافِي الزِّيَادَةَ).<sup>۲)</sup>

ترجمه: ذکر عدد مختلف در ارقام شهید، به معنای محدود کردن ارقام شهید نیست، بلکه هر کدام از آن احادیث، نظر به مقتضای حال، مقتضای سوال و به مقتضای مجدد گردیدن علم از جانب پیامبر صلی الله علیه و سلم بوده است، براینکه تصریح کردن بر یک عدد معین، منافات با زیادت را ندارد.

۱ - مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني (المتوفى: ۱۷۹هـ)، الموطأ، المحقق: محمد مصطفى الأعظمي، الناشر: مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان للأعمال الخيرية والإنسانية - أبو ظبي - الإمارات، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۵ هـ - ۲۰۰۴ م، ج ۲ ص ۳۲۷. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح الجامع الصغیر وزياداته، رقم الحدیث ۳۷۳۹.

۲ - عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج ۱۴ ص ۱۲۶.

## ج: غریق از شهداء آخرت است

شخص که در دریا غرق می‌گردد و وفات می‌نماید، از شهداء آخرت محسوب می‌گردد، زیرا به منزلت شهداء آخرت نایل می‌گردد، ولی احکام دنیوی آن مثل دیگر مرده های اسلام است، یعنی غسل داده می‌شود و غیره، طور که محمد الأمين الهرري<sup>(۱)</sup> شارح صحیح مسلم می‌نویسد: (أن الشهيد ثلاثة أقسام... والثاني: شهيد الآخرة فقط، لأنه يثاب ثواب الشهداء في الآخرة دون أحكام الدنيا، وهو المبطون والمطعون، وصاحب الهدم، ومن قتل دون ماله، والغريق... ولهذا يغسل ويُصلى عليه، وله في الآخرة ثواب الشهداء).<sup>(۲)</sup> ترجمه: شهید سه قسم است... قسم دوم شهید، فقط شهید آخرت است، زیرا ثواب شهداء آخرت را بدست

می‌آورد نه احکام دنیا را و آن عبارت از کسی که در اثر بیماری شکم درد بمیرد، کسی که به بیماری طاعون بمیرد، کسی که در زیر آوار بمیرد، کسی که به دفاع از مالش کشته شود، کسی که غرق شود... از همین جهت اینها را غسل داده شوند و بر بالای شان نماز خوانده شوند و برای شان در آخرت ثواب شهداء است.

## مطلب پنجم: شهادت بسبب هدم (زیر آوار شدن)

یکی دیگر از اسباب شهادت، صاحب هدم است، در این مطلب نخست صاحب هدم را تعریف نموده، سپس نصوص وارده را پیرامون شهادت صاحب هدم تذکر می‌دهم، که تفصیلاً قرار ذیل است:

<sup>۱</sup> - محمد أمين بن عبد الله بن يوسف بن حسن أبو ياسين، أرمي، علوي، یکی علماء معاصر حديث و فقه محسوب می‌گردد، در «حبشه» در منطقه «هر» در قریه «بویطه» روز جمعه، اواخر ماه ذی الحجة، سال ۱۳۴۸ هجری تولد گردید، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: حدائق الروح والريحان في روابي علوم القرآن، الكوكب الوهاج شرح صحیح مسلم، هدية الأذكىاء على طيبة الأسماء في توحيد الأسماء والصفات وغيره. محمد الأمين بن عبد الله الأرمي العلوي الهزري الشافعي، الكوكب الوهاج شرح صحیح مسلم، الناشر: دار المنهاج - دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۰ هـ - ۲۰۰۹ م، ج ۱ ص ۷ - ۱۵.

<sup>۲</sup> - الكوكب الوهاج شرح صحیح مسلم، ج ۴ ص ۹.

## الف: تعریف صاحب هدم

هدم در لغت به معنای نقض و شکسته شدن بنا، تخریب و سقوط آن است، طور که کفوی<sup>(۱)</sup> رحمه الله می نویسد: (الهدْم: التخریب، وَيَقَعُ عَلَى كُلِّ الْبِنَاءِ. فَمَا دَامَ شَيْءٌ مِنَ الْبِنَاءِ لَا يَكُونُ هَدْمًا)<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: هدم به معنای تخریب است و بر هر بنا واقع می گردد، تا وقت که چیزی از بنا ثابت باشد، هدم نمی باشد.

در اصطلاح: صاحب هدم را ابوبکر ابن العربی<sup>(۳)</sup> رحمه الله چنین تعریف نموده است: (وهو الَّذِي يَمُوتُ تَحْتَ الْهَدْمِ، وَلَا خِلَافَ فِيهِ أَنَّهَا لَهُ شَهَادَةٌ)<sup>(۴)</sup>.

صاحب هدم عبارت از شخص است که زیر آوار و دیوار می میرد و خلاف وجود ندارد که شخص صاحب هدم برایش شهادت است.

## ب: هدم یکی از اسباب شهادت است

یکی از اسباب شهادت، هدم است، طور که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الشُّهَدَاءُ خَمْسَةٌ... وَصَاحِبُ الْهَدْمِ...»<sup>(۵)</sup>.

۱ - کفوی: (۱۰۹۴ م = ۱۶۸۳ م)، ایوب بن موسی، حسینی، قریمی، کفوی، حنفی، أبو البقاء: یکی از فقهاء و علماء بزرگی مذهب احناف و لغت دان بود، در کفه ترکیه متولد گردید، سپس چندین سال بحیث قاضی بود، و در استانبول وفات نمود و در تربة خالد دفن گردید و از جمله تالیفات او کلیات معجم فی المصطلحات و الفروق اللغویة است. إسماعیل بن محمد أمین بن میر سلیم البابانی البغدادي (المتوفی: ۱۳۹۹هـ)، هدیة العارفين أسماء المؤلفين وآثار المصنفين، الناشر: طبع بعناية وكالة المعارف الجلیلة فی مطبعتها البهیة استانبول ۱۹۵۱م، ص ۲۲۹.

۲ - ایوب بن موسی الحسینی القریمی الکفوی، أبو البقاء الحنفی (المتوفی: ۱۰۹۴هـ)، کلیات معجم فی المصطلحات و الفروق اللغویة، المحقق: عدنان درویش - محمد المصري، الناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، ج ۱ ص ۹۶۳.

۳ - ابن العربی (۴۶۸ - ۵۴۳ هـ = ۱۰۷۶ - ۱۱۴۸ م)، محمد ابن عبدالله ابن محمد، ابوبکر، معروف و مشهور به قاضی ابن العربی، یکی از حفاظ متبحر قرآن و حدیث و فقیهی از فقهاء مالکی است که به اجتهاد رسیده بود، در «إشبیلیه» متولد شده است و در «قرب فاس» وفات نمود. از جمله تألیفاتش: المحصول فی علوم القرآن، احکام القرآن و مشکل الكتاب و السنة است. إبراهيم بن علي بن محمد، ابن فرحون، برهان الدین الیعمري المالکی (المتوفی: ۷۹۹هـ)، الدیباچ المذهب فی معرفة أعيان علماء المذهب، تحقیق و تعلیق: محمد الأحمدی أبو النور، الناشر: دار التراث للطبع والنشر، القاهرة، ج ۱ ص ۲۸۱ - ۲۸۲.

۴ - محمد بن عبد الله أبو بكر بن العربي المعافري الاشبيلي المالكي (المتوفی: ۵۴۳هـ)، المسالك فی شرح موطأ مالك، الناشر: دار الغرب الإسلامي، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۸ هـ - ۲۰۰۷ م، ج ۲ ص ۴۲۴.

۵ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۲۸۲۹.

ترجمه: از ابو هريره رضي الله عنه روايت است كه: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: شهداء پنج گروه هستند: آنكه زير ويراني بميرد.

در اين حديث معلوم شده است، كه يكي از اسباب شهادت، شخص كه زير ديوار و ويراني بميرد.

در روايت ديگر آمده است: «الشُّهَدَاءُ سَبْعَةٌ سِوَى الْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... وَالَّذِي يَمُوتُ تَحْتَ الْهَدْمِ شَهِيدٌ...»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: شهداء ثوابي كه اجر و مزد شهيد را دارند، بغير از شهيد واقعي كه در راه خدا در جنگ بشهادت مي رسد، هفت گروه هستند: كسي كه در زير آوار بميرد.

در اين حديث هم ديده شد كه يكي از اسباب شهادت، هدم است.

### ج: صاحب هدم از جمله شهداء آخرت است

شخص كه بسبب هدم منزل و خانه وفات مي كند، از جمله شهداء آخرت محسوب مي گردد، طور كه محمد الأمين الهرري شارح صحيح مسلم مي نويسد: (أن الشهيد ثلاثة أقسام... والثاني: شهيد الآخرة فقط... وصاحب الهدم...)<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: شهيد سه قسم است... قسم دوم شهيد، فقط شهيد آخرت است، و آن عبارت از كسي كه در زير آوار بميرد.

خلاصه مشخص گرديد كه يكي از اسباب شهادت، صاحب هدم است، اين نوع شهادت از جمله شهداء آخرت محسوب گرديده و براي ثواب آخرت مي رسد، اما در مورد احكام دنيا، مثل بقيه مرده هاي اهل اسلام رفتار صورت گيرد.

۱ - الموطأ، ج ۲ ص ۳۲۷. ألبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح الجامع الصغیر و زیاداته، رقم الحدیث ۳۷۳۹.

۲ - الكوكب الوهاج شرح صحيح مسلم، ج ۴ ص ۹.

## مطلب ششم: شهادت بسبب دانه های که در پهلوی سینه پیدا میشود (ذات الجنب)

یکی دیگر از اسباب شهادت، شهادت بسبب ذات الجنب است، نخست ذات الجنب را معرفی نموده، سپس نصوص وارده را پیرامون شهادت بسبب ذات الجنب تذکر می دهیم، که تفصیل آن قرار ذیل است:

### الف: تعریف

ذات الجنب در لغت: دانه است که در پهلوی سینه بوجود آید، طور که از هری<sup>(۱)</sup> رحمه الله می نویسد: (ذَاتُ الْجَنْبِ: عَلَّةٌ صَعْبَةٌ، تَأْخُذُ فِي الْجَنْبِ... هِيَ الدُّبَيْلَةُ، وَهِيَ قَرْحَةٌ قَبِيحَةٌ تَنْقُبُ الْبَطْنَ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: ذات الجنب بیماری سخت است که پهلوی بدن را می گیرد و آن عبارت از دبيله است و دبيله عبارت از زخم بدی است که شکم را سوراخ می کند.

در اصطلاح: صاحب ذات الجنب را امام سیوطی<sup>(۳)</sup> رحمه الله چنین تعریف نموده است: (وَصَاحِبُ ذَاتِ الْجَنْبِ هِيَ الدُّبَيْلَةُ وَالذُّمْلُ الْكَبِيرَةُ الَّتِي تَظْهَرُ فِي بَاطِنِ الْجَنْبِ وَتَنْفَجِرُ إِلَى دَاخِلِ وَقَلَّمَا يَسْلُمُ صَاحِبُهَا وَصَارَتْ ذَاتُ الْجَنْبِ عَلَمًا لَهَا).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: صاحب ذات الجنب عبارت از دبيله (زخم عفونی شده روی پوست که ورم کرده و در آن چرک و خونابه باشد) و دُمْل (دانه) بزرگ است که در باطن پهلوی سینه ظاهر می شود و در داخل انفجار می کند

۱ - از هری (۲۸۲ - ۳۷۰ هـ = ۸۹۵ - ۹۸۱ م) محمد بن أحمد بن الأزهری، هروی، أبو منصور، یکی از امامان علم لغت و ادب و از علماء شافعی می باشد، تولد و وفات او در هرات شده است، از جمله تألیفات او: تهذیب اللغة و غریب الألفاظ التي استعملها الفقهاء، می باشد. إسماعیل بن عمر بن کثیر، أبو الفداء القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ۷۷۴هـ)، طبقات الشافعيين، تحقیق: أحمد عمر هاشم، د محمد زینهم محمد عزب، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية، تاریخ النشر: ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۳ م، ج ۱ ص ۲۸۷ - ۲۸۸.

۲ - محمد بن أحمد بن الأزهری الهروي، أبو منصور (المتوفى: ۳۷۰هـ)، تهذیب اللغة، المحقق: محمد عوض مرعب، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الأولى، ۲۰۰۱م، ج ۱۱ ص ۸۴.

۳ - سیوطی، (۸۴۹ - ۹۱۱ هـ = ۱۴۴۵ - ۱۵۰۵ م)، عبد الرحمن بن أبي بكر بن محمد ابن سابق الدين الخضيرى السيوطي، جلال الدين: إمام، حافظ، مؤرخ، أديب و از فقهاء مذهب شافعی بود، تولد، پرورش و وفات سیوطی در قاهره شده است، تألیفات سیوطی به ۶۰۰ کتاب می رسد، از جمله تألیفات اش: الكتاب الكبير، الرسالة الصغيرة، الدر المنثور، تفسير جلالين، الإتيقان في علوم القرآن، وغيره بود. محمد بن محمد، نجم الدين الغزي (المتوفى: ۱۰۶۱هـ)، الكواكب السائرة بأعيان المئة العاشرة، المحقق: خليل المنصور، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۷ م، ج ۱ ص ۲۲۷ - ۲۳۲.

۴ - عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: ۹۱۱هـ)، حاشية السندي على سنن النسائي، الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶، ج ۴ ص ۱۰.

و بسیار کم است که صاحبان این مرض سالم می ماند و ذات الجنب نشانه و علم برای این دانه گردید ( از جهت که در پهلو می براید).

ابوبکر بن العربی رحمه الله راجع به فرق میان طاعون و ذات الجنب چنین بیان می دارد: (أَنَّ الْمُطْعُونَ بِمَنْزِلَةِ الَّذِي يَمُوتُ فِي الْمُعْتَرَكِ، وَذُو الْجَنْبِ بِمَنْزِلَةِ الَّذِي يَرْجِعُ مِنَ الْمُعْتَرَكِ فَيَعِيشُ أَيَّامًا).<sup>۱)</sup>

ترجمه: شخص که به مرض طاعون وفات نموده است، به منزله کسی است که در میدان جنگ می میرد (یعنی مجال زندگی برایش نمی ماند) و شخص که ذات الجنب دارد به منزله شخص است که از میدان جنگ زنده بر می گردد، پس چند روز زندگی می کند (یعنی ذات الجنب مرضی نیست که فوراً کشنده باشد، بلکه وقت طولانی را گرفته، سپس شخص را از بین می برد).

### ب: ذات الجنب یکی از اسباب شهادت است

طور که در حدیث شریف آمده است: «الشَّهَادَةُ سَبْعُ سِوَى الْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: الْمَطْعُونُ شَهِيدٌ، وَالْعَرَقُ شَهِيدٌ، وَصَاحِبُ ذَاتِ الْجَنْبِ شَهِيدٌ». <sup>۲)</sup>

ترجمه: بجز مرگ در راه الله، شهیدان هفت دسته اند: کسی که در اثر طاعون و وبا بمیرد، شهید است. کسی که در اثر غرق شدن در آب بمیرد، شهید است. کسی که در اثر ذات الجنب بمیرد، شهید است. در این حدیث واضح تذکر رفته است، که یکی از اسباب هفتگانه شهادت، شهادت به اثر ذات الجنب است.

<sup>۱</sup> - المسالك في شرح مؤطاً مالك، ج ۳ ص ۵۷۳.

<sup>۲</sup> - سنن أبي داود، رقم الحديث ۳۱۱۱. ألبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث ۳۱۱۱.

همچنان در روایت دیگر آمده است: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَتِيكٍ: أَنَّهُ مَرَضَ فَاتَّاهُ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَعُودُهُ، فَقَالَ قَائِلٌ مِنْ أَهْلِهِ: إِنَّ كُنَّا لَنَرُجُو أَنْ تَكُونَ وَفَاتُهُ قَتْلَ شَهَادَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: «إِنَّ شُهَدَاءَ أُمَّتِي إِذَا لَقِيلُوا، أُلْقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شَهَادَةً... وَالْمَجْنُوبُ - يَعْنِي ذَاتَ الْجَنْبِ - شَهَادَةٌ».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از جابر بن عتیک رضی الله عنه روایت است، که او مریض گردید، پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد تا او را عیادت نماید، پس یکی از اعضای خانواده او گفت: ما انتظار داریم که مرگ او مرگ شهادت باشد، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود یقیناً شهادت امت من قلیل، است و کسی که در راه خداوند کشته می شود شهید است... مرگ به سبب ذات الجنب شهادت است.

در این حدیث هم معلوم گردید که یکی از اسباب شهادت، ذات الجنب است.

### ج: صاحب ذات الجنب از شهداء آخرت است

شخص که بسبب ذات الجنب می میرد، از شهداء آخرت محسوب می گردد، طور که مناوی رحمه الله می نویسد: (ذات الجنب (وَالْغَرَقُ) أَي الْمَوْتُ بِالْغَرَقِ فِي الْمَاءِ مَعَ عَدَمِ تَرْكِ التَّحَرُّزِ (شَهَادَةٌ) أَي الْمَيِّتُ بَعْدَ مِنْ شَهَادَةِ الْآخِرَةِ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: ذات الجنب و غرق، یعنی مرگ بسبب غرق شدن در آب به همراه عدم ترک خودداری کردن، شهادت است، یعنی مردن بسبب این دو (ذات الجنب و غرق) از شهداء آخرت محسوب می گردد.

### مطلب هفتم: شهادت بسبب حرق (سوختن در آتش)

یکی دیگر از اسباب شهادت، حرق است، نخست حرق را تعریف نموده، سپس نصوص وارده پیرامون آن را تذکر می دهم:

۱ - سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۲۸۹۳. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۲۸۰۳.

۲ - التیسیر بشرح الجامع الصغیر، ج ۱ ص ۴۴۰.

## الف: تعریف حرق

حرق در لغت: به معنای در آتش سوختن است، طور که از هری رحمه الله می نویسد: (وَالْحَرَقُ مِنْ حَرَقِ النَّارِ).<sup>۱)</sup> ترجمه: حرق کسی که آتش او را می سوزاند.

حرق در اصطلاح: معنای اصطلاحی حرق از معنای لغوی آن بیرون نیست، یعنی حرق کسی که آتش او را می سوزاند، طور که امام نووی رحمه الله می نویسد: (وهو الذي يموت بحريق النار).<sup>۲)</sup> ترجمه: حرق عبارت از شخص است که به سبب سوختاندن آتش می میرد.

## ب: حرق یکی از اسباب شهادت است

در حدیث شریف آمده است: «وَالْحَرَقُ وَالْمَجْنُوبُ - يَعْنِي ذَاتَ الْجَنْبِ - شَهَادَةٌ».<sup>۳)</sup> ترجمه: حرق و ذات الجنب شهادت است.

در این حدیث بوضوح معلوم گردیده است که یکی از اسباب شهادت، حرق است.

## ج: حرق از شهداء آخرت است

طور که محمد الأمين الهري شارح صحیح مسلم می نویسد: (أن الشهيد ثلاثة أقسام... والثاني: شهيد الآخرة فقط... والحريق...)<sup>۴)</sup>

ترجمه: شهید سه قسم است... قسم دوم شهید، فقط شهید آخرت است، و آن عبارت از کسی که در حرق بمیرد.

۱ - تهذیب اللغة، ج ۴ ص ۲۹.

۲ - المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ج ۱۳ ص ۶۳.

۳ - سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۲۸۰۳. ألبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۲۸۰۳.

۴ - الكوكب الوهاج شرح صحیح مسلم، ج ۴ ص ۹.



خلاصه مشخص گردید که یکی از اسباب شهادت، حرق است، این نوع شهادت از جمله شهداء آخرت محسوب گردیده و برایش ثواب آخرت می رسد، اما در مورد احکام دنیا، مثل بقیه مرده های اهل اسلام رفتار صورت گیرد.

### مطلب هشتم: شهادت زن بسبب زایمان و نفاس

یکی دیگر از اسباب شهادت، شهادت بسبب (جمع) زایمان و نفاس است، نخست شهادت بسبب زایمان و نفاس را تعریف نموده، سپس نصوص وارده پیرامون آن را تذکر می دهیم:

#### الف: تعریف شهادت زن بسبب (جمع)

جمع با ضم حرف جیم و کسر آن، در لغت: عبارت از زنی که می میرد و در بطنش طفل است، جمع به معنای مجموع است، یعنی زن همراه چیزی دیگر که از زن جدا نمی شود و بشکل مجموعی می میرند، از قبیل حمل و بکارت.<sup>(۱)</sup>

جمع در اصطلاح: ابن حجر رحمه الله چنین تعریف نموده است: (أنها التي تموت من النفاس).<sup>(۲)</sup> ترجمه: مراد از جمع، زنی که بسبب زایمان و نفاس می میرد.

#### ب: جمع یکی از اسباب شهادت است.

طور که در حدیث شریف آمده است: «الشَّهَادَةُ سَبْعُ سَوِيِّ الْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... وَالْمَرَأَةُ تَمُوتُ بِجُمُعٍ شَهِيدٌ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: شهادت علاوه از کشته شدن در راه الله بر هفت قسم است: و زنی که در اثر زایمان بمیرد شهید است.

<sup>۱</sup> - المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الكريم، مجد الدين أبو السعادات الشيباني الجزري ابن الأثير (المتوفى: ٦٠٦هـ)، النهاية في غريب

الحدیث، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت، ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م، ج ١ ص ٢٩٦.

<sup>۲</sup> - فتح الباري شرح صحيح البخاري، ج ٦ ص ٥١.

<sup>۳</sup> - سنن أبي داود، رقم الحديث ٣١١١. ألباني رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث ٣١١١.

در این حدیث مشخص گردید، زنی که در دوران بارداری و یا در اثر زایمان جان خود را از دست می دهد، شهید است.

### ج: جمع از جمله شهداء آخرت است

شهادت بسبب جمع از جمله شهداء آخرت محسوب می گردد، از همین جهت امام نووی رحمه الله بعد از ذکر شهادت بسبب مبطون، غرق، طاعون، جمع و امثال آنها می گوید: (الْمُرَادُ بِشَهَادَةِ هَؤُلَاءِ كُلِّهِمْ غَيْرِ الْمَقْتُولِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنَّهُمْ يَكُونُ لَهُمْ فِي الْأَجْرَةِ ثَوَابُ الشُّهَدَاءِ).<sup>۱)</sup>

ترجمه: مراد و مقصود از شهادت تمام اینها، غیر از شخصی است که در راه الله متعال کشته شده است، برای آنها در آخرت ثواب شهداء است، (یعنی آنها از جمله شهداء آخرت محسوب می گردد).

### مطلب نهم: شهادت بسبب مرگ در راه الله

یکی دیگر از اسباب شهادت، مرگ در راه الله متعال است، یعنی شخص که در جهاد بدون کشته شدن بوسیله دشمن، می میرد، ابن عبدالبر رحمه الله می فرماید: (... وَمِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ مَنْ جَعَلَ الْمَيْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَقْتُولَ سِوَاءً).<sup>۲)</sup>

ترجمه: از اهل علم کسانی هستند که مرگ در راه الله متعال و کشته شدن در راه الله متعال را برابری هم گردانیده اند.

آنها استدلال نموده اند، از این آیه: {وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا}.<sup>۳)</sup>

ترجمه: و کسانی که در راه الله هجرت کردند، سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند الله متعال به آنها روزی نیکویی می دهد.

مراد از «قُتِلُوا» اشخاص که در راه جهاد بوسیله دشمن کشته شده اند و مراد از «أَوْ»

۱ - المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ج ۱۳ ص ۶۳.

۲ - التمهید، ج ۱ ص ۲۳۵.

۳ - {الحج، آیه ۵۸}.

ماتوا» اشخاص که در راه جهاد بدون کشته شدن بوسیله دشمن و از مرگ طبیعی شان می میرند، هردو گروه شهید اند، از همین جهت امام بیضاوی رحمه الله می نویسد: (وإنما سوى بين من قتل في الجهاد ومن مات حتف أنفه في الوعد لاستوائهما في القصد وأصل العمل).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: اینکه بین شخص که در جهاد کشته شده است و بین شخص که به مرگ طبیعی در راه جهاد می میرد، در وعده (که برای هردو الله متعال رزق حسن و نیکو می دهد)، الله متعال مساوات را در نظر گرفته است، از جهت برابر بودن هردو در قصد و نیت عمل.

همچنان الله متعال می فرماید: {وَمَنْ يُخْرِجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ}.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: و کسی که از خانه اش به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او بیرون رود سپس مرگش فرا رسد پاداش او بر خدا است.

همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ فَصَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمَاتَ، أَوْ قُتِلَ فَهُوَ شَهِيدٌ...».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: شخص که از منزل و خانه اش در راه الله متعال بیرون و خارج می گردد، سپس در این راه می میرد و یا کشته می شود، پس او شهید است.

در این حدیث مشخص گردید که شخص که از منزل و خانه اش جهت جهاد در راه الله متعال بیرون می گردد، سپس در این راه به اثر مرگ طبیعی می میرد، پس او شهید است.

خلاصه مشخص گردید که یکی از اسباب شهادت، مرگ در راه الله متعال است، که مطابق آیات و حدیث شریف توضیح داده شد.

۱ - أنوار التنزيل وأسرار التأويل، ج ۴ ص ۷۶.

۲ - {النساء، آیه ۱۰۰}.

۳ - سنن أبي داود، رقم الحديث ۲۴۹۹. ابن حجر رحمه الله می گوید: سند این حدیث حسن است. أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ۸۵۲هـ)، المطالب العالیة بزوائد المسانيد الثمانيّة، الناشر: دار العاصمة للنشر والتوزيع - دار الغيث للنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م، ج ۹ ص ۲۰۵.

## مطلب دهم: شهادت بسبب دفاع از دین، نفس، اهل و مال

یکی دیگر از اسباب شهادت، شهادت بسبب دفاع از دین، نفس، اهل و مال است، در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از عبدالله بن عمرو بن عاص رضي الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: کسی که در حین دفاع از مالش کشته شود، شهید است.

در این حدیث مشخص شده است، که شخص به دفاع کردن از مالش کشته می شود، شهید است.

همچنان در حدیث دیگر آمده است: عَنْ أَبِي الْأَعْوَرِ سَعِيدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عمرو بن نُفَيْلٍ، أَحَدِ الْعَشْرَةِ الْمُشْهُودِ لَهُمْ بِالْجَنَّةِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دِينِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از ابو اعور سعید بن زید بن عمرو بن نفیل، یکی از «عشره ي مبشره» رضي الله عنهم روایت شده است که گفت: از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که می فرمود: کسی که در راه دفاع از مالش کشته شود، شهید است و آن که در راه دفاع از جان و خونش کشته شود، شهید است و آن که در راه دفاع از دینش کشته شود، شهید است و هر کس در راه دفاع از خانواده و اهلش کشته شود، شهید است.

صنعتی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (ومن قتل دون ماله فهو شهيد) إذا قتل دفاعا على ماله لأن آخذه منكر له دفعه ويجوز له ترك الدفاع. (ومن قتل دون نفسه) مدافعا عنه (فهو شهيد).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: کسی که در راه دفاع از مالش کشته شود، شهید است، یعنی وقت که بر دفاع از مالش کشته شود، زیرا آن شخص گیرنده منکر شده است و برایش است تا آن منکر را دفع کند و برایش جایز هم است تا از دفاع کردن صرف نظر کند. و آن که در راه دفاع از جان و خونش کشته شود، یعنی در حال که از نفس خود دفاع کننده باشد، پس او شهید است.

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۲۴۸۰.

۲ - سنن الترمذی، رقم الحدیث ۱۴۲۱. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن الترمذی، رقم الحدیث ۱۴۲۱.

۳ - التَّنْوِيرُ شَرْحُ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ، ج ۷ ص ۴۴۷.

همچنین خطابی<sup>(۱)</sup> رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (فقد دل ذلك على أن من دافع عن ماله أو عن أهله أو دينه إذا أربد على شيء منها فأتى القتل عليه كان مأجوراً فيه نائلاً به منازل الشهداء).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: این حدیث دلالت می کند بر اینکه دفاع کننده از مالش، یا اهلش، یا دینش وقت که بر چیزی اینها تعرض صورت گیرد، سپس بر سرش قتل بیاید، یعنی در این دفاع کشته شود، در این دفاع برایش اجر داده می شود و به جایگاه شهداء نایل می گردد.

همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَأَيْتَ إِنْ جَاءَ رَجُلٌ يُرِيدُ أَخْذَ مَالِي؟ قَالَ: «فَلَا تُعْطِهِ مَالَكَ» قَالَ: أَرَأَيْتَ إِنْ قَاتَلَنِي؟ قَالَ: «فَأَنْتَ شَهِيدٌ» قَالَ: أَرَأَيْتَ إِنْ قَتَلْتَهُ؟ قَالَ: «هُوَ فِي النَّارِ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که گفت: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت: ای رسول الله! اگر کسی بیاید و بخواهد مال مرا (به زور از من) بگیرد، چه کار کنم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: مال خود را به او نده، گفت: اگر با من جنگ کرد؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: تو هم با او جنگ کن، گفت: اگر مرا کشت؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: تو شهیدی، گفت: اگر من او را کشتم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: او در آتش است.

امام نووی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (دلیل عَلَى أَنَّ مَنْ قَصَدَ أَخْذَ مَالٍ غَيْرِهِ بغير حق (كان القاصد مهدر الدم وَإِنْ قُتِلَ كَانَ فِي النَّارِ) (وَأَنَّ مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ).<sup>(۴)</sup>

<sup>۱</sup> - خطابی: أحمد بن محمد بن إبراهيم بن خطاب، أبو سليمان، خطابي، بستي، یکی از امامان حدیث، حافظ، فقیه از فقهای شافعی و لغت دان بود، در سال ۳۱۲ هجری در قریه بُست از قریه های خراسان تولد گردید، و در سال ۳۸۸ هجری در بُست وفات نمود، دارای تالیفات زیاد است، از جمله: معالم السنن، شرح علی سنن أبي داود، بسط مذاهب العلماء واختلافهم، غریب الحدیث، شرح أسماء الله الحسنى، الغنیة عن الکلام وأهله، العزلة وغیره. تاج الدین عبد الوهاب بن تقي الدين السبكي (المتوفى: ۷۷۱هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، المحقق: محمود محمد الطناحي د. عبد الفتاح محمد الحلو، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۳هـ، ج ۳ ص ۲۸۲ - ۲۸۳.

<sup>۲</sup> - حمد بن محمد بن إبراهيم بن الخطاب، أبو سليمان البستي المعروف بالخطابي (المتوفى: ۳۸۸هـ)، معالم السنن، الناشر: المطبعة العلمية - حلب، الطبعة: الأولى ۱۳۵۱ هـ - ۱۹۳۲ م، ج ۴ ص ۳۳۶.

<sup>۳</sup> - صحيح مسلم، رقم الحديث ۲۲۵.

<sup>۴</sup> - المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ج ۲ ص ۱۶۴.

ترجمه: این حدیث دلیل است بر اینکه هر شخص که قصد گرفتن مال غیر را بناحق می کند، قصد کننده خونس هدر و مباح می گردد و اگر کشته شود در آتش دوزخ است، ولی اگر شخص که به دفاع از مالش برخاسته، کشته شود، پس او شهید است.

شهادت بسبب دفاع از دین، نفس، اهل و مال از جمله شهداء آخرت است، طور که در حدیث شریف آمده است: عن مزارق - رضي الله عنه - قال: «جاء رجل إلى النبي - صلى الله عليه وسلم - فقال الرجل يأتيني فِيرِيدُ مَالِي قَالَ دَكَّرَهُ بِاللَّهِ قَالَ فَإِنْ لَمْ يَذْكُرْ قَالَ فَاسْتَعِنَ عَلَيْهِ مِنْ حَوْلِكَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ قَالَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ حَوْلِي أَحَدٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ قَالَ فَاسْتَعِنَ عَلَيْهِ بِالسُّلْطَانِ قَالَ فَإِنْ نَأَى السُّلْطَانُ عَنِّي قَالَ فَاتِلْ دُونَ مَالِكَ حَتَّى تَكُونَ مِنْ شُهَدَاءِ الْآخِرَةِ أَوْ تَمْنَعَ مَالَكَ» (۱).

ترجمه: از مزارق رضی الله عنه روایت است، که فرمود: شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و عرض کرد: اگر کسی قصد مال ام را کرد، با او چه کنم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: او را به یاد الله متعال بیانداز. آن شخص گفت: اگر نپذیرفت؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: از مسلمانانی که آنجا هستند، کمک بخواه. آن شخص گفت: اگر در اطراف من مسلمانی نباشد؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: از حکومت کمک بخواه. گفت: اگر حکومت از من دور بود و من نیاز به کمک فوری داشتم، چه کنم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: برای دفاع از مال ات بجنگ تا از شهیدان آخرت شوی یا مال ات را از دست دشمن نجات دهی.

در این حدیث مشخص گردیده است، شخص که به دفاع از مال خود می پردازد، سپس کشته می شود، از شهیدان آخرت محسوب می گردد.

از همین جهت صنعانی رحمه الله می فرماید: (من جاءه مال به غیر حق فدافعه حتی قتل فله حکم الشهداء فی الآخرة فی الإثابة) (۲).

۱ - أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، أبو عبد الرحمن النسائي (المتوفى: ۳۰۳هـ)، السنن الصغرى للنسائي، تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة، الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶، رقم الحديث ۴۰۸۱. ألبانی رحمه الله می گوید: این حدیث حسن و صحیح است. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، صحیح و ضعیف سنن النسائي، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، رقم الحديث ۴۰۸۱.س

۲ - التَّنْوِيرُ شَرْحُ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ، ج ۱۰ ص ۳۴۴.

ترجمه: شخص که آمد تا مال شخص دیگر را بناحق بگیرد، سپس صاحب مال از مالش دفاع نمود، تا اینکه کشته شد، برای این شخص حکم شهداء آخرت در ثواب است.

خلاصه مشخص گردید که از اسباب شهادت، شهادت بسبب دفاع از دین، نفس، اهل و مال است، که مختصرًا با استناد از احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان گردیده و هم واضح شد که این گونه شهادت از جمله شهداء آخرت محسوب می گردد.

### مطلب یازدهم: شهادت بسبب مرض «سِل»

یکی دیگر از اسباب شهادت، شهادت بسبب مرض سِل است، در این مطلب نخست سِل را تعریف نموده، سپس شهادت بسبب سِل را تذکر می دهیم:

#### الف: تعریف سِل

سِل در لغت: سِل با کسر حرف «س» و ضم آن، زخمی است که در گرده و یا سینه بوجود می آید، یا سرفه دوامدار است که همایش تب نیز وجود دارد.<sup>(۱)</sup>

سِل در اصطلاح: معنای اصطلاحی سِل از معنای لغوی آن بیرون نیست، یعنی شخص که بسبب مرض سِل از بین برود.

#### ب: سِل یکی از اسباب شهادت است

در حدیث شریف آمده است: «الَّذِي يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالسُّلُّ شَهَادَةٌ».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: کشته شدن در راه الله متعال شهادت است. و مردن در اثر بیماری سل، شهادت محسوب می شود. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث بوضوح معلوم گردیده است، که سِل یکی از اسباب شهادت است.

۱ - محمد بن یعقوب، مجد الدین أبو طاهر الفیروزآبادی (المتوفی: ۸۱۷هـ)، القاموس المحیط، الناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت - لبنان، الطبعة: الثامنة، ۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م، ص ۱۳۱۲.

۲ - سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی، أبو القاسم الطبرانی (المتوفی: ۳۶۰هـ)، المعجم الكبير، المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة: الثانية، رقم الحديث ۶۱۱۵. ألبانی رحمه الله این حدیث را حسن می داند. محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتی بن آدم، أبو عبد الرحمن الأشقودري الألباني (المتوفی: ۱۴۲۰هـ)، أحكام الجنائز، الناشر: المكتب الإسلامي، الطبعة: الرابعة، ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م، ص ۴۰.

## مطلب دوازدهم: شهادت بسبب افتیدن از کوه و یا به سبب خوردن حیوانات درنده

یکی دیگر از اسباب شهادت، شهادت بسبب افتیدن از کوه و یا خوردن حیوانات درنده است، طور که در حدیث شریف آمده است: **عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: «إِنَّ مِمَّنْ يَغْرَقُ فِي الْبُحُورِ وَيَتَرَدَّى مِنَ الْجِبَالِ وَتَأْكُلُهُ السِّبَاغُ لَشُهَدَاءَ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».**<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است، که فرمود: از جمله اشخاص که در دریاها غرق می گردند، یا از کوه ها می افتند و یا حیوانات درنده می خورند، هر آینه آنها نزد الله متعال در روز قیامت شهداء هستند.

در این حدیث مشخص گردیده است، که از جمله شهداء اشخاص هستند که از کوه ها می افتند و یا حیوانات درنده می خورند، پس آنها از جمله شهداء آخرت محسوب گردیده و نزد الله متعال در روز قیامت شهید هستند.

---

<sup>۱</sup> - عبد الله بن محمد بن أبي شيبة، أبو بكر العباسي الكوفي (١٥٩ - ٢٣٥ هـ)، المصنف، المحقق: كمال يوسف الحوت، الناشر: مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٠٩ هـ، رقم الحديث ١٩٤٧٧. هيئتي رحمه الله مي گوید: رجال این حدیث صحیح است. أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيئمي (المتوفى: ٨٠٧ هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، المحقق: حسام الدين القدسي، الناشر: مكتبة القدسي، القاهرة، عام النشر: ١٤١٤ هـ، ١٩٩٤ م، رقم الحديث ٩٥٦٠.



## مبحث دوم

### آرزوی شهادت و موانع قبولیت آن

در این مبحث مطالب ذیل بحث می گردد:

مطلب اول: آرزوی شهادت و طلب آن

مطلب دوم: شرایط آرزوی شهادت و مرگ

مطلب سوم: موانع قبولیت شهادت

#### مطلب اول: آرزوی شهادت و طلب آن

مرگ یک امری است، که خلاصی از آن برای بشریت ممکن نیست، پس مهلت ها برای مرگ محدود و نفس ها محدود اند، بنابراین، مرگ در راه الله متعال آرزوی هر مسلمان است، که الله متعال بمثل این مرگ شریف نصیبش گرداند، تا به منازل شهداء نایل گردد، از همین جهت نصوص شرعی و آثار زیاد وجود دارند، که جایگاه و مقام آرزو و تمنای مرگ در راه الله متعال را ثابت می گرداند، از جمله:

۱- الله متعال می فرماید: **{وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ}**.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: و شما تمنای مرگ (و شهادت در راه الله) را پیش از آنکه با آن روبرو شوید می کردید سپس آن را با چشم خود دیدید در حالی که به آن نگاه می کردید (و حاضر نبودید به آن تن در دهید، چقدر میان گفتار و کردار شما فاصله است).

منظور از آرزوی مرگ در این آیه، آرزوی سبب شهادت و یا شهادت است، طور که بیضاوی رحمه الله می نویسد: **{وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ أَيَّ الْحَرْبِ فَإِنَّهَا مِنْ أَسْبَابِ الْمَوْتِ، أَوِ الْمَوْتَ بِالشَّهَادَةِ}**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: و شما تمنای مرگ را، یعنی جنگ را که از اسباب شهادت است، یا مرگ بوسیله شهادت را می کنید.

الله متعال برای انسان ها آرزوی مرگ را تثبیت و تأکید نموده است، با کلمه

۱- {آل عمران، آیه ۱۴۳}.

۲- أنوار التنزیل وأسرار التأویل، ج ۲ ص ۴۰.

« وَلَقَدْ » و این آرزوی مرگ را از انسان ها منع و انکار نکرده است.

۲- در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَوْلَا أَنَّ رَجَالًا يَكْرَهُونَ أَنْ يَتَخَلَّفُوا بَعْدِي، وَلَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُهُمْ، مَا تَخَلَّفْتُ، لَوِدِدْتُ أَبِي أُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ، ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ، ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ.» (۱)

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است، که فرمود: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: سوگند به الله که جان من در دست او است اگر افرادی از مؤمنان که جدا شدن از من را دوست ندارند و من توان آمادگی و تجهیز آنان را ندارم، نمی بودند، من از هیچ دسته ای که در راه الله جهاد کند، باز نمی مانم. هر آینه دوست دارم که در راه الله کشته شوم، آنگاه دوباره زنده شوم، باز کشته شوم و تا چندین بار.

در این حدیث مشخص شد که پیامبر صلی الله علیه وسلم آرزو و تمنای بار بار شهادت را نموده است، از همین جهت آرزوی شهادت از جمله امرهای خیر است، طور که ابن حجر رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (تَمَنَّى الشَّهَادَةَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ جُمْلَةِ الْخَيْرِ). (۲)

ترجمه: آرزو و تمنای شهادت در راه الله متعال از جمله خیر است.

۳- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ طَلَبَ الشَّهَادَةَ صَادِقًا، أُعْطِيَهَا، وَلَوْ لَمْ تُصِبْهُ.» (۳)

ترجمه: از انس رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آنکه صادقانه شهادت را طلبد، ثوابش بوی داده شود، هر چند به آن نرسد. در این حدیث مشخص شده است، هر شخص که شهادت را صادقانه طلب می کند، ثواب شهادت به وی داده می شود، ولو که به شهادت هم نرسد، این بیان گر اهمیت و مقام آرزو و طلب نمودن شهادت است.

۴- همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنْ سَهْلِ بْنِ حُنَيْفٍ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ، بَلَغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ، وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ.» (۴)

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۷۲۲۶.

۲ - فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱۳ ص ۲۱۸.

۳ - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۹۰۸.

۴ - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۹۰۹.

ترجمه: از سهل بن حنیف رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آنکه صادقانه از خداوند تعالی شهادت طلبد، خداوند او را بمراتب شهادت می‌رساند هر چند بر بالینش بمیرد.

امام نووی رحمه الله در شرح این حدیث می‌نویسد: (وَفِيهِ اسْتِحْبَابُ سُؤَالِ الشَّهَادَةِ وَاسْتِحْبَابُ نِيَّةِ الْخَيْرِ).<sup>(۱)</sup>

در این حدیث مستحب بودن طلب شهادت و مستحب بودن نیت خیر دلالت می‌کند.

خلاصه: آرزو و طلب شهادت یکی از امرهای نیک، مستحب و خوبی است، که قرآن کریم و احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را تأیید نموده است، بنابراین، شخص مسلمان می‌تواند هر وقت آرزوی شهادت را از الله متعال متمنی گردد، تا مرگ با عزت و شرف نصیبش گردد.

### مطلب دوم: شرایط آرزوی شهادت و مرگ

آرزوی شهادت یک امر مستحسن و نیک است، ولی این آرزو دارای سلسله شرایط است، که قرار ذیل اند:

۱- آرزو و طلب شهادت بخاطر اضرار دنیوی نباشد، در صورتی که آرزوی مرگ بخاطر نجات از ضررهای دنیوی باشد، در این صورت آرزوی مرگ و شهادت مکروه است، طور که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَتَمَنَّيَنَّ أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ لِضُرِّ نَزَلَ بِهِ، فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ مُتَمَنَّيًّا فَلْيُقُلْ: اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا كَانَتْ الْحَيَاةُ خَيْرًا لِي، وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: انس رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هرگز یکی از شما به خاطر مصیبتی که به او رسیده؛ آرزوی مرگ نکند، اگر مجبور شد بگوید: الهی! تا زندگی برایم بهتر است مرا زنده بدار و هرگاه مرگ برایم بهتر است؛ مرا بمیران.

ابن حجر رحمه الله در شرح این حدیث می‌نویسد: («من ضر أصابه» حمله جماعة من السلف على الضرر الدنيوي، فإن وجد الضرَّ الأخرى بأن خشي فتنة في دينه لم

۱ - المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ج ۱۳ ص ۵۵.

۲ - صحيح البخاری، رقم الحديث ۲۶۸۰.

يدخل في النهي).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از جهت ضرر که به او رسیده است، این مطلب را جماعت از علماء سلف بر ضرر دنیوی حمل کرده اند، در صورت که ضرر اخروی باشد، بشکل که از فتنه در مورد دینش می ترسد، در نهی داخل نیست.

۲- طلب و آرزوی شهادت همراه با لقای دشمن نباشد، یعنی نباید در آرزو و طلب شهادت خود، ملاقات و رو برو شدن دشمن را آرزو نماید، طور که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَمَنَّوْا لِقَاءَ الْعَدُوِّ، فَإِذَا لَقَيْتُمُوهُمْ فَاصْبِرُوا».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از ابو هریره رضي الله عنه روایت است که: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: رو برو شدن با دشمن را آرزو نکنید و چون با آنها رو برو شدید، شکیبائی کنید.

آرزوی رویارویی با دشمن را مکنید که مبادا به فتنه افتید و غرور سبب سرشکستگی شما شود، ولی هرگاه با اراده حق با دشمن رو برو شوید، مگر همدیگر را به صبر و استقامت توصیه کنید، زیرا با ابتلائی الهی او شما را نصرت و یاری ارزانی خواهد نمود.

۳- تمنا و آرزوی شهادت در راه الله متعال از آن جهت نباشد تا این شخص کشته شود و بمیرد، بلکه منظور کسب و بدست آوردن منزلت و مقام شهادت باشد، پس امری نیک است که یک شخص مسلمان آرزو و طلب شهادت را نماید تا این آرزو سبب رسیدن به منازل شهداء گردد، در صورت که آرزوی کشته شدن و مرگش باشد، در این صورت این آرزو و طلب یک نوع گناه محسوب می گردد.<sup>(۳)</sup>

خلاصه شرایط آرزو و طلب شهادت عبارت از آرزو و طلب شهادت بخاطر اضرار دنیوی نباشد، طلب و آرزوی شهادت همراه با لقای دشمن نباشد و تمنا و آرزوی شهادت در راه الله متعال از آن جهت نباشد تا این شخص کشته شود و بمیرد، بلکه منظور کسب و بدست آوردن منزلت و مقام شهادت باشد، که مختصراً تذکر رفتند.

۱ - فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱۰ ص ۱۳۳.

۲ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۷۴۱.

۳ - فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۶ ص ۱۳.

## مطلب سوم: موانع قبولیت شهادت

در این مطلب موانع شهادت تذکر می رود و این موانع خاص به شهداء آخرت مربوط اند، مراد از این موانع آن است که در صورت موجود شدن، صاحب شهادت را از حصول اجر و ثواب اخروی که بر شهادت مرتب می گردد، محروم می گردانند، تفصیل این موانع قرار ذیل اند:

### الف: غلول

نخست غلول را تعریف نموده، سپس حکم آن را بیان می نمایم:

#### اول: تعریف غلول:

غلول مصدر است از (غَلَّ يَغْلُ غَلًّا) در لغت: به معنای خیانت کردن و مخفی کردن چیزی که دوباره به مال شراکت برگردانده نشود.<sup>(۱)</sup>

غلول در اصطلاح: امام قرطبی رحمه الله غلول را چنین تعریف نموده است: (أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الْمَعْنَمِ شَيْئًا يَسْتُرُهُ عَنِ أَصْحَابِهِ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: غلول عبارت از اینکه شخص از غنیمت گاه چیزی را بگیرد و آن را از یارانش پنهان نماید.

پس غلول در لغت عام است، شامل هر نوع خیانت می گردد، ولی در اصطلاح خاص است، صرف خیانت در غنیمت را در بر می گیرد.

#### دوم: غلول مانع قبولیت شهادت می گردد

یکی از موانع شهادت، غلول است، زیرا در این مورد احادیث شریف وجود دارد، که نشان می دهد، غلول مانع شهادت می گردد، از جمله:

- ۱- عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ، قَالَ: لَمَّا كَانَ يَوْمَ حَيْبَرَ، أَقْبَلَ نَفَرٌ مِنْ صَحَابَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالُوا: فُلَانٌ شَهِيدٌ، فُلَانٌ شَهِيدٌ، حَتَّى مَرُّوا عَلَى رَجُلٍ، فَقَالُوا: فُلَانٌ شَهِيدٌ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كَلَّا، إِنِّي رَأَيْتُهُ فِي النَّارِ فِي بُرْدَةٍ غَلَّهَا - أَوْ عَبَاءَةٍ».<sup>(۲)</sup>

۱ - القاموس المحيط، ص ۱۳۴۳.

۲ - الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبی، ج ۴ ص ۲۵۶.

۳ - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۱۴.

ترجمه: عمر بن الخطاب رضي الله عنه مي گويد: در روز خيبر عده اي از اصحاب پيامبر صلي الله عليه وسلم آمده گفتند: فلاني شهيد است و فلاني شهيد است و سپس گفتند فلاني شهيد است. پيامبر صلي الله عليه وسلم فرمودند: هر گز نه، يقين من ديدم او را در آتش بخاطر برده (كرتى) را دزديده بود يا عبائى (بالا پوش).

امام نووى رحمه الله در شرح اين حديث مى نويسد: (أَمَّا أَحْكَامُ الْحَدِيثَيْنِ... وَمِنْهَا أَنَّ الْغُلُولَ يَمْنَعُ مِنْ إِطْلَاقِ اسْمِ الشَّهَادَةِ عَلَى مَنْ غَلَّ إِذَا قُتِلَ).<sup>۱</sup>

ترجمه: اما احكام احاديث: از جمله غلول از اطلاق كردن اسم شهادت بر شخص غلول وقت كه كشته شود، ممانعت مى كند.

۲- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: خَرَجْنَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى خَيْبَرَ، فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْنَا فَلَمْ نَعْنَمْ ذَهَبًا وَلَا وَرَقًا، غَنِمْنَا الْمَتَاعَ وَالطَّعَامَ وَالنِّيَابَ، ثُمَّ انْطَلَقْنَا إِلَى الْوَادِي، وَمَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَبْدٌ لَهُ، وَهَبَهُ لَهُ رَجُلٌ مِنْ جُدَامٍ يُدْعَى رِفَاعَةَ بْنِ زَيْدٍ مِنْ بَنِي الضُّبَيْبِ، فَلَمَّا نَزَلْنَا الْوَادِي، قَامَ عَبْدُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَحُلُّ رَحْلَهُ، فَرُمِيَ بِسَهْمٍ، فَكَانَ فِيهِ حَنْفُهُ، فُقُلْنَا: هَنِيئًا لَهُ الشَّهَادَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كَلَّا وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، إِنَّ الشِّمْلَةَ لَتَنْتَهَبُ عَلَيْهِ نَارًا أَحَدَهَا مِنَ الْعَنَائِمِ يَوْمَ خَيْبَرَ لَمْ تُصِبْهَا الْمَقَاسِمُ»، قَالَ: فَفَزِعَ النَّاسُ، فَجَاءَ رَجُلٌ بِشِرَاكٍ أَوْ شِرَاكَيْنِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَصَبْتُ يَوْمَ خَيْبَرَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «شِرَاكٌ مِنْ نَارٍ أَوْ شِرَاكَانِ مِنْ نَارٍ». <sup>۲</sup>

ترجمه: از ابو هريره رضى الله عنه است، كه فرمود: به همراه پيامبر صلى الله عليه وسلم براى فتح خيبر خارج شديم، سپس الله متعال خيبر را براى ما فتح نمود، ما طلا و نقره را به غنيمت نگرفتيم، بلكه گاو و شتر و اناثيه و زمين و باغ را به غنيمت گرفتيم، سپس همراه پيامبر صلى الله عليه وسلم به سوى (وادي القرى) برگشتيم، غلامى كه او را (مدعم) مى گفتند و يكنفر از طايفه بنى ضباب او را به پيامبر - صلى الله عليه وسلم - بخشيده بود همراه پيامبر - صلى الله عليه وسلم - بود. هنگاميكه اين غلامى وسايل پيامبر - صلى الله عليه وسلم - را (از روى شترش) پايين مى آورد، تيرى كه معلوم نبود به وسيله چه كسى پرتاب شده است به او اصابت كرد (و او را كشت) فوراً مردم گفتند خوشا به حالش، شهادت بر او مبارك باد، پيامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمود:

۱ - المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ج ۲ ص ۱۳۰.

۲ - صحيح مسلم، رقم الحديث ۱۱۵.

بلی، قسم به کسی که جان من در دست او است، عبايي را که در روز خيبر به دست آورده بود، از طرف مسؤول تقسیم غنایم به او نرسیده بود و این عبا به صورت آتش در تنش شعله ور می شود. مردی که این گفته پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را شنید فوراً يك يا دو بند کفش را آورد و گفت: این چیزی است که من آن را برداشته ام، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: (غلول کردن) با يك بند يا دو بند کفش نیز موجب آتش دوزخ است. (غلول ذاتاً صفتی است ناپسند و موجب ناخشنودی الله و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می باشد و فرقی نمی کند چیزی که به عنوان غلول برداشته می شود زیاد باشد یا کم چون غلول هرچه باشد غلول است).  
در این حدیث هم مشخص گردید که غلول از اسباب مانع قبولیت شهادت است، حتی اگر به اندازه یک بند يا دو بند کفش هم باشد.

خلاصه نظر به این دو حدیث فوق و احادیث دیگری که در این مورد وجود دارد، معلوم می گردد که غلول مانع قبولیت شهادت می گردد، بنابراین، شخص مجاهد نباید در جریان جهاد و مبارزه اش غلول نماید، تا مبدا از نعمت شهادت محروم گردد.

## ب: دین (قرض)

یکی دیگر از موانع قبولیت شهادت در آخرت، دین و قرض است، بنابراین، دین را نخست تعریف نموده، سپس حکم آن را که مانع قبولیت شهادت می گردد، بیان می نمایم:

### اول: تعریف دین

دین مفرد است و جمع آن دیون می باشد، در لغت: به معنای قرض و هر چیزی که غیر از حاضر است.<sup>(۱)</sup>  
دین در اصطلاح: ابن العربی رحمه الله، دین را چنین تعریف نموده است: (أن تعطي إنساناً شيئاً بعينه من مالك تدفعه إليه، ليرد عليك مثله، إما حالا في ذمته، وإما إلى أجل مسمى).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: دین عبارت از پولی مشخص است که به یک انسان داده می شود، تا مثل همان پول را یا فوراً یا در مدت معینی به شما برگرداند.

۱ - لسان العرب، ج ۱۳ ص ۱۶۷.

۲ - أحكام القرآن لابن العربي، ج ۱ ص ۳۲۷.

## دوم: دین مانع قبولیت شهادت می گردد

در نصوص شریعت راجع به دین و تشویق به پرداخت آن، تشدید آمده است، از جمله:

۱- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ «يُغْفَرُ لِلشَّهِيدِ كُلُّ ذَنْبٍ إِلَّا الدَّيْنَ» (۱).

ترجمه: از عبد الله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: الله متعال همهء گناهان شهید را می آمرزد، جز قرض.

امام نووی رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (فَفِيهِ تَنْبِيْهُ عَلَى جَمِيعِ حُقُوْقِ الْأَدْمِيِّينَ وَأَنَّ الْجِهَادَ وَالشَّهَادَةَ وَغَيْرَهُمَا مِنْ أَعْمَالِ الْبِرِّ لَا يُكْفَرُ حُقُوْقَ الْأَدْمِيِّينَ) (۲).

ترجمه: در این حدیث سرزنش و تنبیه برای پرداخت تمام حقوق انسانها است، و اینکه جهاد و شهادت و غیره از اعمال نیک، حقوق انسانها را بخشیده نمی توانند.

۲- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَحْشٍ قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ... فَقَالَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ أُحْيِيَ، ثُمَّ قُتِلَ ثُمَّ أُحْيِيَ، ثُمَّ قُتِلَ وَعَلَيْهِ دَيْنٌ، مَا دَخَلَ الْجَنَّةَ حَتَّى يُقْضَى عَنْهُ دَيْنُهُ» (۳).

ترجمه: از محمد بن جحش رضی الله عنه روایت است، که فرمود: نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم، پیامبر صلی الله علیه وسلم سرش را بسوی آسمان بلند نمود، و فرمود: سوگند بکسی که جان من بدست او است، اگر کسی در راه الله بشهادت برسد، سپس زنده شود و دوباره در راه الله بشهادت برسد سپس زنده شود و دوباره در راه الله کشته شود، ولی بربالایش دین باشد، داخل بهشت نمی شود، تا وقت که این دین او پرداخت گردد.

در این حدیث هم مشخص گردید که مانع رفتن شهید به جنت، دین می گردد، پس وقت که شهید به جنت نرود، به این معنا است که از امتیاز مقام و منزلت شهادت برخوردار نیست، تا وقت که دین او پرداخت گردد.

این احادیث شریف مطلق نیستند، بلکه مقید هستند، یعنی این وعید به اشخاص متوجه است که تصمیم به پرداخت دیونش نداشت، ولی در صورت که شخص شهید قبل از شهادت تصمیم به

۱ - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۸۸۶.

۲ - المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ج ۱۳ ص ۲۹.

۳ - السنن الصغری للنسائی، رقم الحدیث ۴۶۸۴. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث حسن است. صحیح وضعیف سنن النسائی، رقم الحدیث ۴۶۸۴.



پرداخت دیونش را داشت، ولی توانایی پرداخت برایش مساعد نگردید، در این صورت الله متعال تمام گناهان او را حتی دینش را می بخشد، طور که در حدیث شریف آمده است: عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: أَرَأَيْتَ إِنْ جَاهَدْتُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِنَفْسِي وَمَالِي حَتَّى أَقْتَلَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ، أَدْخُلُ الْجَنَّةَ؟ قَالَ: " نَعَمْ "، فَلَمَّا وُلِيَ دَعَاهُ، فَقَالَ: «إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَلَيْكَ دَيْنٌ، لَيْسَ لَهُ عِنْدَكَ وَقَاءٌ».<sup>۱</sup>

ترجمه: از جابر رضی الله عنه روایت است، که فرمود: یک شخص نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمده و گفت: خبر بده! اگر با نفس و مال خود در راه الله متعال جهاد کنم، تا اینکه در حالت صبر و طلب ثواب، پیش روی کنم بدون اینکه پشت بگردانم، کشته شوم، آیا داخل جنت می شوم؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: بلی. وقت که آن شخص پشت خود را گردانید، پیامبر صلی الله علیه و سلم او را فرا خواند، سپس گفت: مگر در صورتی که بر بالای تو دین باشد، که نزد تو وفای آن وجود نداشته باشد.

در این حدیث دیده شد، نزد شخص که وفای دین وجود داشته باشد، الله متعال گناهان او را می بخشد، گرچند بر بالایش دین باشد.

خلاصه دین یکی از موانع ثواب و مقام شهادت از جمله مانع رفتن شهید به جنت می گردد، در صورتی که نزد شخص شهید قبل از شهادت، اراده ادای آن وجود نداشته باشد، در صورتی که اراده ادای آن وجود داشته باشد، ولی برایش پول مساعد نگردید تا آن را اداء کند، الله متعال دین او را هم می بخشد.

## ج: عدم اجازه والدین

مراد و مقصود در اینجا، عدم اجازه والدین است که مانع از قبولیت شهادت می گردد، یعنی منظور عدم اجازه والدین است نه حقوق والدین، زیرا حقوق عام است در معصیت والدین و مخالفت شان، اما عدم اجازه والدین خاص در معصیت و نافرمانی شان از خروج برای جهاد است، مناسب است تا در اینجا تذکر داده شود، در صورتی که جهاد فرض عین است، برای شخص جایز است تا بدون اجازه والدین برای جهاد خارج گردد، زیرا طاعت برای مخلوق جایز نیست در جای که نافرمانی خالق می گردد، ولی اجازه والدین

<sup>۱</sup> - مسند الإمام أحمد بن حنبل، رقم الحديث ۱۴۷۹۶. ساعاتی رحمه الله می گوید: سند این حدیث نزد امام احمد رحمه الله مشکل ندارد. أحمد بن عبد الرحمن بن محمد البنا الساعاتي (المتوفى: ۱۳۷۸ هـ)، الفتح الرباني لترتيب مسند الإمام أحمد بن حنبل الشيباني، الناشر: دار إحياء التراث العربي، الطبعة: الثانية، ج ۱۴ ص ۳۲.

لازم است در صورت که جهاد فرض کفایه باشد، زیرا خدمت و نیکی با والدین فرض عین است، بنابراین، فرض عین بر فرض کفایه مقدم است.<sup>(۱)</sup>

احادیث زیاد وجود دارد که بر گرفتن اجازه والدین در وقت خروج به جهاد امر می کنند، از جمله:

۱- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَاسْتَأْذَنَهُ فِي الْجِهَادِ، فَقَالَ: «أَحْيِي وَالِدَاكَ»؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: «فَفِيهِمَا فَجَاهِدْ».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما مي گوید: مردی نزد نبي اکرم - صلى الله عليه وسلم - آمد و از او اجازه خواست تا به جهاد برود. پیامبر - صلى الله عليه وسلم - پرسید: آیا پدر و مادرت، زنده اند؟ گفت: بلی. رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: جهاد تو، خدمت به آنهاست.

در این حدیث واضح شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم خدمت والدین را جهاد خوانده است و برای آن شخص اجازه نداد که در جهاد بیرون شود، بلکه دستور به خدمت کردن والدینش داد.

۲- عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ : أَنَّ رَجُلًا هَاجَرَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مِنَ الْيَمَنِ فَقَالَ : « هَلْ لَكَ أَحَدٌ بِالْيَمَنِ ». قَالَ : أَبَوَايَ . قَالَ : « أَذْنَا لَكَ ». قَالَ : لَا . قَالَ : « ارْجِعْ إِلَيْهِمَا فَاسْتَأْذِنْهُمَا فَإِنِ أَدْنَا لَكَ فَجَاهِدْ وَإِلَّا فَبِرَّهُمَا ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: از ابوسعید خدری رضي الله عنه روایت است، که یک مرد از یمن بطرف رسول الله عليه صلى الله عليه وسلم هجرت کرد، پیامبر صلى الله عليه وسلم برایش گفت: آیا برای تو در یمن کدام شخص است؟ آن مرد گفت: والدین من است. پیامبر صلى الله عليه وسلم گفت: آیا آنها برای تو اجازه داده است؟ آن مرد گفت: نخیر. پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمود: بطرف آنها برگرد، از آنها اجازه بخواه! در صورت که آنها برایت اجازه دادند، پس جهاد کن، وگرنه نیکی به آنها کن.

در این حدیث هم معلوم گردید که پیامبر صلى الله عليه وسلم رفتن به جهاد را موقوف به اجازه والدین نموده است، در صورت که والدین اجازه نمی دهد، باید اولاد نیکی و خدمت آنها را انجام دهد و این خدمت همان جهاد است.

۱ - محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: ٤٨٣هـ)، شرح السير الكبير، الناشر: الشركة الشرقية للإعلانات، ١٩٧١م، ج ١ ص ١٩٤.

۲ - صحيح البخارى، رقم الحديث ٣٠٠٤.

۳ - سنن أبي داود، رقم الحديث ٢٥٣٢. ألبانى رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث ٢٥٣٢.

خلاصه: امام شوکانی رحمه الله بعد از نقل احادیث در این مورد می فرماید: (فِيهِ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّهُ يَجِبُ اسْتِئْذَانُ الْأَبْوَيْنِ فِي الْجِهَادِ، وَبِذَلِكَ قَالَ الْجُمْهُورُ، وَجَزَمُوا بِتَحْرِيمِ الْجِهَادِ إِذَا مَنَعَ مِنْهُ الْأَبْوَانُ أَوْ أَحَدُهُمَا، لِأَنَّ بَرَّهُمَا فَرَضٌ عَيْنٍ وَالْجِهَادُ فَرَضٌ كِفَايَةٍ، فَإِذَا تَعَيَّنَ الْجِهَادُ فَلَا إِذْنَ).<sup>۱</sup>

در این حدیث دلیل است، بر اینکه اجازه والدین در جهاد واجب است، این قول جمهور است، و جمهور علماء بر تحریم جهاد جزم و یقین نموده اند، وقت که والدین یا یکی از آنها از رفتن به جهاد منع نمایند، زیرا نیکی با والدین فرض عینی است و جهاد فرض کفایی، ولی وقت که جهاد فرض عینی گردید، پس اجازه آنها فرض نیست.

### د: معصیت و گناه

یکی از موانع قبولیت شهادت، معصیت و گناه است و مراد از این مانع، اینکه شهادت بسبب یک حرام، یا در حالت ارتکاب معصیت صورت گیرد، علماء در مورد شخص که بسبب از اسباب شهادت کشته شده است، در حال که ملبس و مباشر با لباس معصیت و گناه بوده است، اختلاف نموده اند، که آیا شهادت اخروی این شخص صحیح می گردد و یا خیر؟ یا اینکه معصیت بین شخص و بین رسیدن به منزلت و مقام شهادت مانع قرار گرفته است؟ مثلاً در صورت که شخص بر اسب غصب شده جهاد نمود، سپس کشته شد، یا شخص عاصی و نافرمان که در کشتی شراب و خمر را حمل کرده بود، کشتی غرق شد، یا شخص که در حالت راه زنی غرق شد، یا مردم که در حالت معصیت و گناه، زیر آواره شدند، یا شخص که در حالت نشه و یا بسبب نشه و سکر غرق شد و غیره، در این مورد میان علماء چند قول وجود دارد، که تفصیل شان قرار ذیل است:

**قول اول:** برای این شخص درجه شهادت حاصل نمی گردد، ابن حجر رحمه الله این قول را نقل نموده، ولی به شخص نسبت نداده است.<sup>۲</sup>

دلایل این قول قرار ذیل اند:

۱- الله متعال می فرماید: {أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ}.<sup>۳</sup>

۱- نیل الأوطار، ج ۷ ص ۲۶۱.

۲- أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، بذل الماعون، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ۱۳۷۹، ص ۱۴۵.

۳- {الجاثية، آية ۲۱}.

ترجمه: آیا کسانی که مرتکب سیئات شدند گمان کردند که ما آنها را همچون کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند قرار می دهیم که حیات و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می کنند.

این آیه مشخص ساخته است، شخص که بسبب از اسباب شهادت می میرد، در حال که با گناه و معصیت پوشیده شده بود، مانند شخص که ایمان و عمل صالحه داشت در منزلت و مقام برابر نیست، یعنی معصیت و گناه او را از درجه شهادت محروم گردانیده است.<sup>(۱)</sup>

۲- در حدیث شریف آمده است: «إِنَّ الْجَنَّةَ لَا تَحِلُّ لِعَاصٍ، إِنَّ الْجَنَّةَ لَا تَحِلُّ لِعَاصٍ». ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.<sup>(۲)</sup>  
ترجمه: جنت برای عاصی و گنهگار حلال نیست، جنت برای عاصی و گنهگار حلال نیست، پیامبر صلی الله علیه وسلم سه بار تکرار نمود.

در این حدیث واضح شده که جنت برای شخص گنهگار و عاصی حلال نیست، پس شخص که بسبب از اسباب شهادت کشته شده است، در حال که ملبس به لباس معصیت و گناه است، جنت برایش حلال نمی گردد.

۳- همچنان در حدیث شریف آمده است: وقت که رسول الله صلی الله علیه وسلم بطرف تبوک خارج می گردید، فرمود: همراه من جز شخص قوی خارج نگردد، پس مردی که دانه سختی در پشت پای خود داشت نیز برای جنگ تبوک برآمد، سپس آن دانه را برید و به اثر آن مرد، مردم گفتند: شهید است شهید است، رسول الله صلی الله علیه وسلم بلال رضی الله عنه را امر کرد، تا مردم را صدا کند: «أَنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَفْسٌ مُؤْمِنَةٌ، وَلَا يَدْخُلُهَا عَاصٍ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: در جنت جز نفس مؤمنه داخل نمی گردد و در جنت شخص گنهگار و عاصی داخل نمی گردد.

در این حدیث واضح گردیده است، آن شخص که نافرمانی از امر پیامبر صلی الله علیه وسلم نمود و در حال که مریض بود، برای جنگ تبوک بر آمد، سپس در این راه مرد، پیامبر صلی الله علیه وسلم از اطلاق کردن نام شهید بر بالای آن منع نمود، زیرا آن شخص از امر پیامبر صلی الله علیه وسلم

۱ - بذل الماعون، ص ۱۴۵.

۲ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، رقم الحدیث ۲۲۳۶۴. هیثمی رحمه الله این حدیث را صحیح می داند. مجمع الزوائد، ج ۳ ص ۴۱.

۳ - سعید بن منصور بن شعبه، أبو عثمان الخراسانی الجوزجانی (المتوفی: ۲۲۷هـ)، سنن سعید بن منصور، المحقق: حبيب الرحمن الأعظمي، الناشر: الدار السلفية - الهند، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۲م، رقم الحدیث ۲۴۹۴. ابن حجر رحمه الله می گوید: سند این حدیث صحیح است. فتح الباری، ج ۶ ص ۱۰۶.

وسلم نافرمانی نمود، پس این نافرمانی او معصیت بود و این سبب گردید، تا آن شخص شهید محسوب نگردد، پس معصیت مانع شهادت می گردد.

**قول دوم:** برای شخص عاصی و گنکار درجه شهادت حاصل می گردد، این قول از امام سبکی رحمه الله نقل شده است.<sup>(۲)</sup>

دلیل امام سبکی رحمه الله: شارع ثواب شهادت را بر یک صفت معین مرتب نموده است، مثل شخص که در راه الله متعال کشته شده است، یا بسبب طاعون، غرق و غیره مرده است، در صورت که این صفت برای شخص مسلمان حاصل می گردد، برایش این ثواب از جانب الله متعال حاصل می گردد، بنابراین، نصوص شریعت غیر از اسلام در جمله، دیگر چیزها را در شهادت شرط نکرده است، طور که پیامبر صلی الله فرموده است: «الطَّاعُونَ شَهَادَةٌ لِكُلِّ مُسْلِمٍ».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: هر مسلمانی که در اثر بیماری طاعون بمیرد، شهید است.

در این حدیث بوضوح معلوم گردیده است که مرگ بوسیله طاعون، برای شخص مسلمان شهادت است، پس اسلام در عموم شهادت صریح است، غیر از اسلام دیگر وصف زاید نیآمده است.<sup>(۲)</sup>

**قول سوم:** در این مسئله تفصیل است، در صورت که معصیت و گناه از سبب شهادت منفک است، یعنی سبب شهادت بدور از معصیت و گناه صورت گرفته است، برای شخص شهادت حاصل گردیده است و در صورت که شهادت همراه معصیت و به سبب معصیت صورت گرفته است، برای آن شخص شهادت و منزلت آن حاصل نمی گردد، این قول از مفسر قرآن ابن العربی و محدث اسلام ابن حجر رحمهما الله می باشند.<sup>(۴)</sup>

از همین جهت ابن العربی رحمه الله یک قاعده را ذکر می کند: (الأصل في هذا أن كل من مات في سبب

۱ - علي بن عبد الكافي، أبو الحسن تقي الدين السبكي (المتوفى: ۷۵۶ هـ)، قضاء الأرب في أسئلة حلب، الناشر: المكتبة التجارية مكة المكرمة - مصطفى أحمد الباز، ۱۴۱۳ هـ، ص ۴۳۴ - ۴۳۶.

۲ - صحيح البخاري، رقم الحديث ۲۸۳۰. صحيح مسلم، رقم الحديث ۱۹۱۶.

۳ - بذل الماعون، ص ۱۴۵.

۴ - بذل الماعون، ص ۱۴۵. محمد بن عبد الله بن محمد المعافري، أبو بكر ابن العربي (المتوفى: ۵۴۳ هـ)، عارضة الأهودي بشرح صحيح الترمذي، الناشر: دار الكتب العلمية بيروت لبنان، ج ۴ ص ۲۵۵.

معصية فليس بشهيد، وإن مات في معصيته بسبب من أسباب الشهادة فله أجر شهادة، و عليه إثم معصيته<sup>(۱)</sup>.  
ترجمه: اصل و قاعده در این مورد، هر شخص بسبب معصیت بمیرد، شهید نیست، ولی در صورت که در جریان انجام معصیت، بسبب از اسباب شهادت بمیرد، برایش اجر شهید است، ولی بر بالایش گناه معصیتش می باشد.

مثال برای معصیت، که از سبب شهادت جدا است، شخص که به همراه اسب مغضوبه جهاد نماید، سپس کشته شود، برای این شخص اجر شهادت است، و مثال برای معصیت که از سبب مردن و کشته شدن جدا نیست، مثال شخص است که بسبب نوشیدن خمر و شراب به درد شکم مصاب شده و می میرد، این شخص گرچند بسبب مبطون از بین رفته است، ولی سبب اساسی نوشیدن خمر بوده است، بنابراین برایش درجه شهادت حاصل نمی گردد.<sup>(۲)</sup>

دلایل شان، رد کردن استدلال های قول اول و دوم اند، که قرار ذیل اند:

۱- این آیه کریمه که قول اول از آن استدلال نموده است: **{أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ**

**كَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءَ مَحْيَاهُمْ وَ مَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ}**.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: آیا کسانی که مرتکب سیئات شدند گمان کردند که ما آنها را همچون کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند قرار می دهیم که حیات و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می کنند.

براینکه شخص بسبب از اسباب شهادت می میرد، در حال که با گناه و معصیت پوشیده شده بود، مانند شخص که ایمان و عمل صالحه داشت در منزلت و مقام برابر نیست، دلالت نمی کند، زیرا از حصول درجه شهادت برای شخص که مرتکب سیئات شده لازم نمی آید که حتماً منزلتش برابر مؤمنی باشد که عمل صالح دارد، بخاطر که درجات شهداء متفاوت است.<sup>(۴)</sup>

طور که در حدیث شریف آمده است: **{إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مِئَةَ دَرَجَةٍ أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا**

۱ - عارضة الأحوذی بشرح صحیح الترمذی، ج ۴ ص ۲۵۵.

۲ - أحمد بن محمد بن علی بن حجر الهیثمی السعدی الأنصاری، شهاب الدین شیخ الإسلام، أبو العباس (المتوفی: ۹۷۴هـ)، الفتاوی الكبرى الفقهیة، الناشر: المكتبة الإسلامیة، بیروت، ج ۲ ص ۱۵.

۳ - {الجائیة، آیه ۲۱}.

۴ - بذل الماعون، ص ۱۴۵.

بَيْنَ الدَّرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: بهشت صد درجه دارد که الله متعال آن را برای مجاهدین در راهش آماده کرده است. بین هر دو درجه از آن به اندازه فاصله بین آسمان و زمین است.

در این حدیث مشخص شده است، که الله متعال برای مجاهدینی که در راهش می جنگند و کشته می شوند، بهشت را که صد درجه دارد، آماده کرده است، این تنها برای آنها است و برای بقیه شهداء این درجه داده نمی شود.

۲- اما احادیث که از آن قول اول استدلال نموده اند، از جمله: وقت که رسول الله صلی الله علیه وسلم بطرف تبوک خارج می گردید، فرمود: همراه من جز شخص قوی خارج نگردد، پس مردی که دانه سختی در پشت پای خود داشت نیز برای جنگ تبوک برآمد، سپس آن دانه را برید و به اثر آن مرد، مردم گفتند: شهید است شهید است، رسول الله صلی الله علیه وسلم بلال رضی الله عنه را امر کرد، تا مردم را صدا کند: « أَنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَفْسٌ مُؤْمِنَةٌ، وَلَا يَدْخُلُهَا عَاصٍ ».<sup>(۱)</sup> ترجمه: در جنت جز نفس مؤمنه داخل نمی گردد و در جنت شخص گنهگار و عاصی داخل نمی گردد. این استدلال شان مرجوح است، زیرا در این احادیث معصیت از سبب شهادت جدا نیست، پس در حدیث اشاره است بر اینکه آن شخص برقتل نفسش همکاری کرده است و از امر پیامبر صلی الله علیه وسلم مخالفت ورزیده است، از همین جهت ابن تیمیه رحمه الله در پیرامون این حدیث می نویسد: (من ركب البحر و غلب على ظنه عدم السلامة أنه لا يقال له شهيد، لأنه قد أعان على نفسه).<sup>(۲)</sup> ترجمه: شخص که در بحر بر کشتی سوار شد و غالب گمانش عدم سلامت از این بحر بود، در صورت که در این بحر غرق گردد، برایش شهید گفته نمی شود زیرا بر قتل نفسش همکاری کرده است.

۳- دلیل قول دوم هم مرجوح است، که گفته است: نصوص شریعت غیر از اسلام، دیگر چیزها را در شهادت شرط نکرده است، بنابراین، شارع ثواب شهادت را بر یک صفت معین مرتب نموده است، در صورت که این صفت (اسلام) برای شخص مسلمان حاصل گردد، برایش این ثواب از جانب الله متعال حاصل می گردد.

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۲۷۹۰.

۲ - سنن سعید بن منصور، رقم الحدیث ۲۴۹۴. ابن حجر رحمه الله می گوید: سند این حدیث صحیح است. فتح الباری، ج ۶ ص ۱۰۶.

۳ - أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة، تقی الدین أبو العباس الحرانی (المتوفی: ۷۲۸هـ)، مجموع الفتاوی، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية، ۱۴۱۶هـ/۱۹۹۵م، ج ۲۴ ص ۲۹۳.

این سخن شان صحیح است، ولی مطلق نیست، بلکه به همراه استیفاء شروط و انتفای موانع، از قبیل صبر، طلب ثواب و عدم فرار، از همین جهت شهادت نیست بسبب معصیت که مرتبط با شهادت است و از شهادت جدا نیست.<sup>۱)</sup>

### قول راجح:

بعد از تحقیق و بررسی به نظر می رسد که قول سوم راجح است، یعنی در صورت که معصیت و گناه از سبب شهادت منفک است، یعنی سبب شهادت بدور از معصیت و گناه صورت گرفته است، برای شخص شهادت حاصل گردیده است و در صورت که شهادت همراه معصیت و بسبب معصیت صورت گرفته است، برای آن شخص شهادت و منزلت آن حاصل نمی گردد، به چند دلیل:

۱- این قول تمام نصوص وارده در این مورد را مطابقت داده است.

۲- این قول، قول وسط و اعتدال است.

۳- در این قول تمام جوانب این موضوع در نظر گرفته شده است.

خلاصه: موانع قبولیت شهادت عبارت اند از غلول، دین، عدم اجازه والدین و معصیت است، البته غلول عام است، اما بقیه مقید است، در صورت وجود آمدن همان قید، دین، عدم اجازه والدین و معصیت از جمله موانع قبولیت شهادت محسوب می گردند و در غیر آن صورت محسوب نمی گردند، که تفصیلاً بیان گردید.

---

<sup>۱</sup> - بذل الماعون، ص ۱۴۶.



## فصل سوم

یک عده از اسباب معاصر شهادت و ثمرات آن

در این فصل مباحث ذیل بحث می گردد:

مبحث اول: یک عده از اسباب معاصر شهادت

مبحث دوم: ثمرات شهادت

## مبحث اول

### یک عده از اسباب معاصر شهادت

در این مبحث مطالب ذیل بحث می گردد:

مطلب اول: شهادت بسبب سرطان

مطلب دوم: شهادت بسبب کرونا

### مطلب اول: شهادت بسبب سرطان

برای اینکه شهادت بسبب سرطان بهتر و خوبتر روشن و واضح گردد، لازم است تا در نخست سرطان تعریف گردیده، سپس انواع سرطان مشخص گردد و در اخیر شهادت بسبب سرطان بیان گردد، که تفصیلاً قرار ذیل است:

### الف: معرفی سرطان

اول: تعریف لغوی سرطان: سرطان در لغت به چندین معنا آمده است، که عبارت اند از: خرچنگ، جانوری است که در جوی ها و حوض ها برابر بقیه متوسط و مشابه بشکل عنکبوت می باشد، همچنان سرطان برجی است در آسمان که به برج چهارم شهرت دارد.<sup>۱)</sup>

همچنان سرطان درد و مرضی است که انسانها و حیوانات به آن مصاب می گردند، طوری که مرتضی زبیدی رحمه الله می نویسد: (السَّرَطَانُ: دَاءٌ يَأْخُذُ النَّاسَ وَالذَّوَابَّ).<sup>۲)</sup> ترجمه: سرطان دردی است که انسان و چهارپایان را می گیرد.

دوم: تعریف اصطلاحی سرطان: از اینکه سرطان یک مرض است، بنابراین، فقهاء اسلامی چنین تعریف نموده اند: نام ورم و تومور سیاه رنگ است، که سخت باشد و هر روز بزرگتر شود و رگهای سرخ و سبز مثل دست و پای خرچنگ در آن ظاهر شود، یعنی ماده مخصوصی که چون در عضوی داخل گردد،

۱ - تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۹ ص ۳۴۴.

۲ - همان مرجع، ج ۱۹ ص ۳۴۴.

عضو را کاملاً فاسد و مضمحل سازد و چاره جز بریدن ندارد، اول بقدر دانه نخود نمایان شود، سپس آن بقدر خربوزه و کلان از آن هم گردد، با پوست و گوشت آمیخته می شود و با درد همراه است و دارای بیخ و شاخه است، سپس تمام بدن را فراگرفته و شخص را از بین می برد.<sup>۱)</sup>

## ب: انواع سرطان

از اینکه سرطان یکی از امراض معاصر است، باید مشخص گردد که مرگ بسبب آن چگونه شهادت محسوب می گردد، بنابراین، بهتر است تا در نخست انواع آن معرفی گردد تا موضوع شهادت بسبب آن واضح گردد، که تفصیل انواع آن قرار ذیل است:

از بین ۱۸ - ۲۲ درصد افراد در طول حیات شان به سرطان مبتلا شده اند و آن را به صورت یک حقیقت تلخ تجربه کرده اند. سرطان از به وجود آمدن و انتشار غیر طبیعی سلول رخ می دهد و ممکن است همه قسمت های بدن را از بافت استخوان تا عصب گریبان گیر خود کند. امروزه به صدها نوع از این مرض به اشخاص دیده شده، اسامی هر کدام از این سرطان ها عمدتاً از محل نشأت و پیدایش شان گرفته شده است، مانند سرطان ریه یا سینه، که مشهورترین آنها قرار ذیل اند:

اول: سرطان روده: یکی از سرطان های شایع و گسترده می باشد، که تمور آن نخست در روده انسان بوجود می آید.

دوم: سرطان پستان: که این نوع سرطان در بین بانوان بوجود می آید و شروع آن از پستان آنها آغاز می گردد و معمولاً در مجرای شیر این تمور ایجاد می گردد.

سوم: سرطان سینه: که در پهلوهای پستان مردان و زنان بیشتر رونما می گردد.<sup>۲)</sup>

چهارم: سرطان ریه: این نوع سرطان در مردان بیشتر است، که ریه ها را تصاحب می کند و این گونه سرطان دارای نوعیت های مختلف است که در ریه ها بوجود می آید.

۱ - عبد الله بن عبد الرحمن الجبرین، الفتاوی الشرعية فی المسائل الطیبة، المكتبة الشاملة، ج ۳ ص ۵۷ - ۶۳. کمال مختار إسماعیل أبو أحمد، کنوز فی الرقیة والطب النبوی، المكتبة الشاملة، ج ۱ ص ۳۲۲ - ۳۲۴.

۲ - انواع سرطان، Arvin-center.com

پنجم: سرطان کبد: این نوع از سرطان در کبدهای مردان و زنان بوجود می آید که به مرور زمان کبد را از بین می برد و دارای نوعیت های مختلف است.

ششم: سرطان رحم: این نوع سرطان معمولاً در رحم زنان بوجود می آید.

هفتم: سرطان خون: گلبولهای سفید خون از آنچه که سلولهای بنیادی در مغز استخوان نامیده می شود، ایجاد می شود.

هشتم: سرطان تخمدان: که بیشتر در محل تخمدان زنان در حدود نود (۹۰) درصد از تمام زنان، تومور

سرطانی از لایه پوششی که تخمدان را می پوشاند، ایجاد می شود.<sup>۱</sup>

نهم: سرطان معده: این نوع سرطان در معده انسانها پدید می گردد و در ابتدا معده را به درد می آورد و این نوع سرطان امروزه در برخی کشورها زیادتیر از دیگر انواع شیوع پیدا نموده است.

دهم: سرطان دهانه رحم: که در دهانه رحم زنان تومور سرطانی بوجود می آید.

یازدهم: سرطان سر و گردن: فشار در قسمت جمجمه از علائم آن می باشد.

دوازدهم: سرطان مغز: تومورهای مغزی از جمله بیماریهای نادر تومور هستند. که تقریباً دو درصد از انواع سرطانهای مغز را تشکیل می دهد.

سیزدهم: سرطان کلیه: تومورهای که در خود کلیه و یا در سلولهای آن بوجود می آید.

چهاردهم: سرطان مثانه: که خون در ادرار و تکرر ادرار از علائم شایع آن می باشد.

همچنان از جمله انواع سرطان: سرطان استخوان، سرطان مقعد، سرطان پروستات، سرطان کیسه صفرا، سرطان پانکراس، سرطان پوست و غیره می باشند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - انواع سرطان، Arvin-center.com

<sup>۲</sup> - انواع سرطان، Arvin-center.com

## ج: شهادت بسبب سرطان

در مورد اینکه مرگ بسبب سرطان شهادت است و یاخیر؟ فقهاء معاصر اسلامی اختلاف نموده اند، که این اختلاف بر دو قول خلاصه می گردد:

**قول اول:** جمهور فقهاء معاصر از جمله شیخ علی بن نایف الشحوذ<sup>(۱)</sup>، مجلة البحوث الإسلامية، شیخ أحمد وسام، دار الافتاء مصر، شیخ محمد صالح المنجد<sup>(۲)</sup>، شیخ محمد صبري عبد الرحيم می گویند: شخصی که بسبب مرض سرطان می میرد، شهید است.<sup>(۳)</sup>

### دلایل جمهور فقهاء معاصر قرار ذیل اند:

۱- دلیل اول: مرگ و موت بسبب مرض سرطان داخل در اسباب شهادت است، از جهت بزرگ بودن امر آن، خطرناک بودن شر آن و شدت درد و ألم آن، که فقهاء اسلامی این صفات را علت برای اجر شهادت قرار داده اند، طوری که انور شاه کشمیری<sup>(۴)</sup> رحمه الله پیرامون این حدیث: «الشَّهَادَةُ

---

۱ - علی بن نایف الشحوذ، یکی از فقهاء و محدث معاصر اسلامی در سوریه است، در حصص سوریه سال ۱۹۵۶ میلادی متولد گردید، لیسانس و ماستری خود را از جامعه دمشق در رشته شرعیات بدست آورده است، در محلات و مراکز مختلف علمی تدریس نموده است، دارای تالیفات کثیره است از جمله: تفسیرالقرآن، زبده الاسراء و المعراج، حکم العمل بالحدیث الضعیف، تخریج احادیث المسند الجامع وغیره، حفظه الله. bakralio@hotmail.com

۲ - محمد صالح المنجد ابوانس فقیه، محدث و داعی سوری، اصلش از فلسطین و مقیم در عربستان سعودی است، تولدش در حلب سوریه در سال ۱۹۶۱ میلادی برابر با ۱۳۸۰ هجری شده است، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: سلسلة العقيدة الصحيحة، ۳۳ سبباً للخشوع فی الصلاة، کتاب الکواجیب و غیره، بیشتر تعلیمات خود را نزد عبدالعزیز بن باز رحمه الله انجام داده است. معرف مکتبة الكونفرس (LCNAF).

۳ - علی بن نایف الشحوذ، الخلاصة فی أحكام الشهيد، حقوق الطبع لكل مسلم، ۱۴۲۳ / ۲۰۰۳، ج ۲ ص ۱۴۸. الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، مجلة البحوث الإسلامية، ترقیم الكتاب موافق للمطبوع وهو مذیل بالحواشی ومعه ملحق بتراجم الأعلام والأمكنة أيضا من موقع الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء، ج ۵۸ ص ۱۰۹. محمد صالح المنجد، القسم العربي من موقع (الإسلام، سؤال وجواب)، تم نسخه من الإنترنت : في ۲۶ ذي القعدة ۱۴۳۰ هـ = ۱۵ نوفمبر، ۲۰۰۹ م، ج ۱ ص ۳۸۸. محمد صبري عبد الرحيم، هل من مات بمرض السرطان شهيد، ص ۱ - ۲. لجنة الفتوى بالشبكة الإسلامية، فتاوى الشبكة الإسلامية، تم نسخه من الإنترنت : في ۱ ذو الحجة ۱۴۳۰ هـ = ۱۸ نوفمبر، ۲۰۰۹ م، ج ۱ ص ۱۵۱۰.

۴ - شاه انور شاه کشمیری: (۱۲۹۲ - ۱۳۵۳ هـ = ۱۸۷۵ - ۱۹۳۳ م) انور شاه بن معظم شاه، حسینی، حنفی، کشمیری، یکی از محدثین و فقهای مذهب احناف در قرن ۱۴ هجری بحساب می آید، در منطقه بوده از مناطق کشمیر تولد گردید و در شهر دیوبند وفات نمود، مدت ۱۳ سال در دیوبند هندوستان مشغول فتوا و ریاست حدیث بود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله فیض الباری علی صحیح البخاری وغیره. محمود الجیزی و فریق من الباحثین مذکورة أسماؤهم فی خانة المؤلف، معجم البابطين للشعراء العرب المعاصرين، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المکتبة الشاملة، ص ۱۴۰۲ - ۱۴۰۳.

سبعٌ سوى القتل في سبيل الله؛ المطعون شهيدٌ، والغرق شهيدٌ، وصاحبُ ذاتِ الجنب شهيدٌ، والمبطونُ شهيدٌ، وصاحبُ الحريق شهيدٌ، والذي يموت تحت الهدم شهيدٌ، والمرأةُ تموتُ بجمعٍ شهيدٌ». (١) ترجمه: بجز مرگ در راه الله، شهیدان هفت دسته اند: کسی که در اثر طاعون و وبا بمیرد، شهید است. کسی که در اثر غرق شدن در آب بمیرد، شهید است. کسی که در اثر ذات الجنب بمیرد، شهید است. کسی که بسبب درد شکم بمیرد شهید است، کسی که بسبب حریق شدن بمیرد شهید است، کسی که در زیر آواره بمیرد شهید است، زنی که بسبب زایمان و نفاس بمیرد شهید است. می نویسد: (لَمَّا رَأَيْتَ أَنَّ الْأَحَادِيثَ لَا تَسْتَقِرُّ فِيهِ عَلَى عَدَدٍ مَعَيَّنٍ، بَدَأَ لِي أَنْ تُوضَعَ لَهُ ضَابِطَةٌ، فَاسْتَفَدْتُ مِنَ الْأَحَادِيثِ: أَنَّ كُلَّ مَنْ مَاتَ فِي عِلَّةٍ مُؤَلِّمَةٍ مَتَمَادِيَةٍ، أَوْ مَرَضٍ هَائِلٍ، أَوْ بَلَاءٍ مَفَاجِيٍّ: فَلَهُ أَجْرُ الشَّهِيدِ). (٢)

ترجمه: زمانی که دیدن نمودم، احادیث در مورد اسباب شهادت بر یک عدد معین قرار نگرفته اند، برایم واضح گردید که برای اسباب شهادت یک قاعده را وضع نمایم، پس از احادیث استفاده نمودم: هر شخصی که در یک علت درد دهنده دوام دار، یا مرض ترسناک و خطرناک، یا بلاء و مصیبتی ناگهانی و مفاجات می میرد، برایش اجر شهید است.

۲- دلیل دوم: مرض سرطان در معنای لغوی بعضی از امراض که نصوص در قبال اسباب بودن شهادت شان وجود دارند، داخل است، مثل مبطون، که در موردش پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «والمبطونُ شهيدٌ». (٣) ترجمه: کسی که بسبب درد شکم بمیرد شهید است. وجه استدلال از حدیث: نزد جماعت از اهل تحقیق: مبطون در این حدیث عبارت از شخصی است که مطلقاً از شکم خود شکایت می کند و سپس با این درد شکم از بین می رود، طوری که نووی رحمه الله می نویسد: (هو الذي يموت بداء بطنه مطلقاً). (٤) ترجمه: مبطون عبارت از شخصی که مطلقاً بدرد شکم می میرد.

پس این تعریف در بعضی از انواع سرطان و حالات آن نیز متحقق می گردد، مثل سرطان روده، سرطان کلیه، التهابات کبد، سرفه های دوام دار از اثر سرطان، درد های سخت و گران شکم از اثر عملیات های روده و مثانه، سختی و تکالیف هضم غذا در بطن از اثر سرطان و غیره.

١ - سنن أبي داود، رقم الحديث ٣١١١. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث ٣١١١.

٢ - فيض الباري شرح البخاري، ج ٢ ص ٢٤٨.

٣ - سنن أبي داود، رقم الحديث ٣١١١. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث ٣١١١.

٤ - المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ج ١٣ ص ٦٢.

۳- دلیل سوم: به همین شکل بعضی از امراض وجود دارند که شریعت اسلامی آن را سبب شهادت قرار داده است، در صورتی که انسان بسبب آن بمیرد، مثل سل، طوری که در حدیث شریف آمده است: « وَالسُّلُّ شَهَادَةٌ »<sup>(۱)</sup> ترجمه: و مردن در اثر بیماری سل، شهادت محسوب می شود. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث بوضوح معلوم گردیده است، که سل یکی از اسباب شهادت است. پس مرض سرطان نیز شکل سل را بخود دارد، حتی زیادتز از سل، مریض را درد، رنج و تکالیف می دهد.

۴- دلیل چهارم: احادیث شهادت، بر امراض که مشهور و معروف در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم بودند، تصریح و تنصیص صورت گرفته اند و از طرف دیگر این امراض که در مورد شان نصوص وارد گردیده اند و آنها را از جمله اسباب شهادت محسوب کرده اند، بیان گر آن است که شهادت محدود به اینها نمی گردد، بلکه یک تنبیه و آگاهی است برای اینکه هر مرض که در معنای اینها باشد و در زندگی انسانها عارض گردد از جمله اسباب شهادت است، پس مرگ بسبب مرض سرطان از جمله اسباب شهادت است که در شرع شریف وارد گردیده است، زیرا که سرطان در معنای لغوی بعضی از امراض منصوصه، همچنان در بعضی اعراض آنها شریک می باشد، با وجود که درد و آلم و خطرات سرطان بمراتب از بعضی امراض منصوصه بلند و بزرگ است.

قول دوم: عبدالمحسن عباد<sup>(۲)</sup> شارح سنن ابی داود می گوید: مرگ به سبب سرطان شهید محسوب نمی گردد.<sup>(۳)</sup>

عبدالمحسن عباد دلیلش را چنین نقل کرده است: (لأن السرطان لا يكون دائماً في البطن، فقد يكون في غير البطن).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: زیرا سرطان دائماً در بطن نیست، بلکه در غیر بطن هم است.

۱ - المعجم الكبير، رقم الحديث ۶۱۱۵. آلبانی رحمه الله این حدیث را حسن می داند. احکام الجنائز، ص ۴۰.

۲ - عبدالمحسن عباد یکی از علماء و محدث دینی و فقیه حنبلی کشور سعودی است، نامش عبدالمحسن بن حمد بن عبدالمحسن بن عبدالله بن حمد بن عثمان آل بدر می باشد، در سال ۱۳۵۳ هـ در محافظه زلفی شمال شهر ریاض متولد گردید، تخصص وی در حدیث است، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: عشرون حدیثاً من حدیث البخاری، عشرون حدیثاً من صحیح الامام مسلم، الرد علی الرفاعی و البوطی، من أخلاق الرسول الکریم و غیره. معرف جوجل کتب (Google Books).

۳ - عبد المحسن بن حمد بن عبد المحسن بن عبد الله بن حمد العباد البدر، شرح سنن أبي داود، الكتاب مرقم ألياً، ورقم الجزء هو رقم الدرس - ۵۹۸ درس، ج ۳۶۲ ص ۳۶.

۴ - همان مرجع، ج ۳۶۲ ص ۳۶.

**قول راجح:** بعد از تحقیق و بررسی به نظر می رسد که قول راجح، قول اول که قول جمهور فقهاء معاصر است، می باشد، یعنی مرگ بسبب سرطان برای شخص مسلمان شهادت است، به چند دلیل:

۱- اکثریت انواع سرطانی از بطن آغاز می گردد، بناءً حکم مبطون را دارد، مثل سرطان روده، ریه، کلیه، پستان، سینه، مثانه و غیره.

۲- همچنان امروزه بیشترین مصاب شونده گان به این مرض از انواع سرطانی است که در بطن بوجود می آیند، مثل سرطان پستان، روده و غیره.

۳- به همین شکل اگر ابتدای تومور سرطان از غیر بطن باشد، مثلاً از نقاط مغز، حلق، سر، پا، دست و غیره، آغاز گردد، ولی بعداً به مرور زمان به بطن سرایت می کند و تأثیری بیشتری خود را بعد از چند مدت، بالای بطن می گذارد، که حتی شخص نمی تواند غذا را در بطنش هضم نماید و حتی شخص درد سرطان را بیشتر از بطن احساس می کند و این نشانگر آن است که سرطان از جمله امراض مبطون است.

۴- همچنان در احادیث انحصار و محدودیت برای اسباب شهادت نیامده است و این بیان گر آن است که هر مرض و دردی که شبیه به مبطون، ذات الجنب، طاعون و امثال شان باشد، از جمله اسباب شهادت محسوب می گردد.

۵- همچنان قول جمهور فقهاء معاصر با نصوص شریف وابسته است.

۶- همچنان قول جمهور فقهاء منطقی به نظر می رسد.

خلاصه از جمله اسباب شهادت، سرطان است که با تمام انواع آن تذکر رفت، پس شخص که بسبب این مرض وفات می نماید، امید از جانب الله متعال برده می شود که برایش اجر شهادت را در آخرت بدهد، از جهت رحمت الله متعال که به امت مسلمه عنایت کرده است، ولی در دنیا بالای اش احکام میت عادی را اجرا کرده می شود، یعنی باید غسل داده شده، تکفین کرده شود و بالای اش نماز جنازه ادا گردیده، سپس دفن گردد.

## **مطلب دوم: شهادت بسبب کرونا**

در این مطلب نخست کرونا را تعریف نموده، سپس شهادت بسبب مرض کرونا بیان می گردد، که تفصیل آن قرار ذیل است:



## الف: تعریف کرونا

کلمه « کرونا ویروس » از کلمه زبان لاتین "corona" به معنای تاج یا تخت پادشاهی گرفته شده است، این کلمه مشخصه ظاهری (شکل عفونی ویروس) که در زیر میکروسکوپ الکترونی دیده می شود، اشاره دارد که یاد آور تصویری از یک تاج سلطنتی یا تاج خورشیدی و شکل آن است، از این رو کرونا ویروس را «ویروس تاج دار» نیز می نامند.<sup>۱)</sup>

ویروس کرونا یا در اصطلاح انگلیسی "corona virus" از گروه ویروس هایی است که نقش مهمی در ایجاد بیماریهای تنفسی دارند و ساری است، این ویروس منجر به بیماری ریه می گردد، ویروسی که درین اواخر بسیار جهان را با بحران رو برو کرده، توسط سازمان جهانی سلامت، ویروس کرونای جدید « covid 19» نام گذاری شده که به ویروس کرونا و وهان نیز معروف است، اولین گزارش ابتلای این ویروس در وهان چین به تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹م گزارش شده است. این ویروس بیشتر از اثر سرماخوردگی عادی به شخص انتقال یافته، سپس با تب، سرفه، نفس تنگی و مشکلات حاد تنفسی، تخریب ریه و تا سرحدی مرگ می انجامد.<sup>۲)</sup>

## ب: شهادت بسبب کرونا

در مورد اینکه آیا کسی به مرض کرونا یا کووید ۱۹ بمیرد، شهید است و یا خیر؟ فقهاء معاصر اختلاف نموده اند، که تفصیل آن قرار ذیل است:

**قول اول:** جمهور فقهاء معاصر از جمله مجمع علمای ارشد عربستان، دارالافتاء الازهر مصر، شورای علماء افغانستان می گویند: کسی که به سبب ویروس کرونا جان خود را از دست بدهد شهید محسوب می گردد.<sup>۳)</sup>

۱ - corona- Wiktionary. En. Wiktionary. Org. 25/02/ 2020.

۲ - <https://yektatajhez.com>. ساختار و ژنتیک ویروس کرونا - یکتا تجهیز از ما.

۳ - [www.afghanistan.shafaqna.com](http://www.afghanistan.shafaqna.com). شیوخ عربستان: مرگ با "ویروس کرونا" شهادت به حساب می آید، زمان انتشار: ۲۰ ثور ۱۳۹۳

| ساعت: ۰۳:۴۸ | کد خبر: ۳۲۱۹۵ | چاپ. شورای علماء افغانستان، مرگ از کرونا، شهادت حکمی است، سرویس: گزارش و تحلیل | کد خبر

## دلایل جمهور فقهاء معاصر راجع به شهادت بسبب ویروس کرونا قرار ذیل اند:

جمهور فقهاء معاصر می گویند: کسی که به سبب ویروس کرونا جان خود را از دست بدهد از سه جهت امید شهادت او می رود:

**اول:** این ویروس در صورتی که به ریه آسیب بزند و در پی آن فرد بمیرد، به بیماری که در اثر سل از دنیا رفته شبیه است و بلکه از آن شدیدتر است، زیرا سل نوعی آسیب در ریه است و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: « وَالسُّلُّ شَهَادَةٌ ».<sup>(۱)</sup> ترجمه: و مردن در اثر بیماری سل، شهادت محسوب می شود.

مناوی رحمه الله می گوید: (السُّلُّ شَهَادَةٌ: هو قرحة في الرئة معها حمى دقية).<sup>(۲)</sup> ترجمه: سل شهادت است: منظور از سل زخمی است در ریه به همراه تبی خفیف.

پس مشخص گردید که مرض سل همان مرضی است که در ریه آسیب می رساند و همایش تب نیز دارد، در صورت که کرونا هم به ریه آسیب برساند، در حالی که تب هم دارد، مشابه مرض سل است و مرگ بسبب آن شهادت است.

**دوم:** اگر ویروس کرونا باعث آسیب رسیدن به کبد یا کلیه ها شود و در اثر آن فرد بمیرد، مبطن به حساب می آید و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «الشَّهَادَةُ سَبْعُ سَوَى الْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... وَالْمَبْطُونُ شَهِيدٌ».<sup>(۳)</sup> ترجمه: بجز مرگ در راه الله، شهیدان هفت دسته اند... کسی که بسبب درد شکم بمیرد شهید است.

---

۱۰۸۳۷ | تاریخ: ۱۳/۱۸/۱۸-۱۱/۰۲/۱۳۹۹. سایت اسلام سوال و جواب، شماره جواب (۳۳۳۷۶۳). دارالافتای الازهر مصر قربانیان ویروس

کرونا را به عنوان «شهید» معرفی کرد، ۰۸/۰۱/۲۰۲۱.

۱ - المعجم الكبير، رقم الحديث ۶۱۱۵. آلبانی رحمه الله این حدیث را حسن می داند. أحكام الجنائز، ص ۴۰.

۲ - فیض القدير شرح الجامع الصغير، ج ۴ ص ۱۴۵.

۳ - سنن أبي داود، رقم الحديث ۳۱۱۱. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث ۳۱۱۱.

مبطون در این حدیث عبارت از شخصی است که مطلقاً از شکم خود شکایت می کند و سپس با این درد شکم از بین می رود، طوری که نووی رحمه الله می نویسد: (هو الذي يموت بداء بطنه مطلقاً).<sup>(۱)</sup> ترجمه: مطبون عبارت از شخصی که مطلقاً بدرد شکم می میرد.

از شیخ محمد بن صالح عثیمین<sup>(۲)</sup> - رحمه الله - پرسیده شد: در حدیث آمده که مطبون شهید است. معنی کلمه مطبون چیست؟ و آیا کسی که در اثر آسیب و مشکل کبد بمیرد نیز جزو آن قرار می گیرد؟ ایشان پاسخ دادند: علماء می گویند: مطبون کسی است که با درد شکم بمیرد و ظاهراً کسی که در اثر آپاندیس بمیرد نیز از جنس همین است زیرا آپاندیس از دردهای شکم است که کشنده است و چه بسا کسی که بر اثر مشکل کبد بمیرد نیز از همین نوع است، زیرا این نیز از دردهای کشنده شکم است.<sup>(۳)</sup>

پس مشخص گردید در صورت که ویروس کرونا آسیب به کبد برساند، این ویروس مشابه به مرض مطبون است و شخص که به مرض مطبون بمیرد شهید است.<sup>(۴)</sup>

**سوم:** در صورت که «کرونا» به عنوان يك بیماری همه گیر و ساری باشد و سازمان بهداشت جهانی و طبیبان متخصص بیماری، کرونا را نوعی بیماری همه گیر تشخیص بدهند، هر کسی که به دلیل ابتلا به این بیماری جان خود را از دست بدهد، مانند فرد درگذشته به دلیل ابتلا به طاعون است، پس شهید است.<sup>(۵)</sup>

پس شخص که بسبب مرض طاعون وفات می نماید، شهید است و برایش اجر شهادت داده می شود، طور که در حدیث شریف آمده است: **عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الطَّاعُونَ شَهَادَةٌ لِكُلِّ مُسْلِمٍ».**<sup>(۶)</sup>

۱ - المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ج ۱۳ ص ۶۲.

۲ - عثیمین: ابو عبدالله محمد بن صالح بن محمد بن سلیمان بن عبد الرحمن العثیمین الوهیبی التمیمی است. ولادتش در شب ۲۷ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۴۷ هـ ق در شهر عنیزه - یکی از شهرهای استان قصیم - در کشور عربستان سعودی بود، رشد و پرورش او نزد مادرش و استادش عبدالرحمن سعدی رحمه الله صورت گرفت و قبل از غروب آفتاب، روز چهارشنبه، پانزدهم ماه شوال سال ۱۴۲۱ هـ. ق، در شهر جدّه کشور عربستان سعودی وفات نمود، دارای تالیفات کثیره است از جمله: شرح ریاض الصالحین، مصطلح الحدیث، مجموعه فتاوی محمد بن صالح بن عثیمین و غیره. گزیده ای از خصلت ذاتی استاد علامه محمد بن صالح العثیمین، این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

۳ - محمد بن صالح بن محمد العثیمین (المتوفی: ۱۴۲۱ هـ)، فتاوی نور علی الدرب، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة، ج ۶ ص ۲.

۴ - سایت اسلام سوال و جواب، شماره جواب (۳۳۳۷۶۳).

۵ - مجمع علمای ارشد سعودی، «شهادت» با ویروس کرونا!، تاریخ انتشار: شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۳، ۰۴:۳۱ | شناسه مطلب: ۴۵۲۲۲.

۶ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۲۸۳۰. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۹۱۶.

ترجمه: انس بن مالک رضي الله عنه روایت می کند که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: هر مسلمانی که در اثر بیماری طاعون بمیرد، شهید است.

در این بوضوح معلوم گردیده است که مرگ بوسیله طاعون، برای شخص مسلمان شهادت است.

پس طاعون همان مرض ساری و همه گیر است، در صورت که کرونا هم این ویژگی را داشته باشد، حکم طاعون برایش داده می شود، یعنی فرد مصاب به این ویروس در صورتی که جان خود را بوسیله آن از دست دهد، شهید است.

**قول دوم:** قول عبدالله بن سلیمان بن منیع، عضو مجمع علمای ارشد و مشاور دفتر پادشاهی عربستان سعودی است، وی می گوید: افرادی که به علت ابتلا به ویروس کرونا می میرند، شهید به شمار نمی آیند. (۱)  
**دلیل این قول:** پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم افرادی را که به علت بیماری همه گیر، بیماری های داخلی، غرق شدن، ویرانی خانه و جنگیدن در راه الله جان خود را از دست بدهند؛ شهید نامیده است، ولی فردی که به علت ابتلا به ویروس کرونا جان خود را از دست بدهد، از این پنج دسته نخواهد بود. (۲)

**قول راجح:** بعد از تحقیق و بررسی به نظر می رسد که قول اول، که قول جمهور فقهاء معاصر است، یعنی مرگ بسبب ویروس کرونا شهید است، به چند دلیل:

۱- امروزه تماماً اطباء و جهانی طبابت گفته اند: ویروس کرونا یک مرض فراگیر و همه گیر است، پس این مرض شکل طاعون را به خود دارد، بنابراین، مرگ بسبب این ویروس شهادت است، همان طوری که بسبب طاعون شهادت است.

۲- همچنان اشخاص که به این ویروس مصاب می شوند، دیده می شود که زیادتیر رنج و تکلیف از ناحیه بطن می برند، پس این ویروس مشابه به مرض مبطن هم است، همان طوری که مبطن شهادت است، مرگ بسبب کرونا هم شهادت است.

قول دوم مردود است، زیرا در احادیث انحصار و محدودیت برای اسباب شهادت نیامده است، طوری که انور شاه کشمیری رحمه الله می نویسد: (لَمَّا رَأَيْتَ أَنَّ الْأَحَادِيثَ لَا تَسْتَقِرُّ فِيهِ عَلَى عَدَدٍ مَعِيْنٍ، بَدَأَ لِي أَنْ تُوضَعَ لَهُ ضَابِطَةٌ، فَاسْتَفْتَيْتُ مِنَ الْأَحَادِيثِ: أَنَّ كُلَّ مَنْ مَاتَ فِي عِلَّةٍ مُؤَلِّمَةٍ مَتَمَادِيَةٍ،

۱- روزنامه "الاقتصادية" چاپ عربستان. یکشنبه ۲۱ ثور ۱۳۹۹ ساعت ۱۶:۰۹.

۲- روزنامه "الاقتصادية" چاپ عربستان. یکشنبه ۲۱ ثور ۱۳۹۹ ساعت ۱۶:۰۹.

أو مرضٍ هائلٍ، أو بلاءٍ مفاجئٍ: فله أجر الشهيد<sup>(۱)</sup>. ترجمه: زمانی که دیدن نمودم، احادیث در مورد اسباب شهادت بر یک عدد معین قرار نگرفته اند، برایم واضح گردید که برای اسباب شهادت یک قاعده را وضع نمایم، پس از احادیث استفاده نمودم: هر شخصی که در یک علت درد دهنده دوام دار، یا مرض ترسناک و خطرناک، یا بلاء و مصیبتی ناگهانی و مفاجات می میرد، برایش اجر شهید است.

پس این بیان گر آن است که هر مرض و دردی که شبیه به سل، مبطون، ذات الجنب، طاعون و امثال شان باشد، از جمله اسباب شهادت محسوب می گردد، از جمله کرونا. خلاصه مرگ بسبب کرونا یکی از اسباب شهادت است، زیرا یا شکل مرض سل را بخود دارد، یا هم شکل مبطون و یا هم شکل طاعون.

---

<sup>۱</sup> - فیض الباری شرح البخاری، ج ۲ ص ۲۴۸.

## مبحث دوم ثمرات شهادت

در این مبحث ثمرات شهادت که الله متعال برای شهید اعطاء می نماید، تذکر داده می شود، ثمرات شهادت زیاد است، که بعضی در دنیا و بعضی شان در عالم برزخ و آخرت داده می شود، پس این مبحث دارای مطالب ذیل است:

مطلب اول: ثمرات شهادت در دنیا

مطلب دوم: ثمرات شهادت در عالم برزخ (قبر)

مطلب سوم: ثمرات شهادت در آخرت

**مطلب اول: ثمرات شهادت در دنیا**

الله متعال برای شهید در این دنیا ثمرات را نصیب می گرداند، که قرار ذیل اند:

**الف: شهید درد قتل و سكرات موت را احساس نمی کند.**

یکی از ثمره شهادت همین است، که شهید درد قتل و سكرات موت را احساس نمی کند، طوری که در حدیث شریف آمده است: **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا يَجِدُ الشَّهِيدُ مِنْ مَسِّ الْقَتْلِ إِلَّا كَمَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ مِنْ مَسِّ الْقَرْصَةِ».**<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: شهید درد مرگ را جز به اندازه که یکی از شما دیگری را با ناخن بگیرد (بگذرد) حس نمی نماید.

در این حدیث مشخص شده است که شهید درد و ألم مرگ را جز به اندازه گزیدن ناخن حس نمی نماید.

۱ - سنن الترمذی، رقم الحدیث ۱۶۶۸. آلبانی رحمه الله این حدیث را حسن صحیح می داند. صحیح وضعیف سنن الترمذی، رقم الحدیث ۱۶۶۸.

**ب: تمام گناهان شهید که در دنیا انجام داده بجز از قرض بخشیده می شود.**

طور که در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ،

قَالَ «يُعْفَرُ لِلشَّهِيدِ كُلُّ ذَنْبٍ إِلَّا الدَّيْنَ».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: تمام گناهان شهید، جز قرض (او)، بخشیده می شود.

امام نووی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (هَذِهِ الْفَضِيلَةُ الْعَظِيمَةُ لِلْمَجَاهِدِ وَهِيَ تَكْفِيرُ خَطَايَاهَا كُلِّهَا إِلا حَقُوقَ الأَدْمِيَّةِ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: این فضیلت بزرگ برای مجاهد است و آن عبارت از اینکه تمام گناهانش بخشیده می شود، مگر حقوق انسانها.

### **مطلب دوم: ثمرات شهادت در عالم برزخ (قبر)**

برای شهید در عالم برزخ (قبر) بعضی از ثمرات اعطاء می گردد، که تفصیل شان قرار ذیل است:

#### **الف: حیات بعد از شهادت**

الله متعال در مورد می فرماید: {وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ}.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: و به آنها که در راه الله کشته می شوند مرده مگویید، بلکه آنها زندگانند ولی شما نمی فهمید.

امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: {يُخْبِرُ تَعَالَى أَنَّ الشُّهَدَاءَ فِي بَرَزَجِهِمْ أَحْيَاءٌ يُرْزَقُونَ}.<sup>(۴)</sup>

ترجمه: الله متعال خبر داده است، که شهداء در زندگی برزخ شان زنده هستند که رزق و روزی می خورند.

همچنان الله متعال می فرماید: {وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ}.<sup>(۵)</sup>

۱ - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۸۸۶.

۲ - المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ج ۱۳ ص ۲۹.

۳ - {البقرة، آیه ۱۵۴}.

۴ - تفسیر القرآن العظیم، ج ۱ ص ۴۴۶.

۵ - {آل عمران، آیه ۱۶۹}.

ترجمه: (ای پیامبر) هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شده اند مردگانند، بلکه آنها زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

قرطبی رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: (فَقَدْ أَخْبَرَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهَا عَنِ الشُّهَدَاءِ أَنََّّهُمْ أَحْيَاءُ فِي الْجَنَّةِ يُرْزَقُونَ، وَلَا مَحَالَةَ أَنَّهُمْ مَاتُوا وَأَنَّ أَجْسَادَهُمْ فِي التُّرَابِ، وَأَرْوَاحُهُمْ حَيَّةٌ كَأَرْوَاحِ سَائِرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَفُضِّلُوا بِالرِّزْقِ فِي الْجَنَّةِ مِنْ وَقْتِ الْقَتْلِ حَتَّى كَأَنَّ حَيَاةَ الدُّنْيَا دَائِمَةٌ لَهُمْ).<sup>۱)</sup>

ترجمه: الله متعال در این آیه از شهداء خبر داده است، که آنها زنده اند، در جنت رزق و روزی می خورند، بدون شک آنها مرده اند و اجسادشان در خاک اند، ولی ارواحشان مثل ارواح سایر مؤمنین زنده اند و به رزق در جنت از وقت که کشته شده برتری داده شده اند، مثل که حیات دنیا برای شان دایم است.

همچنان در حدیث شریف آمده است: «الشُّهَدَاءُ عَلَى بَارِقٍ - نَهْرٍ بِبَابِ الْجَنَّةِ - فِي قُبَّةِ خَضْرَاءَ، يَخْرُجُ عَلَيْهِمْ رِزْقُهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ بُكْرَةً وَعَشِيًّا». <sup>۲)</sup>

ترجمه: شهداء روی «بارق» قرار می گیرند، بارق همان نهری است در کنار در ورودی بهشت که در گنبدی سبز رنگ قرار گرفته، هر روز صبح و شام روزی آنها از بهشت بیرون می آید.

مناوی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (يعني تعرض أرواحهم على أرواحهم فيصل إليهم الروح والفرح كما تعرض النار على آل فرعون غدوا وعشيا فيصل إليهم الوجع).<sup>۳)</sup>

ترجمه: یعنی رزق شهداء بر ارواحشان پیش کرده می شود، پس برای شهداء روح و خوشحالی می رسد، همان طوری که بر آل فرعون صبح و شب آتش دوزخ پیش کرده می شود و برای شان درد و ناله می رسد.

خلاصه مشخص گردید که شهداء بعد از شهادت هم حیات دارند و رزق و روزی از طرف پروردگار برای شان می رسد، پس حیات شهداء حقیقی است، از همین جهت قرطبی رحمه الله می نویسد: (أَنََّّهُمْ يُرْزَقُونَ فِي الْجَنَّةِ وَيَأْكُلُونَ وَيَتَنَعَّمُونَ. وَهَذَا هُوَ الصَّحِيحُ مِنَ الْأَقْوَالِ).<sup>۴)</sup>

۱ - الجامع لأحكام القرآن، ج ۴ ص ۲۶۹.

۲ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، رقم الحديث ۲۳۹۰. آلبانی رحمه الله این حدیث را حسن می داند. صحیح الجامع الصغیر و زیاداته، رقم الحديث ۳۷۴۲.

۳ - فیض القدير شرح الجامع الصغیر، ج ۴ ص ۲۳۸.

۴ - الجامع لأحكام القرآن، ج ۴ ص ۲۳۸.



ترجمه: شهداء در جنت رزق و روزی داده می شود و می خورند و از ناز و نعمت برخوردارند. و این قول در بین اقوال دیگر صحیح اند.

**ب: فرح و خوشحالی شهداء بسبب آنچه که الله متعال از نعمت های خود برایشان ارزانی نموده است و شهداء بشارت می دهند آنان را که بعد از ایشان بدیشان ملحق می گردند.**

الله متعال در مورد می فرماید: {فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۷۰) يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۷۱)}.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: آنها بخاطر نعمتهای فراوانی که الله از فضل خود به آنها بخشیده است خوشحالند و بخاطر کسانی که (مجاهدانی که) بعد از آنها به آنان ملحق نشدند (نیز) خوشوقتند (زیرا مقامات برجسته آنها را در آن جهان می بینند و می دانند) که نه ترسی بر آنها است و نه غمی خواهند داشت. و (نیز) از نعمت الله و فضل او (نسبت به خودشان خوشحال و مسرور می شوند و (می بینند که) الله پاداش مؤمنان را ضایع نمی کند (نه پاداش شهیدان و نه پاداش مجاهدانی که شهید نشدند).

در این آیات مشخص گردید که شهداء بخاطر نعمتهای فراوانی که الله متعال برای شان ارزانی نموده، خوشحال می باشند و هم برای کسانی که بعد از ایشان با ایشان ملحق می گردند، خوشحال اند، زیرا جایگاه و مقام آنها را می بینند.

**ج: شهداء از نفخه صور اول در قبور شان مصنون اند.**

از ثمره دیگری شهادت آن است، که از نفخه و دمیدن صور اول مصنون اند و برایشان کدام آسیب نمی رسند، طوری که الله متعال می فرماید: {وَ نُفِّخُ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ}.<sup>(۲)</sup>

<sup>۱</sup> - {آل عمران، آیات ۱۷۰ - ۱۷۱}.

<sup>۲</sup> - {الزمر، آیه ۶۸}.

ترجمه: و در صور دمیده می شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند می میرند مگر کسانی را که الله بخواهد.

سعدی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: {إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ} ممن ثبتته الله عند النفخة، فلم يصعق، كالشهداء أو بعضهم، وغيرهم.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: مگر کسانی را که الله بخواهد. از کسانی که الله متعال در وقت نفخ ثابت می گرداند، پس آنها نمی میرند، مثل شهداء یا بعضی شان و غیر از آنها.

### د: ارواح شهداء در میان پرندگان سبز رنگ اند.

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه در مورد این آیه سوال شد: {وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ}.<sup>(۲)</sup> ترجمه: (ای پیامبر) هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شده اند مردگانند، بلکه آنها زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

در جواب فرمود: (أَمَا إِنَّا قَدْ سَأَلْنَا عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ: «أَرَأَوْهُمْ فِي جَوْفِ طَيْرٍ خُضِرٍ، لَهَا قَنَادِيلٌ مُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ، تَسْرُخُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءَتْ».)<sup>(۳)</sup>

ترجمه: ما همین سؤال را از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - پرسیدیم، ایشان فرمودند: ارواح شهداء در میان پرندگانی سبزرنگ قرار دارند و قندیل ها (مکان ها) بی دارند که به عرش معلق هستند، در بهشت هر جا که بخواهند به تندی می روند و سپس به جای نخست شان برمی گردند.

در این حدیث مشخص شده است که ارواح شهداء در میان پرندگان سبز رنگ قرار دارند و در هر جای از بهشت که بخواهند به تندی می روند و بر می گردند و این ثمره شهادت است که برای شان اعطاء می گردد.

۱ - تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ج ۱ ص ۷۲۹. همچنان در تفسیر این آیه، محمد محمد عبداللطیف گفته است: {إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ} وهم الشهداء؛ لأنهم {أَحْيَاءٌ} بعد موتهم {عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ}. محمد محمد عبد اللطیف بن الخطیب (المتوفی: ۱۴۰۲هـ)، أوضح التفاسیر، الناشر: المطبعة المصرية ومکتبتها، الطبعة: السادسة، رمضان ۱۳۸۳ هـ - فبرایر ۱۹۶۴ م، ج ۱ ص ۵۶۹.

۲ - {آل عمران، آیه ۱۶۹}.

۳ - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۸۸۷.

## هـ: شهید از عذاب قبر در امان است.

در حدیث شریف آمده است: «لِلشَّهِيدِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سِتٌّ خِصَالٍ أَنْ يُعْفَرَ لَهُ فِي أَوَّلِ دَفْعَةٍ مِنْ دَمِهِ وَيَرَى مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُحَلِّي حُلَّةَ الْإِيمَانِ وَيُجَارَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ...»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: شهید نزد الله شش خصالت دارد: با ریخته شدن اولین قطره خون او گناهانش بخشیده می شود، و جایگاهش را در بهشت می بیند و از عذاب قبر محفوظ می ماند.

در این حدیث مشخص شده است، که شهید از عذاب قبر محفوظ می ماند و این دلالت بر ثمره شهادت می کند.

## مطلب سوم: ثمرات شهید در آخرت

همچنان برای شهداء ثمراتی اند که در آخرت برایشان داده می شود، این ثمرات قرار ذیل اند:

### الف: شهید روز قیامت با رنگ خونی و بوی مسک حاضر می شود.

در حدیث شریف آمده است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُكَلِّمُ أَحَدٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَنْ يُكَلِّمُ فِي سَبِيلِهِ إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَاللُّونُ لَوْنُ الدَّمِّ، وَالرَّيْحُ رِيحُ الْمَسْكَ»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، هرکس، در راه الله زخمی شود - و الله بهتر می داند چه کسی در راه او زخمی می شود - روز قیامت، در حالی حشر می شود، که رنگ زخمش، رنگ خون، و بوی آن، بوی مشک خواهد بود.

ابن حجر رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (ظَاهِرُ قَوْلِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ اخْتِصَاصُهُ بِمَنْ وَقَعَ لَهُ ذَلِكَ فِي قِتَالِ الْكُفَّارِ لَكِنْ يُلْتَحِقُ بِهِ مَنْ قُتِلَ فِي حَرْبِ الْبُعَاةِ وَقُطَاعِ الطَّرِيقِ وَإِقَامَةِ الْمَعْرُوفِ لِإِسْتِرَاكِ الْجَمِيعِ فِي كَوْنِهِمْ شُهَدَاءً)<sup>(۳)</sup>.

۱ - سنن ابن ماجه، رقم الحديث ۲۷۹۹. آلبانی رحمه الله می گوید این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، رقم الحديث ۲۷۹۹.

۲ - صحیح البخاری، رقم الحديث ۲۸۰۳. صحیح مسلم، رقم الحديث ۱۸۷۶.

۳ - فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۹ ص ۶۶۱.

ترجمه: ظاهر قول پیامبر صلی الله علیه وسلم « در راه الله » اختصاص این ثمره است برای کسی که خونس در راه الله در جنگ با کفار واقع گردیده و ریختانده شده، ولی به این ثمره ملحق می گردد، شخص که در جنگ با باغیان، رهنان و اقامه معروف کشته می شود، از جهت اشتراک تمام آنها که شهداء هستند.

### ب: شهید از اهل بیتش شفاعت می کند.

یکی دیگر از ثمرات شهادت آن است، که شهید از اهل بیتش شفاعت می کند، در حدیث شریف آمده است:

«يُسْفَعُ الشَّهِيدُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: شهید هفتاد نفر از اهل بیتش را شفاعت می کند.

در این حدیث مشخص شده است که شهید هفتاد تن از خانواده اش را شفاعت می کند.

همچنان در روایت دیگر از مقدم بن معدیکرب روایت است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود:

«لِلشَّهِيدِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سِتُّ خِصَالٍ... وَيُسْفَعُ فِي سَبْعِينَ إِنْسَانًا مِنْ أَقَارِبِهِ»<sup>(۲)</sup>

ترجمه: شهید نزد الله شش خصلت دارد... و برای هفتاد نفر از نزدیکانش شفاعت می کند.

در این حدیث هم مشخص شده است، که شهید هفتاد نفر از نزدیکان خود را شفاعت می کند.

### ج: خون شهید محبوب ترین چیز نزد الله متعال است.

در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي أُمَامَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ قَطْرَتَيْنِ وَأَنْرَيْنِ، قَطْرَةٌ مِنْ دُمُوعٍ فِي حَشِيَّةِ اللَّهِ، وَقَطْرَةٌ دِمِّ تَهْرَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَأَمَّا الْأَنْرَانِ: فَأَنْرٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَأَنْرٌ فِي فَرِيضَةٍ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ»<sup>(۳)</sup>

ترجمه: ابوامامه صدی بن عجلان باهلی رضی الله عنه روایت می دارد که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: هیچ چیز نزد الله دوست داشتنی تر از دو قطره و دو علامت نیست: قطره اشکی که از ترس الله

۱ - سنن أبي داود، رقم الحديث ۲۵۲۲. البانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث ۲۵۲۲.

۲ - سنن ابن ماجه، رقم الحديث ۲۷۹۹. البانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، رقم الحديث ۲۷۹۹.

۳ - سنن الترمذي، رقم الحديث ۱۶۶۹. البانی رحمه الله می گوید: این حدیث حسن می داند. صحیح وضعیف سنن الترمذي، رقم الحديث ۱۶۶۹.

می ریزد و قطرهء خونی که در راه الله، ریخته می شود، اما دو علامه و نشانه علامهء جهاد در راه الله و علامتی که در فریضه ای از فرائض الله است (یعنی در پیشانی یا زانو از کثرت سجود آشکار گردد).

در این حدیث مشخص شد که نزد الله متعال، چیزی محبوب تر از دو قطره و دو قدم نیست: یکی از آن قطره، قطره ی خونی است که در راه الله متعال ریخته می شود.

### **د: شهید در آخرت آرزو می کند تا دوباره به دنیا بر گردد تا دوباره کشته شود.**

در حدیث شریف آمده است: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَمُوتُ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ يَسْرُهُ أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا وَأَنَّ لَهُ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا إِلَّا الشَّهِيدَ لِمَا يَرَى مِنْ فَضْلِ الشَّهَادَةِ فَإِنَّهُ يَسْرُهُ أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا فَيُقْتَلَ مَرَّةً أُخْرَى».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: هر بنده ای که وارد بهشت می شود اگر همه ی دنیا را به او بدهند آرزوی بازگشت به آنرا ندارد، مگر شهید که آرزو می کند به دنیا برگردد و بار دیگر در راه الله به شهادت برسد، از آنجا که او فضل و احترام خاصی را برای شهید مشاهده می کند.

ابن بطال رحمه الله می گوید: این حدیث بزرگترین حدیثی است که در مورد فضل و ثمره شهادت روایت شده است، در هیچ کاری انسان جان خود را فدا نمی کند مگر در جهاد، بدین علت از همه ی اعمال بهتر است.<sup>(۲)</sup>

### **ه: دخول جنت و حصول اجر، نعمت و فضل بزرگ برای شهید می گردد.**

الله متعال در مورد می فرماید: {فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَاباً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ}.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: آنها که در راه الله هجرت کردند، و از خانه های خود بیرون رانده شدند، و در راه من آزار دیدند، و جنگ کردند و کشته شدند سوگند یاد می کنم، که گناهان آنها را می بخشم، و آنها را در بهشتهایی که از

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۲۷۹۵.

۲ - شرح صحیح البخاری - لابن بطال، ج ۵ ص ۳۰.

۳ - {آل عمران، آیه ۱۹۵}.

زیر درختان آن نهرها جاری است، وارد می‌کنم، این پاداشی است از طرف الله، و بهترین پاداشها نزد پروردگار است.

همچنان الله متعال می‌فرماید: {إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ} (۱).

ترجمه: الله از مومنان جانها و اموالشان را خریداری می‌کند که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد (به این گونه که) در راه الله پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند، این وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده، و چه کسی از الله به عهدش وفادارتر است، اکنون بشارت باد بر شما به داد و ستدی که با الله کرده اید و این پیروزی بزرگی (برای شما) است.

در هردو آیه فوق مشخص گردید که الله متعال برای شهید جنت، حصول اجر و نعمت های بزرگ نصیب می‌گرداند.

همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ أُمَّ الرَّبِيعِ بِنْتَ الْبَرَاءِ وَهِيَ أُمُّ حَارِثَةَ بْنِ سُرَّاقَةَ، أَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَا تُحَدِّثُنِي عَنْ حَارِثَةَ، وَكَانَ قُتِلَ يَوْمَ بَدْرٍ، فَإِنْ كَانَ فِي الْجَنَّةِ صَبْرَتْ، وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ اجْتَهَدْتُ عَلَيْهِ فِي الْبُكَاءِ، فَقَالَ: «يَا أُمَّ حَارِثَةَ إِنَّهَا جَنَّانٌ فِي الْجَنَّةِ، وَإِنَّ ابْنَكَ أَصَابَ الْفَرْدُوسَ الْأَعْلَى» (۲).

ترجمه: انس بن مالک - رضي الله عنه - مي‌گويد: ام ربيع، دختر براء؛ که مادر سراقه بن حارثه بود، نزد رسول اکرم - صلى الله عليه وسلم - آمد و گفت: اي رسول الله! مرا از وضع حارثه با خبر کن - گفتني است که حارثه در روز بدر بوسيله تير فرد ناشناسي کشته شده بود - اگر در بهشت است، صبر مي‌کنم وگر نه، براي بسيار گريه مي‌کنم. پيامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمود: اي ام حارثه! بهشت، درجات مختلف دارد و يقيناً فرزند تو در فردوس برين، جاي دارد.

درین حدیث مشخص گردید که شهید در جنت است، مثل که برای ام حارثه، پیامبر صلى الله عليه وسلم این موضوع را تصریح کرد.

۱ - {التوبة، آیه ۱۱۱}.

۲ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۲۸۰۹.

## و: شهید در بالاترین طبقه جنت که جنت الفردوس است، قرار می گیرد.

طوری که در حدیث ام حارثه گذشت که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: « يا أم حارثة إنَّها جنانٌ في الجنة، وإنَّ ابْنَكَ أَصاب الفردوسَ الأعلى ». (۱)

ترجمه: ای ام حارثه! بهشت، درجات مختلف دارد و یقیناً فرزند تو در فردوس برین، جای دارد.

در این حدیث واضح گردیده است که جنت درجات مختلف دارد و شهید در فردوس برین است. از همین جهت ملا علی القاری حنفی رحمه الله می نویسد: (أَنَّ مَنْزِلَةَ دَرَجَةِ الشَّهِيدِ الَّذِي نَالَ مِنْ دَرَجَاتِ الشَّهَادَةِ أَقْصَاهَا وَغَايَتُهَا هُوَ الْفِرْدَوْسُ الْأَعْلَى). (۲)

ترجمه: منزلت درجه شهید که به درجات شهادت نایل می گردد، اقصا و نهایتش فردوس اعلی است.

## ز: خانه شهداء زیباترین و بهترین خانه در جنت است.

یکی از دیگر از ثمرات شهادت آن است، که شهداء اولین داخل شوندگان در جنت است، در حدیث شریف آمده است: عَنْ سَمْرَةَ قَالَتْ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَيْتُ اللَّيْلَةَ رَجُلَيْنِ أُتِيَانِي فَصَعِدَا بِي الشَّجْرَةَ فَأَدْخَلَانِي دَارًا هِيَ أَحْسَنُ وَأَفْضَلُ لَمْ أَرَ قَطُّ أَحْسَنَ مِنْهَا قَالَا أَمَا هَذِهِ الدَّارُ فَدَارُ الشُّهَدَاءِ». (۳)

ترجمه: از سمره رضي الله عنه روایت شده که: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: دیشب در خواب دیدم که دو مرد نزد من آمده و مرا به درخت بالا نموده، و به خانه ای داخل کردند که بسیار نیکو و زیبا بود و هرگز زیبا تر از آن را ندیده بودم. آن دو مرد گفتند: این خانه شهدا است.

درین حدیث واضح شده است که بهترین و زیباترین خانه برای شهداء است و این فضل پروردگار است که برای شهداء ارزانی می کند.

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۲۸۰۹.

۲ - مرقات المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۶ ص ۲۴۸۲.

۳ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۲۷۹۱.

## ح: الله متعال به شهداء خنده ضحك می کند.

در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَضْحَكُ اللَّهُ إِلَى رَجُلَيْنِ يَفْتُلُ أَحَدُهُمَا الْأَخَرَ يَدْخُلَانِ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُ هَذَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلُ ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَى الْقَاتِلِ فَيُسْتَشْهِدُ» (۱).

ترجمه: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: الله می خندد بحال دو مردی که یکی دیگری را می کشد و هر دو به بهشت داخل می گردند، یکی شان در راه الله جهاد می کند و شهید می شود و الله توبهء قاتل را می پذیرد که او هم مسلمان می شود و در راه الله شهید می گردد.

درین حدیث واضح شد که الله متعال از شهید خوشحال، راضی و به شهادتش خنده می کند و این ثمره شهادت را نشان می دهد.

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۲۸۲۶. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۵۰۰۰.



## نتیجه گیری

از تحقیق حاضر نتایج ذیل را بدست آوردم:

- ۱- نتیجه گرفتم که معنای عام شهید عبارت از شخص است که قرآن کریم و احادیث نبوی بر تسمیه آن تصریح نموده اند، و به سه نوع است: شهید دنیا و آخرت، شهید آخرت، و شهید دنیا. شهید آخرت کسی است که در آخرت اجر یک شهید را خواهد داشت ولی در این دنیا همان احکام میت عادی بر او جاری میشود. شهید دنیا و آخرت کسی است که در آخرت اجر یک شهید را دارد و در دنیا هم احکام میت عادی بر وی جاری نمیشود. شهید دنیا کسی است که در آخرت اجر یک شهید را حاصل نمیکند ولی در این دنیا همان احکام میت شهید بر او جاری میشود.
- ۲- در صورت که شهید بشکل مطلق در قرآن و حدیث ذکر شده باشد، مراد شهید خاص است، شهیدی که در جنگ با کفار کشته شده است.
- ۳- طلب شهادت و آرزوی آن هر زمان و هر وقت کار مستحب و نیک است.
- ۴- شهادت یک منزلت بزرگ و یک مقام ارزشمند و از شعایر دین است، بنابراین، اطلاق این کلمه بالای هر شخص مناسب نیست، یعنی نباید برای هر شخص کلمه شهید اطلاق گردد، مگر در صورت که معیارات و شرایط آن را ایفاء نموده باشد و با آن هم خود داری کردن بهتر است.
- ۵- از ثمرات شهید و شهادت دانسته می شود، همان طوری که جهاد در راه الله متعال قلۀ بلندی اسلام است، به همین شکل شهادت در راه الله متعال بهترین مرگ با عزت محسوب می گردد.
- ۶- مهمترین نقش را در بلند بردن ارزش و مقام شهادت، اخلاص و نیت پاک دارد، بنابراین، همیشه شخص در راه اعلائی کلمة الله اخلاص و نیت پاک داشته باشد، تا شهادتش مورد قبول و پسند الله متعال قرار گیرد.
- ۷- الله متعال، امت محمد صلی الله علیه وسلم را زیاد اکرام نموده است، مرگ با تعداد از اسباب را شهادت برای شان گردانیده است.

## پیشنهادات

برای اینکه مردم مسلمان افغانستان از شهید و مقام شهادت آگاهی بهتر و خوبتر حاصل نمایند و از طرف دیگر اسباب شهادت را دانسته تا برای شان در این عرصه جهل و نا آگاهی باقی نمانند و برای هر کس شهید نگویند، موارد ذیل را پیشنهاد می کنم:

۱- برای پوهنتون سلام که یک پوهنتون علمی و آکادمی و تحقیقی است، پیشنهاد می نمایم تا در این عرصه باز هم تحقیقات بیشتر و بهتر انجام دهند. بر این اساس موضوع را که من کار کردم، شهید و شهادت در روشنی سنت است، ولی عناوین دیگری است که بهتر است تا روی آنها هم به حیث منوگراف لیسانس و تیزس ماستری قرار گرفته و روی شان کار شوند، از جمله: ۱- عملیات استشهادی در روشنی قرآن و سنت. ۲- جهاد در راه الله متعال در روشنی قرآن و سنت. ۳- بغاوت و احکام آن در روشنی قرآن و سنت. ۴- قتل و انواع آن در روشنی قرآن و سنت و غیره.

۲- برای علمای کرام پیشنهاد می کنم تا سیستم آگاهی دهی شان را در رسانه های صوتی و تصویری روی این موضوع و سایر موضوعات که مردم از آنها آگاهی عمیق ندارند، بیشتر نمایند و از اهمیت و فضیلت شهید و شهادت که ایمان و آخرت انسان را کامل می سازد، به مردم بازگو نمایند، تا مردم از منزلت و ثمره شهادت آگاهی بیشتر حاصل نمایند.

۳- به همین شکل به وزارت ارشاد، حج و اوقاف پیشنهاد می کنم تا سیستم آگاهی دهی شان را راجع به جهاد و شهادت بخصوص از طریق مساجد و منابر در روشنی قرآن کریم و سنت نبوی بیشتر نماید، تا مردم مسلمان افغانستان از مسایل و موضوعات جهاد و شهادت یک آگاهی کامل حاصل نموده و در این عرصه بیدار باشند و درک کنند که یکی از رمزهای موفقیت اسلام و مسلمین همین جهاد و شهادت اند.

## فهرست آيات قرآن كريم

شماره	آيات	سوره	شماره آيت	صفحه
١	أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ.	الجاثية	٢١	٧٧،٨٠
٢	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَى بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ.	آل عمران	٩١	٢٩
٣	إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.	التوبة	١١١	١٨،٣٩ ١٠٥
٤	إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا.	النساء	١٤٥	٢٩
٥	شَاهِدِينَ عَلَى أَنفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ	التوبة	١٧	١٠
٦	عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ	الانعام	٧٣	١١
٧	فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ تَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ التَّوَابِ.	آل عمران	١٩٥	١٠٤
٨	فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (١٧٠) يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ (١٧١).	آل عمران	١٧٠ — ١٧١	١٠٠

٩	٦	النور	فَشَهَادَةٌ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ	٩
٢٤	٧٤	النساء	فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا.	١٠
٨	١٨٥	البقرة	فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ	١١
٢٩	٦٥	الزمر	لَنْ أَشْرَكَتَ لِيُخْبِطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ.	١٢
١٠١	١٦٩	آل عمران	وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ	١٣
٩٨،١٧	١٥٤	البقرة	وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَ لَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ	١٤
١٩	٦	النساء	وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ	١٥
١٠٠	٦٨	الزمر	وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ.	١٦
٦٠	٥٨	الحج	وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَتَلُوا أَوْ مَاتُوا لَيُرْزَقَنَّهُمْ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا.	١٧
١٦	٧٨	الحج	وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ	١٨
٨	١٩	الزخرف	وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاءً أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ	١٩
٣٢	٢٠	الفتح	وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَعَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا.	٢٠
١٧	١٦٩ — ١٧١	آل عمران	وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ.	٢١
١٣	١٦٩	آل عمران	وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا...	٢٢

٢٣	وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتَ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ	البقرة	١٥٤	٩٠
٢٤	وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنتُمْ تَنْظُرُونَ	آل عمران	١٤٣	٦٧
٢٥	وَمَا أَمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ.	البينة	٥	٣١
٢٦	وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا	يوسف	٨١	١٠
٢٧	وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ.	النساء	١٠٠	٦١
٢٨	وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا.	النساء	٦٩	١٩
٢٩	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ وَمَنْ يُولِهِمْ يُؤمِدُّ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبئسَ الْمَصِيرُ.	الانفال	١٥ - ١٦	٣٤
٣٠	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِتْنَةً فَاتَّبِعُوا وَأذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.	الانفال	٤٥	٣٤

## فهرست أحاديث نبوي

شماره	حديث	صفحه
١	اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوبِقَاتِ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا هُنَّ قَالَ: «الشِّرْكَ بِاللَّهِ وَالسِّحْرُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَكْلُ الرِّبَا وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَالتَّوَلَّى يَوْمَ الرَّحْفِ وَقَدْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْعَافِلَاتِ.	٣٥
٢	إِذَا سَمِعْتُمْ بِأَرْضٍ فَلَا تَقْدَمُوا عَلَيْهَا، وَإِذَا وَقَعَ بِأَرْضٍ وَأَنْتُمْ بِهَا فَلَا تَخْرُجُوا فِرَارًا مِنْهُ.	٤٤
٣	أَمَا إِنَّا قَدْ سَأَلْنَا عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ: «أُرْوَاهُمْ فِي جَوْفِ طَيْرٍ خُضِرٍ، لَهَا فَنَادِيلٌ مُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ، تَسْرُحُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءَتْ.	٩٦
٤	إِنَّ الْجَنَّةَ لَا تَحِلُّ لِعَاصٍ، إِنَّ الْجَنَّةَ لَا تَحِلُّ لِعَاصٍ.	٧٨
٥	أَنَّ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَالْإِيمَانَ بِاللَّهِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ.	٣٤
٦	إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُفْضَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْهِ رَجُلٌ اسْتَشْهَدَ، فَأَتَى بِهِ فَعَرَفَهُ نِعْمَهُ فَعَرَفَهَا، قَالَ: فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا؟ قَالَ: قَاتَلْتُ فِيكَ حَتَّى اسْتَشْهَدْتُ، قَالَ: كَذَبْتَ، وَلَكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِأَنْ يُقَالَ: جَرِيءٌ، فَقَدْ قِيلَ، ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَى وَجْهِهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ.	٣١
٧	إِنَّ شَهْدَاءَ أُمَّتِي إِذَا لَقِيلُ، أُلْقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شَهَادَةً... وَالْمَجْنُوبُ -يَعْنِي ذَاتَ الْجَنْبِ- هَادَةٌ.	٥٧
٨	إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مِئَةَ دَرَجَةٍ أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا بَيْنَ الدَّرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ	٨٠-٨١
٩	إِنَّ مِمَّنْ يَغْرَقُ فِي الْبُحُورِ وَيَتَرَدَّى مِنَ الْجِبَالِ وَتَأْكُلُهُ السِّبَاغُ لَشَهْدَاءَ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	٤٤
١٠	إِنَّمَا خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُرِيدُ عِيرَ قُرَيْشٍ حَتَّى جَمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ عَدُوِّهِمْ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ.	٣٣
١١	أَنَّهُ عَدَابٌ يَبْعَثُهُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ، وَأَنَّ اللَّهَ جَعَلَهُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ يَقَعُ الطَّاعُونَ فَيَمُكُّتُ فِي بَلَدِهِ صَابِرًا مُحْتَسِبًا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يُصِيبُهُ إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ إِلَّا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ شَهِيدٍ.	٤٤

٨١	أَنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَفْسٌ مُؤْمِنَةٌ، وَلَا يَدْخُلُهَا عَاصٍ.	١٢
٦٤	جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَ الرَّجُلُ يَا نَبِيَّ فَيُرِيدُ مَالِي قَالَ دَكَّرَهُ بِاللَّهِ قَالَ فَإِنْ لَمْ يَدَّكَّرْ قَالَ فَاسْتَعِنَ عَلَيْهِ مِنْ حَوْلِكَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ قَالَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ حَوْلِي أَحَدٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ قَالَ فَاسْتَعِنَ عَلَيْهِ بِالسُّلْطَانِ قَالَ فَإِنْ نَأَى السُّلْطَانُ عَنِّي قَالَ فَاتِلْ دُونَ مَالِكَ حَتَّى تَكُونَ مِنْ شُهَدَاءِ الْآخِرَةِ أَوْ تَمْنَعَ مَالَكَ.	١٣
٥٨	جاء رجلٌ إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: يا رسول الله أرأيت إن جاء رجلٌ يُريدُ أخذَ مالي؟ قال: «فلا تُعطيه مالك» قال: أرأيت إن قاتلني؟ قال: «قاتله» قال: أرأيت إن قتلني؟ قال: «فأنت شهيد» قال: أرأيت إن قتلته؟ قال: «هو في النار».	١٤
٧٥	جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: أَرَأَيْتَ إِنْ جَاهَدْتُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِنَفْسِي وَمَالِي حَتَّى أُقْتَلَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ، أَدْخُلُ الْجَنَّةَ؟ قَالَ: " نَعَمْ "، فَلَمَّا وَلَّى دَعَاهُ، فَقَالَ: «إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَلَيْكَ دَيْنٌ، لَيْسَ لَهُ عِنْدَكَ وَقَاءٌ».	١٥
٦٥	الَّذِي يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. وَالسُّلُّ شَهَادَةٌ	١٦
٩٨	رَأَيْتُ اللَّيْلَةَ رَجُلَيْنِ رَجُلَيْنِ أَتَيْتَانِي فَصَعِدَا بِي الشَّجَرَةَ فَأَدْخَلَانِي دَارًا هِيَ أَحْسَنُ وَأَفْضَلُ لَمْ أَرَ قَطُّ أَحْسَنَ مِنْهَا قَالَا أَمَا هَذِهِ الدَّارُ فَدَارُ الشُّهَدَاءِ.	١٧
٣٨	سُئِلَ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «إِيمَانٌ لَا شَكَّ فِيهِ، وَجِهَادٌ لَا غُلُولَ فِيهِ، وَحَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ»... قِيلَ: فَأَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «مَنْ جَاهَدَ الْمُشْرِكِينَ بِمَالِهِ، وَنَفْسِهِ» قِيلَ: فَأَيُّ الْقَتْلِ أَشْرَفُ؟ قَالَ: «مَنْ أَهْرَبَ دَمَهُ، وَعَقَرَ جَوَادَهُ».	١٨
٢٧،٥٠،٥٣	الشُّهَدَاءُ حَمْسَةٌ الْمَطْعُونُ وَالْمَبْطُونُ وَالْعَرَقُ وَصَاحِبُ الْهَدْمِ وَالشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.	١٩
٥١،٥٤،٥٦،٥٩ ٨٨-٨٩	الشُّهَدَاءُ سَبْعَةٌ سِوَى الْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: الْمَطْعُونُ شَهِيدٌ، وَالْعَرِيقُ شَهِيدٌ، وَصَاحِبُ ذَاتِ الْجَنْبِ شَهِيدٌ، وَالْمَبْطُونُ شَهِيدٌ، وَالَّذِي يَمُوتُ تَحْتَ الْهَدْمِ شَهِيدٌ، وَالْمَرْأَةُ تَمُوتُ بِجَمْعٍ شَهِيدٌ، وَصَاحِبُ الْحَرِيقِ شَهِيدٌ.	٢٠
٩١	الشُّهَدَاءُ عَلَى بَارِقٍ - نَهْرٍ بِنَابِ الْجَنَّةِ - فِي قُبَّةِ خَضْرَاءَ، يَخْرُجُ عَلَيْهِمْ رِزْقُهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ بُكَرَةً وَعَشِيًّا	٢١
٤٥،٧٩	الطَّاعُونَ شَهَادَةٌ لِكُلِّ مُسْلِمٍ	٢٢
٤٤	الطَّعْنُ قَدْ عَرَفْنَاهُ فَمَا الطَّاعُونَ؟ قَالَ: «غَدَّةٌ كَغَدَّةِ الْبَعِيرِ، الْمُقِيمُ بِهَا كَالشَّهِيدِ، وَالْفَارُّ مِنْهَا كَالْفَارِّ مِنَ الرَّحْفِ».	٢٣

٢٨	الْقَتْلُ ثَلَاثَةٌ... وَرَجُلٌ مُنَافِقٌ جَاهِدَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ، حَتَّى إِذَا لَقِيَ الْعَدُوَّ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى يُقْتَلَ، فَإِنَّ ذَلِكَ فِي النَّارِ، السَّيْفُ لَا يَمْحُو النِّفَاقَ.	٢٤
٤١	قُلْتُ لِسَلْمَةَ بِنِ الْأَكْوَعِ عَلَى أَيِّ شَيْءٍ بَايَعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ الْحُدَيْبِيَّةِ قَالَ: عَلَى الْمَوْتِ.	٢٥
٧٢	كَلَّا وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، إِنَّ الشِّمْلَةَ لَتَأْتَهُبُ عَلَيْهِ نَارًا أَحَدَهَا مِنَ الْعَنَائِمِ يَوْمَ حَيْبَرَ لَمْ تُصِبْهَا الْمَقَاسِمُ	٢٦
٧١	كَلَّا، إِنِّي رَأَيْتُهُ فِي النَّارِ فِي بُرْدَةٍ غَلَّهَا - أَوْ عَبَاءَةٍ	٢٧
٧٠	لَا تَمَنَّوْا لِقَاءَ الْعَدُوِّ، فَإِذَا لَقَيْتُمُوهُمْ فَاصْبِرُوا	٢٨
٤٩	لَا يَتَمَنَّيَنَّ أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ لِضُرِّ نَزَلَ بِهِ، فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ مُتَمَنَّيًّا فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا كَانَتْ الْحَيَاةُ خَيْرًا لِي، وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي.	٢٩
٢٢	لِلشَّهِيدِ عِنْدَ اللَّهِ سِتٌّ خِصَالٍ: يُعْفَرُ لَهُ فِي أَوَّلِ دَفْعَةٍ، وَيَرَى مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَيَجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَيَأْمَنُ مِنَ الْفَرَعِ الْأَكْبَرِ، وَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْوَقَارِ، الْيَاقُوتَةُ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، وَيُرْوَجُ اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ زَوْجَةً مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، وَيَشْفَعُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَقَارِبِهِ.	٣٠
٩٥، ٩٣	لِلشَّهِيدِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سِتٌّ خِصَالٍ أَنْ يُعْفَرَ لَهُ فِي أَوَّلِ دَفْعَةٍ مِنْ دَمِهِ وَيَرَى مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَيَحْلَى حُلَّةَ الْإِيمَانِ وَيَجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ...	٣١
٩٥	لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَطْرَتَيْنِ وَأَثَرَيْنِ، قَطْرَةٌ مِنْ دُمُوعٍ فِي حَشْيَةِ اللَّهِ، وَقَطْرَةٌ دَمٍ نُهْرَاقٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَأَمَّا الْأَثَرَانِ: فَأَثَرٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَأَثَرٌ فِي فَرِيضَةٍ مِنْ فَرَايِضِ اللَّهِ.	٣٢
٢٠	مَا أَحَدٌ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يُحِبُّ أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا وَلَهُ مَا عَلَى الْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا الشَّهِيدُ يَتَمَنَّى أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا فَيُقْتَلَ عَشْرَ مَرَّاتٍ لِمَا يَرَى مِنَ الْكِرَامَةِ.	٣٣
٣٠	مَا مِنْ عَدِيٍّ يَمُوتُ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ يَسْرُهُ أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا وَأَنَّ لَهُ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا إِلَّا الشَّهِيدَ لِمَا يَرَى مِنْ فَضْلِ الشَّهَادَةِ فَإِنَّهُ يَسْرُهُ أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا فَيُقْتَلَ مَرَّةً أُخْرَى.	٣٤
٢٠	مَا يَجِدُ الشَّهِيدُ مِنْ مَسِّ الْقَتْلِ إِلَّا كَمَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ مِنْ مَسِّ الْقَرْصَةِ	٣٥
٤٨	الْمُبْطُونُ شَهِيدٌ وَالْمَطْعُونُ شَهِيدٌ.	٣٦
٤٨	مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ، بَلَّغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشَّهَدَاءِ، وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ	٣٧



٣٨	مَنْ طَلَبَ الشَّهَادَةَ صَادِقًا، أُعْطِيَهَا، وَلَوْ لَمْ تُصِبْهُ
٣٩	مَنْ فَصَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمَاتَ، أَوْ قُتِلَ فَهُوَ شَهِيدٌ...
٤٠	مَنْ قَاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.
٤١	مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ.
٤٢	وَالْحَرْقُ وَالْمَجْنُوبُ -يَعْنِي ذَاتَ الْجَنْبِ- شَهَادَةٌ.
٤٣	وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُكَلِّمُ أَحَدًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَنْ يُكَلِّمُ فِي سَبِيلِهِ إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَاللُّونُ لَوْنُ الدَّمِ، وَالرَّيْحُ رِيحُ الْمِسْكِ.
٤٤	وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ أَحْيِيَ، ثُمَّ قُتِلَ ثُمَّ أَحْيِيَ، ثُمَّ قُتِلَ وَعَلَيْهِ دَيْنٌ، مَا دَخَلَ الْجَنَّةَ حَتَّى يُقْضَى عَنْهُ دَيْنُهُ.
٤٥	وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَوْ أَنَّ رَجُلًا يَكْرَهُونَ أَنْ يَتَخَلَّفُوا بَعْدِي، وَلَا أُجِدُ مَا أَحْمَلُهُمْ، مَا تَخَلَّفْتُ، لَوِدِدْتُ أَبِي أُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ، ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ، ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ
٤٦	وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دِينِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ.
٤٧	يَا أُمَّ حَارِثَةَ إِنَّهَا جَنَّانٌ فِي الْجَنَّةِ، وَإِنَّ ابْنَكَ أَصَابَ الْفَرْدُوسَ الْأَعْلَى.
٤٨	يُشْفَعُ الشَّهِيدُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ.
٤٩	يَضْحَكُ اللَّهُ إِلَى رَجُلَيْنِ يَقْتُلُ أَحَدُهُمَا الْآخَرَ يَدْخُلَانِ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُ هَذَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلُ ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَى الْقَاتِلِ فَيَسْتَشْهَدُ.
٥٠	يُغْفَرُ لِلشَّهِيدِ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا الدِّينَ
٢١،٧٤	

## فهرست اعلام

شماره	اسم	صفحه
۱	ابن الاثير	۱۵
۲	ابن الانبارى	۱۱
۳	ابن بطلال	۹۷، ۲۰
۴	ابن حجر	۹۴، ۷۴، ۷۲، ۶۴، ۶۳، ۵۵، ۴۳، ۳۶، ۱۳
۵	ابن رجب	۳۱، ۱۳
۶	ابن عاشور	۹
۷	ابن عبدالبر	۵۶، ۴۷
۸	ابن علان	۲۵
۹	ابن كثير	۹۰، ۳۲، ۱۸
۱۰	ابن منظور افريقى	۴۰، ۷
۱۱	ابن نحاس	۳۱
۱۲	ابوالفرج الجوزى	۱۱
۱۳	ابوبكر ابن العربى	۷۴، ۶۸، ۵۲، ۴۹
۱۴	ابويعلى	۳۷
۱۵	ازهرى	۵۳، ۵۱
۱۶	آلبانى.	۲۹
۱۷	آلوسى	۱۰
۱۸	بدرالدين عينى	۴۸، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۰، ۲۵
۱۹	بغوى	۱۷
۲۰	بيضاوى	۶۲، ۵۶، ۲۴
۲۱	خطابى	۵۸
۲۲	سعدى	۹۲، ۳۳
۲۳	سهيلى	۲۱، ۱۶

سیوطی	۲۴	،۵۱ ،۱۲
شاه انورشاه کشمیری.	۲۵	،۸۸ ،۸۱ ،۲۶
شوکانی	۲۶	،۷۲ ،۴۶
شیخ أحمد وسام	۲۷	۸۱ - ۸۰
شیخ محمد بن صالح عثیمین	۲۸	۸۶
شیخ محمد صالح المنجد	۲۹	۸۱
شیخ محمد صبري عبد الرحيم	۳۰	۸۱
صنعانی	۳۱	،۶۰ ،۵۸ ،۴۱
طبرانی	۳۲	۹
طبری	۳۳	،۲۷ ،۱۶ ،۱۲
عبدالله بن سليمان بن منيع	۳۴	۸۷
عبدالمحسن عباد	۳۵	۸۳
علي بن نايف الشحود	۳۶	۸۰
فخر رازی	۳۷	۱۲
قرطبی	۳۸	،۹۱ ،۶۶ ،۳۱ ،۸
کرمانی	۳۹	۲۶
کفوی	۴۰	۴۹
محمد الأمين الهري	۴۱	،۵۴ ،۵۰ ،۴۸
مرتضى زبيدي	۴۲	،۷۸ ،۴۶ ،۴۴ ،۸
ملا علی القاری.	۴۳	۹۸ ،۳۹
مناوی	۴۴	،۹۱ ،۸۶ ،۵۳ ،۱۳
نووی	۴۵	،۶۴ ،۵۹ ،۵۵ ،۵۳ ،۴۵ ،۴۰ ،۳۰ ،۲۰ ،۱۴ ، ،۹۰ ،۸۶ ،۸۲ ،۶۹ ،۶۷

## فهرست منابع و مآخذ

قرآن كريم

١. ابن ابى شيبه، عبد الله بن محمد بن أبى شيبة، أبو بكر العبسي الكوفي (١٥٩ - ٢٣٥ هـ)، المصنف، المحقق: كمال يوسف الحوت، الناشر: مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٠٩ هـ.
٢. ابن الأثير، المبارك بن محمد بن محمد بن عبد الكريم، مجد الدين أبو السعادات الشيباني الجزري (المتوفى: ٦٠٦ هـ)، الشَّافِي فِي شَرْحِ مُسْنَدِ الشَّافِعِيِّ لِابْنِ الْأَثِيرِ، المحقق: أحمد بن سليمان - أبي تميم ياسر بن إبراهيم، الناشر: مكتبة الرُّشد، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٢٦ هـ - ٢٠٠٥ م.
٣. ابن الأثير، المبارك بن محمد بن محمد بن عبد الكريم، مجد الدين أبو السعادات الشيباني الجزري (المتوفى: ٦٠٦ هـ)، النهاية في غريب الحديث، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت، ١٣٩٩ هـ - ١٩٧٩ م.
٤. ابن الأنباري، محمد بن القاسم بن محمد بن بشار، أبو بكر (المتوفى: ٣٢٨ هـ)، الزاهر في معاني كلمات الناس، المحقق: حاتم صالح الضامن، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م.
٥. ابن الجزري، محمد بن محمد بن يوسف، شمس الدين أبو الخير (المتوفى: ٨٣٣ هـ)، غاية النهاية في طبقات القراء، الناشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: عني بنشره لأول مرة عام ١٣٥١ هـ.
٦. ابن العربي، محمد بن عبد الله أبو بكر بن العربي المعافري الاشبيلي المالكي (المتوفى: ٥٤٣ هـ)، المسالك في شرح مؤطاً مالك، الناشر: دار الغرب الإسلامي، الطبعة: الأولى، ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٧ م.
٧. ابن الملقن، عمر بن علي بن أحمد، سراج الدين أبو حفص الشافعي المصري (المتوفى: ٨٠٤ هـ)، التوضيح لشرح الجامع الصحيح، المحقق: دار الفلاح للبحث العلمي وتحقيق التراث، الناشر: دار النوادر، دمشق - سوريا، الطبعة: الأولى، ١٤٢٩ هـ - ٢٠٠٨ م.
٨. ابن بطال، علي بن خلف بن عبد الملك، أبو الحسن (المتوفى: ٤٤٩ هـ)، شرح صحيح البخارى لابن بطال، تحقيق: أبو تميم ياسر بن إبراهيم، دار النشر: مكتبة الرشد - السعودية، الرياض، الطبعة: الثانية، ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٣ م.

٩. ابن تيمية، أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية، تقي الدين أبو العباس الحراني (المتوفى: ٧٢٨هـ)، مجموع الفتاوى، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية، ١٤١٦هـ/١٩٩٥م.
١٠. ابن جبرين، عبد الله بن عبد الرحمن الجبرين، الفتاوى الشرعية في المسائل الطبية، المكتبة الشاملة، ج ٣ ص ٥٧ - ٦٣. كمال مختار إسماعيل أبو أحمد، كنوز في الرقية والطب النبوي، المكتبة الشاملة.
١١. ابن حجر، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ)، لسان الميزان، المحقق: دائرة المعارف النظامية - الهند، الناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ١٣٩٠هـ/١٩٧١م.
١٢. ابن حجر، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ)، المطالب العالیة بزوائد المسانيد الثمانية، الناشر: دار العاصمة للنشر والتوزيع - دار الغيث للنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى، ١٤١٩هـ - ١٩٩٨م.
١٣. ابن حجر، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، بذل الماعون، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٣٧٩.
١٤. ابن حجر، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، فتح الباري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٣٧٩.
١٥. ابن حجر، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر، أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ)، الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة، المحقق: محمد عبد المعيد ضان، الناشر: مجلس دائرة المعارف العثمانية - صيدر اباد الهند، الطبعة: الثانية، ١٣٩٢هـ/١٩٧٢م.
١٦. ابن خلكان، أبو العباس شمس الدين أحمد بن محمد بن إبراهيم بن أبي بكر البرمكي الإربلي (المتوفى: ٦٨١هـ)، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: ١٩٠٠م.
١٧. ابن رجب، عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، زين الدين، السلامي، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: ٧٩٥هـ)، روائع التفسير، الناشر: دار العاصمة - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى ١٤٢٢ - ٢٠٠١م.
١٨. ابن رجب، عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، زين الدين، السلامي، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: ٧٩٥هـ)، جامع العلوم والحكم في شرح خمسين حديثاً من جوامع الكلم، المحقق: شعيب الأرنؤوط - إبراهيم باجس، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: السابعة، ١٤٢٢هـ - ٢٠٠١م.

١٩. ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي (المتوفى: ١٣٩٣هـ)،  
التحرير والتنوير، الناشر: الدار التونسية للنشر، تونس، ١٩٨٤ هـ.
٢٠. ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم، أبو عمر النمري القرطبي (المتوفى:  
٤٦٣هـ)، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، تحقيق: مصطفى بن أحمد العلوي، محمد عبد  
الكبير البكري، الناشر: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية - المغرب، ١٣٨٧ هـ.
٢١. ابن علان، محمد علي بن محمد بن علان بن إبراهيم البكري الصديقي الشافعي (المتوفى: ١٠٥٧هـ)،  
دليل الفالحين لطرق رياض الصالحين، الناشر: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان،  
الطبعة: الرابعة، ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٤ م.
٢٢. ابن فرحون، إبراهيم بن علي بن محمد، برهان الدين اليعمرى المالكي (المتوفى: ٧٩٩هـ)، الديباج  
المذهب في معرفة أعيان علماء المذهب، تحقيق وتعليق: محمد الأحمدى أبو النور، الناشر: دار التراث  
للطباعة والنشر، القاهرة.
٢٣. ابن قاضي شهبة، أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر بن قاضي شهبة، طبقات الشافعية - لابن قاضي  
شهبة، دار النشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٧هـ.
٢٤. ابن كثير، إسماعيل بن عمر بن كثير، أبو الفداء القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ٧٧٤هـ)،  
تفسير القرآن العظيم، المحقق: سامي بن محمد سلامة، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، بيروت، الطبعة:  
الثانية ١٤٢٠هـ - ١٩٩٩ م.
٢٥. ابن كثير، إسماعيل بن عمر بن كثير، أبو الفداء القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ٧٧٤هـ)،  
طبقات الشافعيين، تحقيق: أحمد عمر هاشم، د محمد زينهم محمد عزب، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية،  
تاريخ النشر: ١٤١٣ هـ - ١٩٩٣ م.
٢٦. ابن منظور الإفريقي، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين الأنصاري الرويفعي،  
(المتوفى: ٧١١هـ)، لسان العرب، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الثالثة - ١٤١٤ هـ.
٢٧. ابن نحاس، أحمد بن إبراهيم بن النحاس الدمياطي، الدمشقي، مشارع الأشواق إلى مصارع العشاق  
ومثير الغرام إلى دار السلام، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة.
٢٨. أبو الطيب محمد صديق خان بن حسن بن علي ابن لطف الله الحسيني البخاري القنوجي (المتوفى:  
١٣٠٧هـ)، التاج المكلل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون  
الإسلامية، قطر، الطبعة: الأولى، ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٧ م، ص ٣٩٠.

٢٩. أبو الفرج الجوزي، عبد الرحمن بن علي بن محمد، جمال الدين (المتوفى: ٥٩٧هـ)، تذكرة الأريب في تفسير الغريب (غريب القرآن الكريم)، تحقيق: طارق فتحي السيد، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٤ م.
٣٠. أبو بكر ابن العربي، محمد بن عبد الله بن محمد المعافري، (المتوفى: ٥٤٣ هـ)، عارضة الأحوزي بشرح صحيح الترمذي، الناشر: دار الكتب العلمية بيروت لبنان.
٣١. أبو داود، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو، الأزدي السجستاني (المتوفى: ٢٧٥هـ)، سنن أبي داود، المحقق: شعيب الأرنؤوط - محمّد كامل قره بللي، الناشر: دار الرسالة العالمية، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م.
٣٢. أبو يعلى الموصلي، أحمد بن علي بن المثنى بن يحيى بن عيسى بن هلال التميمي، (المتوفى: ٣٠٧هـ)، مسند أبي يعلى، المحقق: حسين سليم أسد، الناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ - ١٩٨٤.
٣٣. الأزهرى، محمد بن أحمد بن الأزهرى الهروي، أبو منصور (المتوفى: ٣٧٠هـ)، تهذيب اللغة، المحقق: محمد عوض مرعب، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الأولى، ٢٠٠١ م.
٣٤. إسماعيل بن محمد أمين بن مير سليم الباباني البغدادي (المتوفى: ١٣٩٩هـ)، هدية العارفين أسماء المؤلفين وآثار المصنفين، الناشر: طبع بعناية وكالة المعارف الجلية في مطبعتها البهية استانبول ١٩٥١ م.
٣٥. الإسنوي، عبد الرحيم بن الحسن بن علي الشافعي، أبو محمد، جمال الدين (المتوفى: ٧٧٢هـ)، طبقات الشافعية، تحقيق: كمال يوسف الحوت، بيروت، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى ٢٠٠٢ م، ج ٥ ص ٣٣.
٣٦. الألباني، محمد ناصر الدين (المتوفى : ١٤٢٠هـ)، إرواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل، الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثانية ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥ م.
٣٧. الألباني، محمد ناصر الدين (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، صحيح وضعيف سنن أبي داود، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية.
٣٨. الألباني، محمد ناصر الدين (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، صحيح وضعيف سنن النسائي، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية.
٣٩. الألباني، محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، أبو عبد الرحمن الأشقودري (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، التعليقات الحسان على صحيح ابن حبان وتمييز سقيمه من صحيحه، وشأذه من محفوظه،

- الناشر: دار با وزير للنشر والتوزيع، جدة - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م.
٤٠. الألباني، محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، أبو عبد الرحمن الأشقودري (المتوفى: ١٤٢٠ هـ)، أحكام الجنائز، الناشر: المكتب الإسلامي، الطبعة: الرابعة، ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م.
٤١. الألباني، محمد ناصر الدين، صَحِيحُ التَّرْغِيبِ وَالتَّرْهِيْبِ، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م.
٤٢. الألوسي، محمود بن عبد الله الحسيني، شهاب الدين (المتوفى: ١٢٧٠ هـ)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، المحقق: علي عبد الباري عطية، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٥ هـ.
٤٣. البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، صحيح البخاري، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الناشر: دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ.
٤٤. بدر الدين العيني، محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين، أبو محمد الغيتابي الحنفى (المتوفى: ٨٥٥ هـ)، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
٤٥. البغوي، الحسين بن مسعود، محيي السنة، أبو محمد (المتوفى: ٥١٠ هـ)، معالم التنزيل في تفسير القرآن، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، بيروت، الطبعة: الرابعة، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م.
٤٦. البيضاوي، عبد الله بن عمر بن محمد، ناصر الدين أبو سعيد الشيرازي (المتوفى: ٦٨٥ هـ)، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، المحقق: محمد عبد الرحمن المرعشلي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الأولى - ١٤١٨ هـ.
٤٧. حاجي خليفة، مصطفى بن عبد الله القسطنطيني العثماني المعروف بـ «كاتب جلي» (المتوفى ١٠٦٧ هـ)، سلم الوصول إلى طبقات الفحول، المحقق: محمود عبد القادر الأرنؤوط، الناشر: مكتبة إرسىكا، إستانبول - تركيا، ٢٠١٠ م.
٤٨. الحموي، محمد أمين بن فضل الله بن محب الدين بن محمد المحبي الحموي الأصل، الدمشقي (المتوفى: ١١١١ هـ)، خلاصة الأثر في أعيان القرن الحادي عشر، الناشر: دار صادر - بيروت.
٤٩. خطابي، حمد بن محمد بن إبراهيم بن الخطاب، أبو سليمان البستي المعروف بالخطابي (المتوفى: ٣٨٨ هـ)، معالم السنن، الناشر: المطبعة العلمية - حلب، الطبعة: الأولى ١٣٥١ هـ - ١٩٣٢ م.
٥٠. دار الافتاء الأزهر مصر قربانيان ويروس كورونا رابه عنوان «شهيد» معرفى كرد، ٢٠٢١/٠١/٠٨.



٥١. الداوودي، محمد بن علي بن أحمد، شمس الدين المالكي (المتوفى: ٩٤٥هـ)، طبقات المفسرين للداوودي، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.
٥٢. الذهبي، محمد بن أحمد بن عثمان بن قَائمَز، شمس الدين أبو عبد الله (المتوفى: ٧٤٨هـ)، تاريخ الإسلام وَوَفِيَاتِ المشاهير وَالأعلام، المحقق: بشار عَوّاد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي، الطبعة: الأولى، ٢٠٠٣ م.
٥٣. الذهبي، محمد بن أحمد بن عثمان بن قَائمَز، شمس الدين أبو عبد الله (المتوفى: ٧٤٨هـ)، تذكرة الحفاظ، الناشر: دار الكتب العلمية بيروت-لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٩هـ-١٩٩٨م، ج ٤ ص ١٣٤٨ - ١٣٤٩.
٥٤. روزنامه "الاقتصادي" چاپ عربستان. يكشنبه ٢١ ثور ١٣٩٩ ساعت ١٦:٠٩.
٥٥. الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، مجلة البحوث الإسلامية، ترقيم الكتاب موافق للمطبوع وهو مذيل بالحواشي ومعه ملحق بتراجم الأعلام والأمكنة أيضا من موقع الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء.
٥٦. الزركلي، خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الدمشقي (المتوفى: ١٣٩٦هـ)، الأعلام، الناشر: دار العلم للملايين، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو ٢٠٠٢ م.
٥٧. الساعاتي، أحمد بن عبد الرحمن بن محمد البنا (المتوفى: ١٣٧٨ هـ)، الفتح الرباني لترتيب مسند الإمام أحمد بن حنبل الشيباني، الناشر: دار إحياء التراث العربي، الطبعة: الثانية.
٥٨. سايت اسلام سوال و جواب، شماره جواب (٣٣٣٧٦٣).
٥٩. السبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين (المتوفى: ٧٧١هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، المحقق: محمود محمد الطناحي وعبد الفتاح محمد الحلو، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، ١٤١٣هـ.
٦٠. السبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين (المتوفى: ٧٧١هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، المحقق: محمود محمد الطناحي د. عبد الفتاح محمد الحلو، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤١٣هـ، ج ٣ ص ٢٨٢ - ٢٨٣.
٦١. السبكي، علي بن عبد الكافي، أبو الحسن تقي الدين (المتوفى: ٧٥٦ هـ)، قضاء الأرب في أسئلة حلب، الناشر: المكتبة التجارية مكة المكرمة - مصطفى أحمد الباز، ١٤١٣ هـ.

٦٢. السخاوي، محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن أبي بكر بن عثمان بن محمد، شمس الدين أبو الخير (المتوفى: ٩٠٢هـ)، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، الناشر: منشورات دار مكتبة الحياة - بيروت، ج ١ ص ٢٠٣.
٦٣. السرخسي، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة (المتوفى: ٤٨٣هـ)، شرح السير الكبير، الناشر: الشركة الشرقية للإعلانات، ١٩٧١م.
٦٤. السعدي، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله (المتوفى: ١٣٧٦هـ)، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، المحقق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى ١٤٢٠هـ - ٢٠٠٠م.
٦٥. سعيد بن منصور بن شعبة، أبو عثمان الخراساني الجوزجاني (المتوفى: ٢٢٧هـ)، سنن سعيد بن منصور، المحقق: حبيب الرحمن الأعظمي، الناشر: دار السلفية - الهند، الطبعة: الأولى، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٢م.
٦٦. السنيكي، زكريا بن محمد بن أحمد بن زكريا الأنصاري، زين الدين أبو يحيى المصري الشافعي (المتوفى: ٩٢٦هـ)، منحة الباري بشرح صحيح البخاري، الناشر: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٢٦هـ - ٢٠٠٥م.
٦٧. السهيلي، عبد الرحمن بن عبد الله بن أحمد، أبو القاسم (المتوفى: ٥٨١هـ)، الروض الأنف في شرح السيرة النبوية لابن هشام، المحقق: عمر عبد السلام السلامي، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ / ٢٠٠٠م.
٦٨. السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين (المتوفى: ٩١١هـ)، حسن المحاضرة في تاريخ مصر والقاهرة، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، الناشر: دار إحياء الكتب العربية - عيسى البابي الحلبي وشركاه - مصر، الطبعة: الأولى ١٣٨٧هـ - ١٩٦٧م.
٦٩. السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين (المتوفى: ٩١١هـ)، الدر المنثور، الناشر: دار الفكر - بيروت، ج ٣ ص ٢٩٩.
٧٠. السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين (المتوفى: ٩١١هـ)، حاشية السندي على سنن النسائي، الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الثانية، ١٤٠٦ - ١٩٨٦.
٧١. السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين (المتوفى: ٩١١هـ)، طبقات الحفاظ، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٣.

٧٢. شورای علماء افغانستان، مرگ از کرونا، شهادت حکمی است، سرویس : گزارش و تحلیل | کد خبر : ١٥٨٣٧ | تاریخ : ١٣٩٩/٠٢/١١-١٨:١٨:١٣.
٧٣. الشوكاني، محمد بن علي بن محمد بن عبد الله اليميني (المتوفى: ١٢٥٠هـ)، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة - بيروت.
٧٤. الشوكاني، محمد بن علي بن محمد بن عبد الله اليميني (المتوفى: ١٢٥٠هـ)، نيل الأوطار، تحقيق: عصام الدين الصبابطي، الناشر: دار الحديث، مصر، الطبعة: الأولى، ١٤١٣هـ - ١٩٩٣م.
٧٥. الشيباني، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد، أبو عبد الله (المتوفى: ٢٤١هـ)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠١م.
٧٦. شيوخ عربستان:مرگ با "ویروس کرونا" شهادت به حساب می آید، زمان انتشار : ٢٠ ثور ١٣٩٣ ساعت : ٤٨:٠٣ | کد خبر : ٣٢١٩٥ | چاپ اول.
٧٧. الصنعاني، محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد الحسني، الكحلاني، أبو إبراهيم، عز الدين، المعروف كأسلافه بالأمير (المتوفى: ١١٨٢هـ)، التَّنْوِيرُ شَرْحُ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ، المحقق: محمّد إسحاق محمّد إبراهيم، الناشر: مكتبة دار السلام، الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٣٢هـ - ٢٠١١م.
٧٨. الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم (المتوفى: ٣٦٠هـ)، تفسير القرآن العظيم المنسوب للإمام الطبراني، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة.
٧٩. الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم (المتوفى: ٣٦٠هـ)، المعجم الكبير، المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة: الثانية.
٨٠. الطبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر (المتوفى: ٣١٠هـ)، جامع البيان في تأويل القرآن، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢٠هـ - ٢٠٠٠م.
٨١. عادل نويهض، معجم المفسرين «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، الناشر: مؤسسة نويهض الثقافية للتأليف والترجمة والنشر، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٩هـ - ١٩٨٨م.
٨٢. عبد الحي الكتاني، محمد عبْد الحَيِّ بن عبد الكبير ابن محمد الحسني الإدريسي، المعروف بعبد الحي الكتاني (المتوفى: ١٣٨٢هـ)، فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمشیخات والمسلسلات، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: ٢، ١٩٨٢م.

٨٣. عبد المحسن بن حمد بن عبد المحسن بن عبد الله بن حمد العباد البدر، شرح سنن أبي داود، الكتاب مرقم آلياً، ورقم الجزء هو رقم الدرس - ٥٩٨ درسا.
٨٤. العكري، عبد الحي بن أحمد بن محمد ابن العماد الحنبلي، أبو الفلاح (المتوفى: ١٠٨٩هـ)، شذرات الذهب في أخبار من ذهب، حققه: محمود الأرناؤوط، الناشر: دار ابن كثير، دمشق - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م.
٨٥. علي بن نايف الشحود، الخلاصة في أحكام الشهيد، حقوق الطبع لكل مسلم، ١٤٢٣ / ٢٠٠٣.
٨٦. عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبد الغني كحالة الدمشقي (المتوفى: ١٤٠٨هـ)، معجم المؤلفين، الناشر: مكتبة المثنى - بيروت، دار إحياء التراث العربي بيروت.
٨٧. فخر رازي، محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين، أبو عبد الله التيمي الرازي الملقب بفخر الدين الرازي خطيب الري (المتوفى: ٦٠٦هـ)، مفاتيح الغيب، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الثالثة - ١٤٢٠ هـ.
٨٨. الفيروزآبادي، محمد بن يعقوب، مجد الدين أبو طاهر (المتوفى: ٨١٧هـ)، القاموس المحيط، الناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان، الطبعة: الثامنة، ١٤٢٦ هـ - ٢٠٠٥ م.
٨٩. الفيومي، أحمد بن محمد بن علي المقري، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت، ج ١ ص ٣٢٤ - ٣٢٥. محمد بن أبي بكر بن عبدالقادر الرازي، مختار الصحاح، تحقيق: محمود خاطر، الناشر: مكتبة لبنان ناشرون - بيروت، الطبعة طبعة جديدة، ١٤١٥ - ١٩٩٥.
٩٠. القرطبي، محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي أبو عبد الله، شمس الدين (المتوفى: ٦٧١هـ)، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، ١٣٨٤ هـ - ١٩٦٤ م.
٩١. الكرمانى، محمد بن يوسف بن علي بن سعيد، شمس الدين (المتوفى: ٧٨٦هـ)، الكواكب الدراري في شرح صحيح البخاري، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت-لبنان، طبعة ثانية: ١٤٠١ هـ - ١٩٨١ م.
٩٢. الكفوي، أيوب بن موسى الحسيني القريني أبو البقاء الحنفي (المتوفى: ١٠٩٤هـ)، الكليات معجم في المصطلحات والفروق اللغوية، المحقق: عدنان درويش - محمد المصري، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت.

٩٣. مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني (المتوفى: ١٧٩هـ)، الموطأ، المحقق: محمد مصطفى الأعظمي، الناشر: مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان للأعمال الخيرية والإنسانية - أبو ظبي - الإمارات، الطبعة: الأولى، ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٤ م/
٩٤. مجمع علمى ارشد سعودى، «شهادت» با وىروس كرونأ!، تاريخ انتشار: شنبه ٢٠ اردبهبشت ١٣٩٣، ٠٤:٣١ | شناسه مطلب: ٤٥٢٢٢.
٩٥. محمد الأمين بن عبد الله الأرمي العَلوي الهَرري الشافعي، الكوكب الوهاج شرح صحيح مسلم، الناشر: دار المنهاج - دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م.
٩٦. محمد أنور شاه بن معظم شاه الكشميري الهندي ثم الديوبندي (المتوفى: ١٣٥٣هـ)، فيض الباري على صحيح البخاري، المحقق: محمد بدر عالم الميرتهي، الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢٦ هـ - ٢٠٠٥ م.
٩٧. محمد بن صالح بن محمد العثيمين (المتوفى: ١٤٢١هـ)، فتاوى نور على الدرب، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة.
٩٨. محمد صالح المنجد، القسم العربي من موقع (الإسلام، سؤال وجواب)، تم نسخه من الإنترنت : في ٢٦ ذي القعدة ١٤٣٠ هـ = ١٥ نوفمبر ، ٢٠٠٩ م.
٩٩. محمد صبري عبد الرحيم، هل من مات بمرض السرطان شهيد، ص ١ - ٢. لجنة الفتوى بالشبكة الإسلامية، فتاوى الشبكة الإسلامية، تم نسخه من الإنترنت : في ١ ذو الحجة ١٤٣٠ هـ = ١٨ نوفمبر ، ٢٠٠٩ م.
١٠٠. محمد عبد اللطيف بن الخطيب (المتوفى: ١٤٠٢هـ)، أوضح التفاسير، الناشر: المطبعة المصرية ومكتبتها، الطبعة: السادسة، رمضان ١٣٨٣ هـ - فبراير ١٩٦٤ م.
١٠١. محمود الجيزي و فريق من الباحثين مذكورة أسماؤهم في خانة المؤلف، معجم البابطين للشعراء العرب المعاصرين، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة، ص ١٤٠٢ - ١٤٠٣.

- ١٠٢ . مرتضى زبيدي، محمّد بن محمّد بن عبد الرزّاق الحسيني، أبو الفيض، الملقّب بمرتضى، الرّبيدي (المتوفى: ١٢٠٥هـ)، تاج العروس من جواهر القاموس، المحقق: مجموعة من المحققين، الناشر: دار الهداية، القاهرة.
- ١٠٣ . مرتضى زبيدي، محمّد بن محمّد بن عبد الرزّاق الحسيني، أبو الفيض، الملقّب بمرتضى، الرّبيدي (المتوفى: ١٢٠٥هـ)، تاج العروس من جواهر القاموس، المحقق: مجموعة من المحققين، الناشر: دار الهداية، بيروت.
- ١٠٤ . معرف جوجل كتب ( Google Books ).
- ١٠٥ . معرف مكتبة الكونفرس (LCNAF).
- ١٠٦ . المغراوي، محمد بن عبد الرحمن، أبو سهل موسوعة مواقف السلف في العقيدة والمنهج والتربية، الناشر: المكتبة الإسلامية للنشر والتوزيع، القاهرة - مصر، النبلاء للكتاب، مراكش - المغرب، الطبعة: الأولى، ج ١٠ ص ٣٦٨ - ٣٧٠.
- ١٠٧ . ملا علي القاري، علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروي القاري (المتوفى: ١٠١٤هـ)، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، الناشر: دار الفكر، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ - ٢٠٠٢م.
- ١٠٨ . المناوي، زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري (المتوفى: ١٠٣١هـ)، فيض القدير شرح الجامع الصغير، الناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة: الأولى، ١٣٥٦.
- ١٠٩ . نايف بن صلاح بن علي، أبو الطيب المنصوري، إرشاد القاصي والداني إلى تراجم شيوخ الطبراني، الناشر: دار الكيان - الرياض، مكتبة ابن تيمية - الإمارات.
- ١١٠ . نجم الدين الغزي، محمد بن محمد، (المتوفى: ١٠٦١هـ)، الكواكب السائرة بأعيان المئة العاشرة، المحقق: خليل المنصور، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م.
- ١١١ . النسائي، أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، أبو عبد الرحمن (المتوفى: ٣٠٣هـ)، السنن الصغرى للنسائي، تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة، الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الثانية، ١٤٠٦ - ١٩٨٦.
- ١١٢ . النووي، يحيى بن شرف، أبو زكريا محيي الدين النووي (المتوفى: ٦٧٦هـ)، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٣٩٢.

- ١١٣ . النيسابوري، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري (المتوفى: ٢٦١هـ)، صحيح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- ١١٤ . الهيثمي، أحمد بن محمد بن علي بن حجر السعدي الأنصاري، شهاب الدين شيخ الإسلام، أبو العباس (المتوفى: ٩٧٤هـ)، الفتاوى الكبرى الفقهية، الناشر: المكتبة الإسلامية، بيروت.
- ١١٥ . الهيثمي، أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان (المتوفى: ٨٠٧هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، المحقق: حسام الدين القدسي، الناشر: مكتبة القدسي، القاهرة، عام النشر: ١٤١٤ هـ، ١٩٩٤ م.
- ١١٦ . [www.afghanistan.shafaqna.com](http://www.afghanistan.shafaqna.com)

## Summary of the discussion

The summary of the introduction of martyrs and martyrdom in the light of Sunnah are as follows:

A: The importance of this issue: Martyrdom and martyrdom in the way of Almighty God is one of the greatest means of nearness to God, one of the best forms of worship and it is considered the attribute of a successful and successful believer in this world and the hereafter. The loan is forgiven.

B: Definition of Martyr and Martyrdom: Martyrs are of three types, Martyr in this world and the hereafter, and that means the person who was killed in the war with the infidels, and Martyr in the Hereafter, not in the rules of this world, and that means the person who died of stomach pain and plague. etc., will be destroyed and a martyr in this world, not in the hereafter, and that means a person who takes something from the booty and steals it, or is killed while running away from the disbelievers. And martyrdom means to be killed in the way of Allah Almighty.

A: The conditions of martyrdom in the Qur'an and Sunnah: It is the same for all martyrs to be a martyr of this world and the hereafter, either a martyr of this world or a martyr of the hereafter, the condition is that they must be Muslim. But the special conditions for the martyr of the hereafter are sincerity for Allah Almighty, patience and not running away on the battlefield.

D: The causes of martyrdom in the Qur'an and Sunnah: include martyrdom of a giant, martyrdom due to plague, mabatun, drowning in the sea, falling under a wall, due to the nature of the disease, tuberculosis, burning in fire, giving birth and childbirth, dying in the way of God. They are due to defense of religion, soul, family and property, due to falling from the mountain and eating predatory animals, etc.

E: Wishing for martyrdom and asking for it from the perspective of the Qur'an and Sunnah: Wishing for and asking for martyrdom is one of the good, desirable and good things, which the Holy Quran and the hadiths of the Prophet, may God bless him and grant him peace, have confirmed. Therefore, a Muslim person can He should pray for the time of martyrdom from Allah Almighty, so that he may die with dignity and honor.

And: Obstacles to martyrdom: First: Gholul. Second: Debt. Third: Lack of parental permission. Fourth: They are sins.





**Islamic Emart of Afghnistan**  
**Ministry of Higher Education**  
**DM of Aeademic Affairs**



**Salam University**  
**Faculty of Sharia and Law**  
**Master Program in Tafseer &**  
**Hadith**

# **Martyr and Martyrdom in the Light of the Sunnah**

**(A Master, s Thesis)**

**Student: Basera, daughter of Mohammad Yassin**

**Superviosor: Dr. Abdul Bari “Hamidi”**

**Year 2022**



**Islamic Emart of Afghnistan**  
**Ministry of Higher Education**  
**DM of Academic Affairs**



**Salam University**  
**Faculty of Sharia and Law**  
**Master Program in Tafseer &**  
**Hadith**

# **Martyr and Martyrdom in the Light of the Sunnah**

**(A Master, s Thesis)**

**Student: Basera, daughter of Mohammad Yassin**

**Superviosor: Dr. Abdul Bari 'Hamidi'**

**Year 2022**